

پشگفتار :

- خواننده گرامی ، نظر بر این بود که این کتاب در وهله اول کلاً به زبان ترکی بچاپ برسد، اما بعداً نظر خود را تغییر داده و چاپ آن را با توضیحات فارسی ضروری دانستم ، چراکه متاسفانه هموطنانمان از یادگیری زبان ترکی و مادری خود محروم و بی بهره اند ، اکثر کسانی که با سوادند جبراً تنها به نوشتن و خواندن زبان فارسی آشنائی دارند. ...

در رابطه با مطلب مذکور به شعری از ابولقاسم حسین زاده « آتا سوزو» توجه کنید :

آرمیت کالدیر یئمک اولمور هر سوزو آچیب دئمک اولمور ...

آنلایانا بیرجه میلچک سازدیر، آنلامایانا زورنا- قوالدا آزدیر ...

- با وجودی که مدت زیادی از چاپ اول و دوم این کتاب می گذرد ، متاسفانه بخاطر گرفتاریهای مختلف کار و زندگی ، هنوز موفق به آماده کردن جلد دوم و جلد ترکی آن نشده ام.

- بعد از چاپ اول همین کتاب ، عده ای از خوانندگان محترم ، بوسیله تلفن و یا نامه چاپ آن را تبریک گفته و بعضی از آنان نیز بعد از تعریف و تشویق ، نظرات انتقادی خود را که عمدتاً به فشرده و نا روشن بودن مطالب آن [بویژه در بخش اول کتاب و همانا به در هم و برهم بودن بخشهای مختلف آن بوده است] بیان کرده اند. در این رابطه خوشحال کننده ترین تشویق و تمجید را مرحوم آقای دکتر مینائی و مرحوم آقای دکتر زهتابی نوشته اند . نامه آقای دکتر زهتابی علاوه بر تشویق نظرات اصلاحی و انتقادی نیز داشته است . (نامه وی در آخر کتاب در صفحه ۲۰۸ درج شده است.)

علاوه بر آن در این چاپ حروف صدا دار با خط عربی تغییر داده شده و حروف صدا دار انتخابی سمینار تهران در نظر گرفته شده است ، ولی متاسفانه برنامه کامپیوتری بعضی از علائم ویژه آن را بدرستی نوشته است .

– مطالبی که در این چاپ ، در صفحات اینترنتی ملاحظه می‌شوند، از لحاظ محتوی همانند چاپ اول و دوم همین کتاب می‌باشند. ولی برای آسان کردن جستن مطالب آن در صفحه اینترنتی و همانا با در نظر داشت راهنمائی‌ها ، پیشنهادات و انتقادات خواننده گان عزیز ، مطالب آن تا حدود زیادی به پس و پیش کشیده شده و در مواردی توضیحات کوتاهی نیز به آنها افزوده شده است .

در این چاپ ، در بخش اول در رابطه با الفباء و نحوه به کارگیری آنها در ترکیب کلمه صحبت می‌شود و بدنبال آن به صرف افعال ساده در زمان حال ، در زمان آینده نزدیک و با فعل مصدری در زمان حال و همانا در رابطه با اصول نفی آنها توضیحاتی داده شده و برای ضمائر شخصی صرف می‌شود ؛ در ادامه مطلب حالت‌های تصریفی اسم ، ضمیر و... و همانا فرم گذشته (مترادف با فعل ساد در زبان فارسی) فعل در فرم‌های مختلف صرف می‌شود. در ادامه مسائل دستوری اشاره ای نیز به جمله سازی شده و بدنبال آن در رابطه با کلمه صفتی ، ربطی ، قیدی و... ، در فرم‌های مختلف و بکارگیری آنها در ترکیب جمله توضیحاتی داده می‌شود. در بخش بعدی ، به ساختن افعال مختلف ترکیبی ، مرکب و به صرف آنها پرداخته می‌شود.

توجه : - چاپ تکمیلی این کتاب با توضیحات و مثال‌هایی که در مواردی اشعاری نیز از شعرای

آذربایجان همراه دارند (در حدود هفتصد صفحه) آماده چاپ می‌شود.

- مطالب آن نیز در همین صفحه اینترنتی در اختیار هموطنان عزیز قرار خواهد گرفت .

- لطفاً ، نظرات انتقادی و اصلاحی خود را به آدرس الکترونیکی [به فرم « PDF »]

ارسال دارید.

Ali.Mohammadi@t-online.de

فهرست مطالب :

عنوان	شماره صفحه	عنوان	شماره صفحه
پیشگفتار :	۱ -	فعل آینده نزدیک :	۲۷
فهرست مطالب	۳ -	مفاهیم دیگر فعل آینده نزدیک :	۲۹
مقدمه :	۶ -	فعل امری :	۳۰
الفبای لاتین و عربی :	۷ -	تغییر حرف ریشه فعل :	۳۳
اطلاعات متفرقه ... :	۸ -	فعل مصدری زمان حال :	۳۴
نحوه صرف الفبای ترکی :	۹ -	طریقه نفی کلمه :	۳۵
حروف بی صدای ضعیف :	۱۲ -	نفی فعل ... « ایمنک » :	۳۵
حروف بی صدای قوی :	۱۳ -	حالت نفی فعل مصدری در زمان حال :	۳۷
کلمه :	۱۴ -	کلمه نفی « مز » :	۳۶
طریقه هجی کلمه :	۱۵ -	پسوند نفی « می ، مو » :	۳۶
اسم :	۱۶ -	نفی فعل زمان حال :	۳۷
مصدر :	۱۶ -	کلمه نفی « یوخ » :	۴۰
فعل :	۱۷ -	نفی فعل آینده نزدیک :	۴۰
علائم جمع :	۱۸ -	نفی فعل امری :	۴۱
ضمیر شخصی :	۱۹ -	حروف اضافی (کلمه) نفی « سیز » :	۴۲
ضمایر اشاره ای :	۱۹ -	فرم سوالی و بکارگیری	۴۳
نحوه صرف فعل « ایمنک » :	۲۰ -	نفی سوالی فعل :	۴۳
حرف تکمیلی « y » :	۲۲ -	نفی سوالی با فعل ایمنک	۴۴
اشکال صرف افعال :	۲۳ -	نفی سوالی فرمهای مختلف :	۴۵
صرف فعل در زمان حال :	۲۵	کلمه سوالی فرم قدیمی :	۴۹

فهرست مطالب :

عنوان	شماره صفحه	عنوان	شماره صفحه
اسم مصدری :	۵۰ -	فعل ماضی :	۷۷
اسم فاعلی :	۵۲ -	نفی ماضی :	۷۹
صرف دو گانه کلمات :	۵۳ -	جمله سازی :	۸۳
حالت‌های تصریفی اسم .. :	۵۴ -	صفت و بکارگیری آن در جمله :	۸۳
حالت‌های تصریفی ضمائر شخصی ...:	۵۵ -	کلمه ربطی و .. ۸۸	
حالت‌های تصریفی ضمائر اشاره ای :	۵۷ -	« جِه ، جا » علامت مخصوص زبان:	۹۸
حالت‌های تصریفی چند کلمه استفهامی :	۵۸ -	کلمات قیدی ... در جمله :	۱۰۰
ضمائر اشاره ای با اضافی ملکی :	۵۹ -	حروف اضافی « لی » :	۱۰۵
ضمیر ملکی « iv » بجای « in » :	۶۱ -	اعداد و انواع مختلف آن :	۱۰۸
ضمیر انعکاسی :	۶۳ -	قید سوالی :	۱۱۲
ضمیر انعکاسی و حالت‌های تصریفی آن:	۶۳ -	کلمه سوالی « نه » :	۱۱۳
کلمه سؤالی و ضمائر انعکاسی :	۶۵ -	کلمات مختلف و بکارگیری آن :	۱۱۶
نفی کلمه سؤالی .. ضمیر انعکاسی:	۶۷ -	حذف حرف صدادار از چند کلمه :	۱۲۰
شکل سوالی کلمات يك هجائی :	۶۷ -	حالت گذشته استمراری و ..:	۱۲۱
حذف کردن یکی از ضمائر ملکی:	۶۸ -	نفی گذشته استمراری و ..	۱۲۳
ضمیر اشاره ای و اضافه ملکی :	۶۹ -	فعل آینده نزديك در گذشته :	۱۲۶
کلمه سوالی « نه » .. وار ، یوْخ :	۷۱ -	نفی فعل آینده نزديك :	۱۲۸
کلمه سوالی « نه ره » و :	۷۳ -	گذشته استمراری مصدری :	۱۳۰
اسم سازی بوسیله اضافه ملکی :	۷۴ -	نفی گذشته استمراری مصدری:	۱۳۱
کلمات تعلقات ملکی :	۷۶ -	ماضی نقلی و فرماهای مختلف :	۱۳۳

عنوان	شماره صفحه	عنوان	شماره صفحه
فعل آینده و فرمهای مختلف :	۱۳۴ -	فعل امری مجهولی :	۱۷۳
فعلی فعل آینده و...:	۱۳۵ -	فعل مجهولی مصدری :	۱۷۶
صرف فعل آینده در گذشته :	۱۳۷ -	فعل مجهول کمکی :	۱۷۸
کلمه سازی بوسیله پسوند :	۱۳۹ -	فعل مجهول التزامی :	۱۷۹
فعل فاعلیت صفتی و فرمهای :	۱۴۱ -	فعل مجهول کمکی با اولماق :	۱۸۰
گذشته فعل فاعلیت صفتی :	۱۴۳ -	فعل آرزوئی و فرمهای مختلف :	۱۸۶
صرف فعل صفتی.. « اولماق » و	-	گذشته فعل آرزوئی :	۱۸۹
فرمهای مختلف آن :	۱۴۴ -	فعل آرزوئی کمکی :	۱۹۰
کلمه سازی بوسیله فعل فاعلیت:	۱۴۷ -	جمله آرزوئی غیر واقعی :	۱۹۱
فعل کمکی و بکارگیری فرمهای	-	فعل امری آرزوئی و فرمهای آن :	۱۹۳
مختلف آن :	۱۴۹	فعل امری آرزوئی و فرم قدیمی:	۱۹۵
کلمه سازی .. با فعل کمکی:	۱۵۳ -	فعل شرطی و فرمهای مختلف آن :	۱۹۷
کلمه ساز تشبیهی با فعل کمکی:	۱۵۴ -	فعل شرطی واقعی :	۲۰۰
کلمه سازی با مصدر دو گانه :	۱۵۶ -	جمله شك و تردید :	۲۰۲
فعل التزامی و فرمهای مختلف:	۱۵۹ -	کلمه التزامی گرك:	۲۰۳
جمله بندی التزامی با فعل اولماق:	۱۶۲ -	جدول مقایسه افعال مختلف :	۲۰۵
کلمه سازی با فعل التزامی :	۱۶۳ -	عملکرد کلمه « اگر » :	۲۰۶
کلمات التزامی مختلف در جمله :	۱۶۷ -	نظر تشویقی و انتقادی دکتر زهتابی -	
فعل مجهولی و فرمهای مختلف:	۱۷۰ -	در رابطه با چاپ اول این کتاب :	۲۰۸
استثناء در فعل مجهولی :	۱۷۲ -		

مقدمه:

- در این کتاب همراه خط عربی از خط لاتین نیز استفاده شده است زیرا الفبای عربی که الفبای ترکی نیز از آن گرفته شده، نه تنها برای توضیح و صرف افعال زبان ترکی نارسا بوده بلکه مشکلاتی نیز برای نوشتن و خواندن صحیح و آموزش سریع آن بیار آورد است، چرا که بعضی از حروف الفبای عربی و بویژه حروف صدادار آن با حروف الفبای ترکی هماهنگی ندارند. مثلاً برای فهماندن حرف «ا» ، آن را در اول کلمه به شکل ا، ا، ا، ا، ا، در وسط کلمه به شکل «ه» و یا به شکل ه همزه و در آخر کلمه به شکل ه، ه، ه می‌نویسند و همچنین حروف o, u, ü, ö را به شکل او، اؤ، و، و، او، ئو، عو، ا، و... مورد استفاده قرار می‌دهند که هیچ کدام آنها با اصوات حروف ترکی هماهنگی کامل ندارند.

- در زبان ترکی آذربایجان نه (۹) حرف صدادار موجود است که آنها نزدیک به چهل درصد ساختمان و ترکیب این زبان را تشکیل می‌دهند.

- زبان ترکی علاوه بر حروف صدادار حروف دیگری هم دارد که زبان عربی آن را ندارد، (مثل: ژ، پ، گ، چ) و زبان عربی نیز حروفی دارد که مورد استفاده ترک زبانها نمی‌تواند قرار گیرد. مثال: بجای ز، ذ، ض، ظ، [يك Z ز] قرار می‌گیرد.

- بنظر می‌رسد استفاده از خط لاتین همراه با خط عربی میتواند کمک زیادی به آموزش سریع و نوشتن صحیح زبان ترکی باشد.

- در این کتاب ترجمه لغت به لغت بعضی از جملات ترکی به زبان فارسی مفهوم واقعی آنها را نمی‌رساند بنا بر این از جملات و واژه‌هایی استفاده می‌شود که مفهوم مترادف با آنها را بیان می‌کنند.

- برای بعضی از واژه‌های دستوری که از لحاظ مضمون تفاوت‌هایی با واژه‌های فارسی دارند توضیحاتی در آغاز مطلب ذکر شده داده می‌شود. مثال:

مصدر، فعل، فعل آینده نزدیک و ماضی و...

الفبای لاتین و عربی :

الفبای لاتین این ویژگی را دارد که با کمی تغییر شکل در بعضی حروف هماهنگی کاملی با زبان ترکی پیدا میکند. هماهنگی الفبای لاتین با زبان ترکی اجازه میدهد تا تمامی مشکلاتی را که خط عربی (عمدتاً بخاطر عدم هماهنگی حروف صدادار) برای نوشتن و خواندن زبان ترکی ببار می‌آورد، از بین برده و آموزش و صرف افعال آن را بسیار آسان سازد.

- در نوشتن کلمات ترکی با خط عربی، نا همگونی‌های موجود و اجتناب ناپذیر است، ولی در کنار خط عربی همان کلمات با خط لاتین نیز درج می‌شوند و بدین شکل کوشش می‌شود که کمبودها حتی‌الامکان رفع گردد.

الفبای ترکی با خط عربی و لاتین به شکل زیر می‌باشند :

s S س، ص، ث	q Q ق، گ	g G گ	a A آ، عا
ş Ş ش	l L ل	ğ Ğ غ	b B ب
t T ت	m M م	h H هـ ح	c C ج
u U عو، ئو، او	n N ن	x X خ	ç Ç چ
ü Ü عو، ئو، او	o O اُ، او	ı I ای	d D د
v V و	ö Ö اُ، او	i İ ای، ئی	e E اِ، اَ، اِئ
y Y ی، ی	p P پ	j J ژ	ə Ə اَ، هـ
z Z ظ، ض، ذ، ز	r R ر	k K ك	f F ف

توجه : - الفبای مذکور، امروزه در جمهوری آذربایجان رسمی بوده و تدریس می‌شود.

- حروف صدادار با خط عربی، حروف انتخابی سمینار تهران (در تاریخ ۲۷-۲۶ خرداد ۱۳۷۹

هجری هجری شمسی) می‌باشد. (متأسفانه برنامه کامپیوتری همه آنها را بدرستی نمی‌نویسد).

اطلاعات متفرقه در رابطه با زبان ترکی آذربایجان :

زبان ترکی که زبان مادری بیش از يك سوم جمعیت ایران است یکی از با قاعده ترین زبانهای زنده جامعه انسانی می باشد ، بطوری که در آن تنها يك فعل بی قاعده و چند عدد استثناء وجود دارد :

(۱) در زبان ترکی يك فعل بی قاعده وجود دارد که آن ریشه مصدر «ایمک» (بودن) است.

(به صرف فعل «ایمک» در صفحه ۲۰ توجه شود.)

(۲) در صرف افعال در زبان ترکی، ریشه افعال تغییر ناپذیر می باشد. ولی پنج فعل موجود است که آنها را به دو شکل صرف می کنند که در یکی از این دو صرف ریشه آنها را تغییر می دهند.

(به نحوه بکار گیری افعال مذکور در صفحه ۳۳ توجه کنید.)

(۳) در محاوره در صرف اضافه ملکی برای دوم شخص مفرد بجای « in » يك « iv » (v) بجای « سنین خالانین اوغلو » به شکل « سنین خالاوین اوغلی » (خالاوین) بکار می برند که « v » (iv) اضافی با اصول زبان ترکی هماهنگی ندارد و آن را در همه جا نمی توان بکار برد.

(ادامه مبحث مربوطه در صفحه ۶۱ می باشد.)

(۴) در زبان ترکی چند کلمه وجود دارد که در صرف از آنها يك حرف صدادار حذف می شود. مثال : « بۇرون burun » یعنی « بینی » که در صرف بجای « بۇرونوم burunum » (بینی من) به شکل « بۇرنوم burnum » گفته و نوشته می شود.

(نحوه بکار گیری کلمات مذکور در آخر صفحه ۱۲۰ می باشد.)

۵ (فعل « يئمک yemək » (خوردن) و « دئمک demək » (گفتن) در صرف مجهولی حروف « yi » اضافی بخود می گیرد .

(صرف مجهولی دو فعل مذکور در صفحه ۱۷۲ می باشد.)

(۶) در زبان ترکی تشدید وجود ندارد. ولی کلمات عربی که در آن نفوذ کرده اند ، به شکل زیرین نوشته و تلفظ میشوند. مثال :

« اما » - اما نوشته شده و آم - ما گفته میشود. « الله » - الله نوشته شده و آل لاه و یا آلا

گفته میشود. حل کردن :

« حل ائتمک » نوشته و « həlletmək حل لئتمک » تلفظ میشود. حس کردن :
« حس ائتمک » نوشته و « hissetmək حس سئتمک » گفته می شود.

در زبان ترکی دو حرف همنوع تنها در چند کلمه (کلمه ساده) به دنبال هم آمده که به شکل زیر می باشد :

bəlli	(واضح یا روشن)	بَل لی
əlli	(پنجاه)	آل لی
doqquz	(نه)	دوققوز
səkkiz	(هشت)	سککیز
yassı	(پهن)	یاس سی
yeddi	(هفت)	یئددی

۷) « ن » تنوین (ْ) را به شکل زیر بکار می برند . مثال :
« احتمالاً » نوشته و ehtimalən احتمالن گفته می شود و یا کلمه « حتما »
به شکل « حتمن » hətmən تلفظ می شود.

نحوه صرف الضمای ترکی :

حروف ترکی را میتوان به سه بخش تقسیم کرد .

۱) حروف صدادار

۲) حروف بی صدای ضعیف (بی ثبات)

۳) حروف بی صدای قوی (با ثبات)

الف (حروف صدادار ،

در زبان ترکی آذربایجان نه (۹) حرف صدادار وجود دارد که به دو گروه مختلف تقسیم

می‌شوند .

(a) گروهی که نرم و یا صدایشان بم شنیده شده و آهنگ پائینی دارند . این حروف چهار عدد هستند :

آ a ، الف ساکن ا عو او اُ o ، او u

(مثال: آل al ، بگیر . ایشیق işiq ، روشن . اول ol ، بشو . اوچ uç ، بیر)

(« ا » به شکل الف و یا به شکل « ای » ساکن تلفظ می‌شود.)

(حرف « a » با خط عربی در اول کلمه به شکل « آ » و در وسط و آخر کلمه به شکل

« ل » نوشته می‌شود. حرف « ا » مثل الف ساکن (ا) تلفظ شده و با خط عربی در اول و

وسط کلمه به شکل « یـ » و در آخر کلمه به شکل « ی » نوشته می‌شود.

(b) گروهی که صدایشان تیز و یا نازک و بعبارتی آهنگ بالائی دارند .

این حروف پنج عدد هستند :

ا ع اِ e ، ای i ، او (ئو) ü ، او (ئو) ö

(مثال: گل gəl ، بیا . ائشیت eşit بشنو . ایشله işlə ، کارکن . گول güllə ، بخند.

اوپ öp ، ببوس . کئد ged (گئت get) ، برو .

« ا » (ا ، ع) با خط عربی در اول کلمه به شکل « آ » و یا « عـ » و در وسط کلمه

به شکل ـ [عـ] و در آخر کلمه به شکل « ه » نوشته می‌شود. (« اِ » به شکل « ایـ » و یا

به شکل « یی » تلفظ می‌شود .)

در صرف کلمات ، حرف صدادار پسوند باید با آخرین حرف صدادار ریشه فعل هماهنگ

باشد. این هماهنگی به دو شکل (کوچک و بزرگ) صورت می‌گیرد :

(۱) در هماهنگی کوچک کلمات در صرف ، حرف a , ə بخود می‌گیرند . بعبارتی اگر

آخرین حرف صدادار ریشه فعل به آهنگ بالائی « ü , ö , i , e , ə » ختم شود ، پسوند آن

با حرف « ə » بکار می‌رود . برای مثال به صرف فعل زیر توجه کنید :

من می‌آیم - گلرم gələrəm (در آینده نزدیک) ، می‌خندم - گوله رم gülərəm ،

انجام می‌دهم - edərəm

اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل به آهنگ پائینی (a, l, o, u) ختم شود، در صرف، حرف

صدادار پسوند تبدیل به «a» می‌گردد. مثال: (جمع بستن کلمات) آدمها - adamlar،

خانمها - qadınlar قادینلار، علفها - otlar اوتلار، گوسفندها - qoyunlar قویونلار

(فرم چنین حالتی به این شکل: a, l, o, u = a می‌باشد.)

(۲) در هماهنگی بزرگ، پسوندها به چهار شکل «i, l, ü, u» صرف می‌شوند:

– اگر آخرین حرف صدادار کلمه‌ای به حرف «ə, e, i» ختم شود، پسوند آن در صرف حرف

«i» بخود می‌گیرد. (مثال: می‌آید گلیر gəlir، گلدیر، ایچیر: ə, e, i = i)

– اگر آخرین حرف صدادار کلمه‌ای به حرف «l, a» ختم شود، پسوند آن حرف «l» (الف ساکن)

بخود می‌گیرد. (مثال: می‌گیرد - alır alir، قیلیر: a, l = l)

– اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل به حرف «o, u» ختم شود پسوند آن در صرف حرف «u»

بخود می‌گیرد: (مثال: اولور olur، قورور: o, u = u)

– اگر آخرین حرف صدادار کلمه‌ای به حرف «ü, ö» ختم شود پسوند آن حرف «ü» بخود

می‌گیرد. (مثال: گولور gülür، می‌خندد: ü, ö = ü)

(در جاهای مختلف این کتاب به مثال فوق اشاره خواهد شد.)

ب) حروف بی‌صدای ضعیف (بی‌ثبات):

حروفی هستند که صدای آنها واضح و ثابت نبوده و در مواردی بویژه در بعضی اشعار و در

کتب قدیمی تغییر صدا می‌دهند.

حروف مذکور ۸ عدد بوده و بدین قرارند:

چ ç ، ف f ، ح h ، ک k

پ p ، س s ، ش ş ، ت t

از حروف مذکور پنج حرف در هنگام صرف با قرار گرفتن در بین دو حرف صدادار تغییر

صدای می دهند. یعنی :	k ك	تبدیل به	y ی
ق	q	تبدیل به	ğ غ
چ	ç	تبدیل به	c ج
پ	p	تبدیل به	b ب
ت	t	تبدیل به	d د

می گردد.

علاوه بر آن اگر آخرین حرف کلمه ای به یکی از حروف بی صدای ضعیف ختم شود و پشت سر آن نیز حرف « د » صرف شود ، « د » تبدیل به « ت » می شود. مثال :

« گلمک gəlmək » (آمدن) که « گلمکده gəlməkdə » تبدیل به « گلمکته gəlməktə » می گردد. همچنین (« ت t » تبدیل به « د d » می شود. مثال :

[پیراکن - پیراکنم] داغیت - داغیدیم می شود. (چهار- چهار من) دورت - دوردوم و ...

توجه : کلماتی که دارای يك بند (يك هجی) هستند از قانون مذکور پیروی نکرده و

تغییر صدا نمی دهند . مثال :

ات	ət	اتیم	ətim	(گوشت - گوشت من)
ایپ	ip	ایپیم	ipim	(طناب - طناب من)

قاعده مذکور امروزه در ترکی استانبولی رسماً صرف می شود. ولی در آذربایجان (بجز در دو مورد یعنی در رابطه با حرف « ك » و « ق ») به تغییر صدای حروف مذکور اهمیت نمی دهند و آنها را به شکل اصلی خود صرف می کنند و در مواردی هم هرکس به دلخواه خود حروف مذکور را تغییر داده و بکار می برد. دو حرف (ك k و ق q) با اصول فوق صرف می شوند. در این کتاب نیز به تغییر صدای این دو حرف (ك و ق) اهمیت داده شده و آنها با اصول فوق بکار برده می شوند. به مثالهای زیر که حروف « ك k » و « ق q » در صرف بین دو حرف صدادار قرار گرفته و تغییر صدا می دهند توجه کنید:

– يئمک yemək – يئمە ييم yeməyim (غذا - غذای من)

در صرف مذکور حرف « ك k » تبدیل به « ی y » شده است .

– اۇشاق uşaq – اۇشاغیم uşağım (بچه ، فرزند من)

در صرف مذکور حرف « q » تبدیل به « ğ » شده است .

– به مثالهای دیگر که در صرف حرف « ق q » تبدیل به « غ ğ » و حرف « ك k » تبدیل

به « ی y » می شود ، به جدول زیر توجه کنید :

اۇخوماق oxumaq (خواندن)	–	اۇخوماغیم oxumağım (خواندن من)
گولمك gülmək (خندیدن)	–	گول مه ییم gülməyim (خندیدن من)
اغلاقماق aqlamaq (گریه کردن)	–	اغلاقماغیم aqlamağım (گریه کردن من)
ایتمك itmək (گم شدن)	–	ایتمه ییم itməyim (گم شدن من)
دینمك dinmək (حرف زدن)	–	دینمه ییم dinməyim (حرف زدن من)
دئمك demək (گفتن)	–	دئمه ییم deməyim (گفتن من)

– امروزه در صرف الفبای ترکی آذربایجان همیشه و بدون استثنا باید تغییر صدای حروف

« ك » و « ق » را در نظر داشت ، زیرا بآنها در همه جا برخورد می کنیم .

– کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده با قانون مذکور صرف نمی شوند. مثال:

(کلمه عربی) خالق ، خالقیم [خالق ، خالقیم] (کلمه فارسی) بابک ، بابکیم

(کلمه ترکی: به بک ، به به ییم)

ث (حروف بی صدای قوی) (با ثبات) ،

حروفی هستند که تغییر صدا نمی دهند و به عبارتی شکل استثنائی بخود نمی گیرند. فقط حرف

« r » در مواردی به شکل قوی (مثل گلیر [rr]) و یا ضعیف مثل :

بیردنه bir dənə [یک دانه] که « بیر bir » به شکل « بی bi » (بدون r) [بی ده نه]

شنیده و تلفظ می شود .

کلمه :

کلمه از حروف مختلف ساخته می‌شود. در ساختمان کلمه ساده ترکی ، حروف صدادار کلمه را یکی از دو گروه آن که با آهنگ بالائی (i , ö , ü , ə , e) و یا با آهنگ پائینی (a , ı , o , u) می‌باشد ، تشکیل می‌دهد. مثال :

یاشار Yaşar ، رفتن (getmək) gedmək ، تۇران Turan ،

گلکم gəlmək (آمدن) ، گولمک gəlmək (خندیدن)

اما کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده است اکثراً به شکل اصلی خود ظاهر شده ، ولی پسوندهای آنها با قانون زبان ترکی ساخته و بکار گرفته می‌شود. مثل : رنگر (رنگها) . خالقار (خلقها)

- کلمات به انواع مختلف تقسیم میشوند :

- کلمه ساده : یاشار Yaşar ، حسین Hüseyin ، تۇران Turan

- کلمه ترکیبی با پسوند : حسین ده Hüseyndə (در [پیش] حسین) ،

گولنده güləndə (موقع خندیدن). [حروف صدادار کلمه ترکیبی با هم هماهنگ هستند.]

- کلمه مرکب بوسیله چند اسم و یا چند کلمه ساخته می‌شود :

محمد علی Məhəmmədəli ، گول باغی gülbağı (باغ گل) .

- در جمله بندی ، کلمات هر يك برای خود نام مشخصی دارند :

اسم : حسن Həsən ، باغ bağ ، محمد علی Məhəmmədəli

فعل : گول gül (بخند) ، گلیرم gəlirəm (می‌آیم) ، گئت get (برو)

صفت : گۆزل gözəl (زیبا) ، (یاخشی yaxşı) (خوب)

قید : ایندی indi (الان) ، بۇرا bura (اینجا) ، صاباح sabah (فردا)

ضمیر : مən (بن) ، sən (تو) ، اونلار onlar (آنها ، ایشان)

کلمات ربطی : هم həm ، دا da ، داهی dahi (باز) و کلمات تشبیهی ،

کلمات پسوندی ، کلمات اضافی ، حروف اضافی و.. نیز بکار گرفته خواهند شد.

طریقه هجی کلمه :

در هجی کردن کلمات ترکی نباید دو حرف صدادار و یا بی صدا در کنار هم (دریک بند) قرار گیرد . مثال : ساعت ، سا _ عات sa-at .

آمدن ، گَل _ مَك gəl-mək ، خواندن ، او _ خو _ ماق o - xu - maq

افعال و کلماتی که پسوندها و کلمات دیگری با آنها ترکیب می یابند ، در هجی از هم جدا می شوند . مثال : « تو می آیی » یعنی « گلیرسن » که هجی کردن آن چنین است : gəl - ir - sən (گل - ایر - سن) . کلمه دیگری را مثل « درباغها » در نظر بگیریم که چنین هجی میشود : باغ - لار - دا (bağ - lar - da) . در صرف و یا در بیان کلمه ای که به روی یکی از حروف صدادار آن تکیه می شود ، آن حرف خود يك هجی (بخش) به حساب می آید . برای مثال کلمه « اوشاق uşaq » (بچه) را که به حرف اولی (u) آن تکیه می شود در نظر بگیریم که بدین شکل هجی می کنیم : u - şaq (او - شاق) ، ولی اگر به روی حرف « u » آن تکیه نکرده و به جای « u - şaq » به شکل « uş - aq » هجی کنیم ، کلمه کاملاً غلط تلفظ شده و اصلاً فهمیده نمی شود . هجی کلمه آنا ana (مادر) نیز به همین شکل است . اگر « مادر » را به شکل « آ - نا a na » هجی کنیم درست است . ولی اگر به شکل « آن - آ an a » هجی کنیم ، کاملاً غلط می باشد .

به مثالهای زیر نیز توجه کنید :

کتاب - کیتاب - کی - تاب ki-tab

به کتاب - کیتابا - کی - تا - با ki-ta-ba

حسن - حَسَن - حه - سن Hə-sən

دیدن - گۆرمك - گۆر - مك gör-mək

- معمولاً در محاوره به بخش آخر اسامی شهرها و دهات تکیه می شود و آن را به شکل

کشیده بیان می کنند . مثال : تهران tehra n ، تبریز təbr i z

باکی bak ı ، ایستانبول istab u l

اسم :

اسم کلمه ای است که برای نامیدن همه موجودات به کار برده می‌شود. در بکار بردن اسم در جمله باید به فرمهای مختلف آن توجه کرد، تا بتوان اعضای دیگر جمله را با آن همگون ساخت. اسم اشکال مختلفی دارد :

- اسم ساده اسمی است که تنها يك جزء دارد و با اسامی دیگر ترکیب نیافته است :

علی Əli ، باغ bağ ، آغاج ağac (ağaç)

- اسم مرکب اسمی است که از ترکیب دو یا چند جزء بدست می‌آید، ولی بر اسم فرد و یا چیز مفردی دلالت کند. مثال :

علی رضا Əlireza ، باداملیق badamlıq (بادامستان)

- اسامی که از سایر زبانها و بخصوص از زبان عربی گرفته شده و در زبان فارسی با

اصول زبان عربی جمع بسته می‌شوند، در دستور زبان ترکی همانند اسامی

ساده و مرکب با قانون خاص ترکی یعنی بوسیله « لر » و « لار » به سادگی جمع

بسته می‌شوند و نیازی به یادگیری و بکار بردن علائم جمع عربی در زبان

ترکی نیست. مثل : müttəfiqlər [متفقین]

خالقلار xalqlar [خلقها] (اسم سازی در ص ۷۲)

مصدر :

مصدر کلمه ای است که از دو قسمت تشکیل می‌شود. به بخش اول آن ریشه فعل و به قسمت آخری آن پسوند مصدری می‌گویند .

علامت مصدر در زبان ترکی « mək » و « maq » می‌باشد . حرف صدادار پسوند

مصدر وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است ، در نتیجه پسوند مصدری به

شکل « مک mək » و « ماق maq » (هماهنگی کوچک) در می‌آید . افعالی که

آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی (a,ɪ,o,u) باشد ، بخود پسوند مصدری

« ماق maq » می گیرند. مثال :

آلماق almaq (گرفتن) ، دۇرماق durmaq (ایستادن)
 اۇلماق olmaq (شدن) ، اینانماق inanmaq (باورکردن)
 افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، بخود
 پسوند مصدری « مک mək » می گیرند. مثال :
 گلمک gəlmək (آمدن) ، یئمک yemək (خوردن)
 ایچمک içmək (نوشیدن) ، اؤپمک öpmək (بوسیدن)
 اوشومک üşümək (سرد شدن [یخ زدن] کسی از سرما)

- توجه : پسوند مصدرهائی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی باشد ، در محاوره
 بجای پسوند « ماق maq » از پسوند « ماخ max » استفاده می کنند ، ولی این پسوند در
 صرف درست بکار گرفته می شود ، یعنی « ماخ » به شکل « ماغیم » صرف می شود. مثال :
 « آلماق almaq » (آلماخ) را به شکل « آلماغیم almağım » بکار می برند .

فعل :

- فعل به کلمه ای گفته میشود که مشخصات زیر را داشته باشد .
- کار عملی شده را در زمانهای مختلف (گذشته ، حال ، آینده) بیان کند .
 - مفرد و یا جمع بودن فاعل را ذکر کند .
 - کاری را که بوسیله کسی انجام شده و یا به کسی یا چیزی اعمال میشود ، نشان دهد .
 - شکل مثبت و منفی بودن عمل انجام شده را روشن کند .
 - نحوه ربطی و شرطی بودن کار عملی شده را بیان کند .
- شکلهای مختلف افعال ترکی بوسیله پسوندهای گوناگون ساخته می شوند. برای
 آشنائی با صرف فرمهای افعال به بخشهای صرف فعل در این کتاب توجه کنید.

علائم جمع :

جمع بندی کلمات ترکی بوسیله دو پسوند « لار » ، « لر » [با هماهنگی کوچك] انجام می گیرد. افعالی که آخرین حرف صدادر آنها با آهنگ پائینی (a, l, o, u) است با پسوند « لار » جمع بسته می شوند. مثال :

فارسی	ترکی	جمع ترکی
آدم	adam	آدام لار adam lar
انسان	insan	اینسان لار insan lar
نور	ışık	ایشیق لار ışıq lar
آتش	od	اودلار od lar
پول	pul	پول لار pul lar
نخود	noxud	نخود لار noxud lar

- در جمع بستن کلمات بالا چهار حرف صدادر با آهنگ پائینی (a, l, o, u)

تبدیل به « a » (لار) می گردد.

- اگر آخرین حرف صدادر کلمه ای با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، جمع بستن آن با پسوند « لر » انجام می گیرد. مثال :

فارسی	ترکی	جمع ترکی
گوشت	ət	اتلر et lar
پاکت	paket	پاکت لار paket lar
طناب	ip	ایپ لار ip lar
حرف	söz	سؤزلر söz lar
گل	gül	گول لر gül lar

- همه حرف صدادر با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) تبدیل به « ə » (لر) می گردد.

ضمیر شخصی (ضمیر شخصی مفصل) :

ضمیر شخصی به کلمه ای گفته میشود که جایگزین اسم در جمله باشد :

فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
من	mən (بن)	ما	biz بیز
تو	sən سن	شما	siz سیز
او	o او اُ	ایشان ، آنها	onlar اونلار

– در رابطه با ضمائر به مطالب زیر توجه کنید :

(a) « اونلار » (« آنها » و « ایشان ») را در محاوره « اونلار » نیز می گویند.

(b) در زبان ترکی ضمائر شخصی جمع را مجددا بدین شکل جمع می بندند :

بیزلر bizlər (ماها) ، سیزلر sizlər (شماها)

(c) « من » کلمه فارسی و « بن » کلمه ترکی و جمع آن « بیز » می باشد. زیرا که

جمع « بن bən » می شود « بیز biz » و

جمع « سن sən » می شود « سیز siz » و

جمع « او (اُ) o » می شود « اونلار onlar » ، به عبارتی اولین حرف

ضمائر شخصی (b, s, o) مفرد و جمع همشکل می باشد. ولی اولین حرف کلمه

« من mən » با کلمه « بیز » همشکل نبوده و « من » را نمی توان به شکل « میز »

جمع بست. « بن » امروزه در آذربایجان به شکل « من » صرف می شود. در این

کتاب نیز به شکل « من » بکار گرفته می شود .

ضمائر اشاره ای :

ضمیر اشاره ای کلمه ای است که بحای اسمی نهاده می شود که به آن اشاره شده و یا

نشان داده می شود :

ضمایر اشاره ای مفرد	ضمایر اشاره ای جمع
این : bu بۇ	بۇنلار bunlar (بۇلار bular)
آن ، او : o اۇ	اۇنلار onlar (اۇلار olar)
اینجا bura بۇرا	اۇرا oro

– ضمیر اشاره ای « شۇ şu » (این) در بعضی کتب و اشعار قدیمی مورد استفاده قرار گرفته است.

– « بۇنلار » را در محاوره « بۇلار » نیز می گویند .

۱) نحوه صرف فعل « ایملک » :

در زبان ترکی ضمایر شخصی را بوسیله ریشه مصدر « ایملک » که تنها فعل بی قاعده این زبان است صرف می کنند .

فعل مذکور عملکردی همانند فعل « بودن » در زبان فارسی دارد که به همان معنی نیز بکار گرفته میشود. (خود مصدر « ایملک » به شکل « بودن » مورد استفاده قرار نمی گیرد ، بلکه صرف آن به شکل « هستم » ، « هستی » و .. بکار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود :

علامت صرفی	ترکی	فارسی
əm ام	mən əm منم	من هستم
sən سن	sən sən سَن سَن	تو هستی
dur دور	o dur اۇ دور	او هست
ik ایک	biz ik بیزیك	ما هستیم
siniz سینیز	siz siniz سیز سینیز	شما هستید
dırlar دیرلار	onlar dırlar اۇنلاردیر(لار)	آنها هستند

– صرف فعل «ایمک» را «پسونند صرفی» و یا ضمیر متصل شخصی نیز می‌نامیم.
 – «من و ارام» و «منم» (موجود بودن، هستی) در زبان فارسی معنی «من هستم» را می‌دهند.

من و ارام، سن و ارسان، او و اردیر، بیز و اریق، سیز و ارسینیز، اؤنلار و اردیرلار.
 – اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد، صرف فعل «ایمک» همشکل با ضمیر شخصی در می‌آید. مثال:

سَن سَن (تو هستی). سَن منیم گولوم سَن (تو گل من هستی).

– فعل مذکور در لهجه استانبولی به شکل sin, sin, sun صرف می‌شود که آن از همشکل بودن فعل با ضمیر شخصی جلوگیری می‌کند، ولی در صرف آرزوئی و .. با مشکل مواجه می‌شود.

۱-۲) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد، به شکل زیر بوسیله فعل «ایمک» صرف می‌شود:

من پدر هستم . من دده یم (۱) mən dədəyəm

تو پدر هستی . سن دده سن sən dədəsən

او پدر است . او دده دیر o dədədir

ما پدر هستیم . بیز دده ییک biz dədəyik

شما پدر هستید . سیز دده سینیز siz dədəsiniz

آنها پدر هستند . اؤنلار دده دیرلر onlar dədədirlər

– گول، گولم، گولسن، گولدور، گولوک، گولسونوز، گولدولر

– هر وقت (در صرف) دو حرف صدادار کنار هم قرار گیرد باید يك حرف تکمیلی («ی»، «y») (

بین آن نهاده شود). (حرف تکمیلی در صفحه) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ [ə, e, i, ö, ü]

باشد صرف فعل ایمک به این شکل در می‌آید. مثال: əm، سَن sən، دیر dir، dür، ایک ik، سینیز

(dirlər , dürlər دیرلار ، siniz)

۱-۲) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی (a ، i ، o ، u) است به شکل زیر صرف می شود. مثال :

کلمه ای که با حرف ا و a (آدم adam) ختم می شود :

mən adamam	من آدم هستم .	من آدامام
sən adamsan	تو آدم هستی .	سن آدام سان
o adamdır	او آدم است .	او آدام دیر
biz adamıq	ما آدم هستیم .	بیز آدامیق
siz adamsınız	شما آدم هستید .	سیز آدامسینیز
onlar adamdırlar	آنها آدم هستند .	اونلار آدامدیرلار

۱-۳) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف u , o ختم می شود :

mən yorqunam	من خسته هستم .	من یورقونام
sən yorqunsan	تو خسته هستی .	سن یورقون سان
o yorqundur	او خسته است .	او یورقون دور
biz yorqunuq	ما خسته هستیم .	بیز یورقونوق
siz yorqunsunuz	شما خسته هستید .	سیز یورقونسونوز
onlar yorqundurlar	آنها خسته هستند .	اونلار یورقوندورلار

من قوچام، سن قوچسان، او قوچدور، بیز قوچوق، سیز قوچسونوز، اونلار قوچدولار.

توجه: افعال مذکور بکرمک فعل «ایمک» به شکل پسوند «ام، سن، دور، اوق، سونوز، دورلار»

صرف شده اند، این پسوند را «صرف فعل» ایمک، پسوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی نیز

نامیده می شود.

حرف تکمیلی « y »

هر وقت (در صرف) دو حرف صدادار در کنار هم قرار گیرد ، باید يك حرف تکمیلی (« ی » ، « y ») بین آن دو حرف نهاده شود . مثال :

mən Əliyə deyirəm . من علی به می گویم .
 mən ataya baxıram . من آتایا باخیرام .
 o Laləyə baxır (dir) . او لاله به باخیر (دیر) .
 biz quzuya baxırıq . ما به بره نگاه میکنیم .
 onlar anaya baxırlar . آنها به مادر نگاه میکنند .
 اۇنلار آتایا باخیرلار

توجه : حرف تکمیلی « ی » (y) ، بدون استثناء در همه جا باید بین دو حرف صدادار بکار رود . در غیر این صورت کلمه مذکور غلط بوده و فهمیده نمیشود.

۱) اشکال صرف افعال

در این کتاب افعال را به شکل زمان حال ، امری ، آینده نزدیک (مضارع) ، فاعلیت صفتی ، آینده ، کمکی ، التزامی و مجهولی همراه با پنج زمان مختلف گذشته به علاوه فعل آرزویی (دو نوع) ، امری آرزویی (دو نوع) و .. صرف می کنیم و در انتها نیز بخشی از فعل شرطی (واقعی و غیر واقعی) و .. را صرف می کنیم .

۱) نحوه صرف فعل در زمان حال

فعل در زمان حال ، بوسیله ریشه فعل و پسوند « ایر » (ir) همراه با ضمیر متصل شخصی ساخته می شود . حرف صدادار پسوند زمان حال وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است که در نتیجه پسوند به شکل هماهنگی بزرگ صرف می شود . هماهنگی بزرگ به چهار گروه زیر تقسیم می شود :

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن به حروف

» a , i ختم شود بخود پسوند ir می گیرد. مثال : می گیرد , alır آلیر ،
 e , i , ə ختم شود بخود پسوند ir می گیرد. مثال : می آید ، gəlir گلیر ،
 ü , ö ختم شود بخود پسوند ür می گیرد. مثال : می خندد ، gülür گولور ،
 o , u ختم شود بخود پسوند ur می گیرد . مثال : می خواند ، oxuyur اوخویور
 – فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ü , ö , i , e , ə) ختم شود ، برای
 اول شخص مفرد به شکل زیر صرف می شود . مثال :

من گلیرم	mən gəlirəm	(می آیم)
من گئدیرم	mən gedirəm	(می روم)
من ائشیدیرم	mən eşidirəm	(می شنوم)
من گؤرورم	mən görürəm	(می بینم)
من گولورم	mən gülürəm	(می خندم)

(آخرین حرف صدادار افعال مذکور به حرف ə , e , i , ö , ü ختم می شوند.)

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a , i , o , u) ختم شود ، برای اول
 شخص مفرد به شکل زیر صرف می شود. مثال :

من آلیرام	mən alıram	(من می گیرم)
من یی خیرام	mən yıxıram	(من [او را] به زمین می زنم)
من اولورام	mən oluram	(من می شوم)
من دؤرورام	mən dururam	(من می ایستم)
من اوخویورام	mən oxuyuram	(من می خوانم) با y تکمیلی

(آخرین حرف صدادار افعال مذکور به یکی از حروف a , i , o , u ، می باشد.)

۱-۱) صرف فعل در زمان حال

صرف افعال به زمان حال به چهار شکل مختلف زیر صورت می گیرد :

a) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و به این سه حرف *a, e, i* ختم شود ، به شکل زیر صرف می شوند . مثال :

من	گلیرم	mən gəlirəm	(من می آیم)
سن	گلیرسن	sən gəlirsən	(تو می آئی)
او	گلیر (دیر)	o gəlir (dir)	(او می آید)
بیز	گلیریک	biz gəlirik	(ما می آئیم)
سیز	گلیر سینیز	siz gəlirsiniz	(شما می آید)
اونلار	گلیر (دیر)	onlar gəlir (dir) lər	(آنها می آیند)

توجه : در صرف افعال برای سوم شخص مفرد و جمع پسوند صرفی « dir » حذف می شود.

b) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از دو حرف *ö, ü* باشد ، به شکل زیر صرف می شوند :

من	گولورم	mən gülürəm	(من می خندم)
سن	گولورسن	sən gülürsən	(تو می خندی)
او	گولور (دور)	o gülür (dür)	(او می خندد)

c) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی (با حروف *a, i*) می باشد :

من	آلیرام	mən alıram	(من می گیرم یا می خرم)
سن	آلیرسان	sən alırsan	(تو می گیری)
او	آلیر (دیر)	o alır (dır)	(او می گیرد)
بیز	آلیریق	biz alırıq	(ما می گیریم)
سیز	آلیر سینیز	siz alırsınız	(شما می گیرید)

اۇنلار آلیرلار (لار) (lar) onlar alırlar (آنها می گیرند)

من یی خیرام mən yıxıram (من [او را] به زمین می زنم)

سن یی خیرسان sən yıxırsan (تو [او را] به زمین می زنی)

(d) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی (با دو حرف o,u) باشد ، به شکل زیر صرف می شوند :

من اۇچورام mən uçuram (من پرواز می کنم)

سن اۇچورسان sən uçursan (تو پرواز می کنی)

اۇ اۇچور o uçur (او پرواز می کند)

من اۇلورام mən oluram (من می شوم)

سن اۇلورسان sən olursan (تو می شوی)

۳-۱) فعلی که آخرین حرف آن به حرف صدادار (e , a , i , ı , ə , o , ö , u , ü) ختم

شود ، در صرف يك « ی y » تکمیلی بخود می گیرد : (زمان حال)

من یییرم mən yeyirəm (من می خورم)

سن یییرسن sən yeyirsən (تو می خوری)

اۇ یییر (دیر) o yeyir (dir) (او می خورد)

من دئییرم mən deyirəm (من میگویم)

سن دئییرسن sən deyirsən (تو میگوئی)

توجه : بعضی از افعالی که آخرین حرف آنها صدادار است (مثل : اۇخویورام [می خوانم] ، ایشله ییرم

[کار می کنم] ، اوشویورم [سردم می شود]) در محاوره آخرین حرف صدادار آنها را همراه

حرف تکمیلی (y) به نا درست حذف می کنند. مثال:

بجای اۇخویورام oxuyuram به شکل اۇخورام oxuram ، بجای ایشله ییرم (işləyirəm)

ایشلییرم (işlirəm) و بجای اوشویورم (üşüyürəm) اوشورم (üşürəm) بکار می برند.

فعل آینده نزدیک :

فعل آینده نزدیک بوسیله حروف اضافی (ar ər با هماهنگی کوچک) که به شکل پسوند به فعل پیوند می‌خورد و بدنبال آن ضمیر متصل شخصی نیز بکار می‌رود، ساخته می‌شود. همانند این فعل در زبان فارسی فعلی موجود نیست ولی آن را به شکل حال (مثل «تو برو من می‌آیم» در صورتی که «آمدن» هنوز شروع نشده است) بیان می‌کنند.

۱) صرف فعل آینده نزدیک :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü = ə) ختم شود، به شکل زیر صرف می‌شود. مثال :

mən	gələram	من	گله رم (گلَرم)
sən	gələrsən	سن	گله رسن
o	gələr (dir)	او	گله ر
biz	gələrik	بیز	گله ریک
(gələrsiz)	siz gələrsiniz	سیز	گله رسینیز
onlar	gələr (dir) lər	اونلار	گله رلر

– افعالی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با یکی از پنج حرف صدادار با آهنگ بالائی باشد، با خط عربی می‌توان آنها را به دو شکل زیر نوشت :

«گله رم»، «گلَرم»، گنده رم، گندرم . ایچه رم، ایچرم .
گوره رم، گوررم، گوله رم، گولرم . و...

۲-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, ı, o, u = a) ختم شود، به شکل زیر صرف می‌شود :

mən	alaram	من	آلارام
sən	alarsan	سن	آلارسان
o	alar (dir)	او	آلار. .

بیز آلاریق biz alarıq

سیز آلار سینیز siz alarsınız (alarsız)

اونلار آلارلار onlar alar (dir)lar

توجه : در صرف افعال می توان پرسوند سوم شخص مفرد و جمع (صرف فعل ایملک

دیر ، دور) را حذف کرد. مثال : بجای « اؤ آلاردیر » گفته می شود « اؤ آلار »

- به تجزیه فعل « آلام » توجه کنید :

« آل . al » و ریشه فعل - ، « آر ar » علامت آینده نزدیک « آم am » صرف

فعل « ایملک » (بودن) و یا ضمیر متصل شخصی.

۱-۱) فعلی که آخرین حرف آن صدا دار باشد ، باید بین فعل و علامت آینده نزدیک

(ər) يك « یه = y » (تکمیلی) اضافه نمود . مثال : اوشویه رم üşüyərəm (مردم

می شود) ، işləyərəm (کار می کنم) ؛ ولی مردم در محاوره این اصول را رعایت نکرده و

از بعضی افعال يك ər و y حذف می کنند و آنها را مانند işlərəm نیز صرف می کنند .

- افعالی که آخرین حرف آنها صدا دار و با آهنگ پائینی می باشند :

من اؤخو یارام mən oxuyaram

سن اؤخو یارسان sən oxuyarsan

اؤ اؤخو یار . . o oxuyar

بیز اؤخو یاریق biz oxuyarıq

سیز اؤخو یار سینیز siz oxuyarsınız

اونلار اؤخو یارلار onlar oxuyarlar

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با آهنگ بالائی باشد ، به شکل زیر

صرف می شود. (üşümək)

من اوشویه رم (اوشویرم) mən üşüyərəm

sən	üşüyersən	سن	اوشویه رسن
o	üşüyər	او	اوشویه ر. . .
biz	üşüyərik	بیز	اوشویه ریک
biz	üşüyərsiniz(siz)	سیز	اوشویه رسینیز
onlar	üşüyərlər	اونلار	اوشویه رلر

فعل آینده نزدیک و مفاهیم دیگر آن :

فعل آینده نزدیک علاوه بر بیان زمان آینده نزدیک مفاهیم دیگری نیز دارد :

(۱) این فعل می تواند در جمله به شکل عادت و خاصیت فعلی در آید :

من همیشه زیاد میخورم . = من همیشه چوخ یئه رم . mən həmişə çox yeyərəm .

حسین سیگار می کشد . = حسین سیگارا چکر . Hüseyin sıqara (siqaret) çəkər .

(۲) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان واقعیت در می آید :

هواپیما در هوا پرواز می کند . = اۇچاق هاوادا اۇچار . uçaq (təyyarə) havada uçar .

(۳) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل فعل خبری در می آید :

علی امروز می آید . = علی بۇگون گلر . Əli bu gün gələr .

من سال دیگر خانه میخرم . = من گلن ایل ائو آلارام . mən gələn il ev alaram .

فردا برف می بارد . = صاباح قار یاغار . sabah qar yağar .

(۴) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان توان و کارائی در می آید :

من این کار را به سرانجام میرسانم . = من بۇ ایشی بۇیا - باشا چاتارام .

mən bu işi boya - başa çataram .

من تو را می خندانم . = من سنی گولدوررم . mən səni güldürərəm .

(۵) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل صفتی نیز بیان می شود :

آن دختر صورت خندانى دارد . = او قىز گولر اوز دور . o qız gülärüzdür .
آب روان يخ نمى زند = آخار سۇ دۇنماز . axar su donmaz.

۶ فعل آينده نزديك در جمله به شكل بيان علمى بكار مى رود :

زمين هر روز يك مرتبه به دور خود مى چرخد . = يئر گونده بير دفعه اؤز دورسینه دۇلانار .
yer gündə bir dəfə öz dövrəsinə dolanar .

نور خورشيد به مدت ۸ دقيقه به زمين ميرسد . = گونون ايشيغى (نورو) ۸ دقيقه يه جان
(قدر) يئر چاتا . günün işığı 8 dəqiqiyə cən (qədər) yerə çatar .

۷ فعل آينده نزديك به شكل امر و نهى نيز در مى آيد :

تو اين كار را انجام مى دهى . = سن بۇ ايشى گؤرر سن . sən bu işi görərsən .
با وجودى كه جمله مذکور « امرى » يا « التزامى » و « آرزوئى » نيست ، ولى مضمون هر
سه آنها را بيان مى كند .

۸ فعل آينده نزديك به شكل حدس زدن نيز در مى آيد :

من فكر مى كنم مسافت اينجا تا به آنجا يك كيلومتر باشد . من فكر ائديرم بۇرادان اۇراياجان
بير كيلو متر اۇلار . bir mən fikr edirəm , buradan orayacan bir kilometr olar .
mənim fikrimcə buradan oraya qədər [can] bir kilometr olar

۹ فعل آينده نزديك به شكل مورد پسند قرار گرفتن نيز در مى آيد :

من ميوه دوست دارم = من ميوه سئورم . mən meyvə sevəram (istəram) .

۱۰ اين فعل به شكل تمنا و شك و ترديد نيز در مى آيد :

انشالله اين كار شدى است (ميشود) اينشالاھ بۇ ايش اۇلار . inşallah bu iş olar
بۇ ايش اۇنلار و بۇيا - باشا چاتار . (اين كار [شدى است] به سر انجام مى رسد .)
bu iş olar və boya -- başa çatar .

۱) فعل امری :

فعل امری ، پسوند اضافی ندارد ولی صرف آن برای ضمائر شخصی ، فرم ویژه ای بخود می گیرد ، که به شکل پسوند به ریشه فعل پیوند می خورد.

فعل امری برای دوم شخص مفرد هیچ پسوندی را بخود نگرفته و تنها به شکل ریشه فعل صرف می شود.

۱-۱) صرف فعل امری به شکل زیر می باشد :

من گلیم mən gəlīm ، بیز گله ك biz gələk
 سن گل sən gəl ، سیز گلین siz gəlin
 او گلسین o gəlsin ، اونلار گلسین لر onlar gəlsinlər

۱-۲) افعالی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با آهنگ پائینی (a,ɪ,o,u)

باشد ، به طریق زیر به شکل امری صرف می شوند :

به صرف کلمات « آماق ، سیخماق ، سۆیماق ، اۇچماق » توجه کنید.

ضمایر	ریشه فعل «آل»	ریشه فعل «سیخ»	ریشه فعل «قوی»	ریشه فعل «اۇچ»
من	آلیم alım	سیخیم sixım	قویوم soyum	اۇچوم uçum
سن	آل al	سیخ six	قوی soy	اۇچ uç
او	آلسین alsın	سیخسین sixsın	قویسون soysun	اۇچسون uçsun
بیز	آلاق alağ	سیخاق sixağ	قویاق soyağ	اۇچاق uçağ
سیز	آلین alın	سیخین sixin	قویون soyun	اۇچون uçun
اونلار (اۇلار)	آلسینلار alsınlar	سیخ سینلار sixsınlar	قوی سونلار soysunlar	اۇچ سونلار uçsunlar

۱-۳) افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی (ə,e,i,ö,ü) است ،

به طريق زیر به شکل امری صرف می‌شوند :

ضمایر	ریشه فعل « ائشید »	ریشه فع « گئد »	ریشه فعل « گؤر »	ریشه فعل « گول »
من	ئشیدیم eşidim	گئدیم gedim	گؤروم görüm	گولوم gülüm
سن	ئشیت eşit	گئت get	گؤر gör	گول gül
او	ئشیتسین eşitsin	گئدسین gedsin	گؤرسون görsün	گولسون gölsün
بیز	ئشیتک eşitək	گئدک gedək	گؤرک görək	گولک gülək
سیز	ئشیتین eşitin	گئدین gedin	گؤرون görün	گولون gülün
اونلار	ئشیتسینلر eşitsinlər	گئتسینلر getsinlər	گؤرسونلر görsünlər	گولسونلر gülün sünlər

توجه : فعل « ائشیت ، گئت » از افعالی هستند که به شکل « ائشید ، گئد » نیز نوشته می‌شوند.

۳-۱) صرف فعل امری برای ضمایر اول ، دوم و سوم شخص مفرد به شکل زیر

بکار گرفته می‌شوند :

آخرین حرف صدادار	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
مثل e,i,ə : گل	gəl im	gəl ...	gəl sin
ö,ü : گول	gül üm	gül ...	gül sün
a,ı : آل	al ım	al	al sın
o,u : اول	ol um	ol	ol sun

– صرف فعل امری برای ضمایر اول ، دوم و سوم شخص جمع به شکل زیر بکار

گرفته می‌شوند :

اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع	آخرین حرف
بیز	سیز	اؤنلار	صدادار افعال
gəl ək	gəl in	gəl sinlər	ə , e, i
gül ək	gül ün	gül sünlər	ö,ü
al aq	al ın	al sınlar	a,ı
ol aq	ol un	ol sunlar	o,u

تغییر حرف ریشه فعل :

در زبان ترکی پنج فعل وجود دارد که آنها را به دو شکل مختلف صرف می کنند و در یکی از این دو صرف ریشه آنها را تغییر می دهند. در دو فعل (*ye* بخور ، *de* بگو)

حرف صدادار (*e*) به شکل « *i* » نیز بکار گرفته می شود. در سه فعل (برو *get* ، انجام بده *et* ، بشنو *eşit*) حرف بی صدای (*t*) به شکل « *d* » نیز مورد استفاده

قرار می گیرد و بدین سان ریشه افعال مذکور تغییر داده می شود :

(۱) « *de* دی » [بگو] « *deyäm* دئیم » [بگویم] که کلمه « *deyäm* دی » را به شکل « *diyäm* دییم » نیز صرف می کنند .

(۲) « *ye* یی » [بخور] « *yeyäm* ییم » [بخورم] که به شکل « *yiyeäm* ییم » نیز بکار گرفته می شود. (یعنی در دو فعل مذکور حرف *e* تبدیل به *i* می گردد.)
(۳) « *get* گت » (برو) که به شکل « *ged* گتد » نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

(۴) « *ed* د » (انجام بده) که به شکل « *et* ات » نیز بکار می رود .

(۵) « *eşid* ائشید » (بشنو) که به شکل « *eşit* ائشیت » نیز صرف می شود. یعنی در هر دو فعل حرف « *d* » به شکل « *t* » نیز مورد استفاده قرار می گیرد و بدین سان ریشه افعال مذکور تغییر داده می شود.

فعل مصدری زمان حال

فعل مصدری در زبان ترکی به فعلی گفته می‌شود که به شکل مصدر ظاهر شده و در صرف پسوند « ده » و « دا » (də, da) اضافی بخود می‌گیرد و بخاطر قرار گرفتن حرف « ك » و « ق » (g , q) در جلو حرف ضعیف ، حروف پسوندی به « ته » و « تا » (tə , ta) مبدل می‌گردد. امروزه در آذربایجان به این تغییر صدا اهمیت نمی‌دهند و عمدتاً آنها را به شکل « ده » و « دا » بکار می‌برند. اما در موارد کمی نیز آنها را به شکل « ته » و « تا » بکار می‌گیرند. فعل مصدری به شکل زیر صرف می‌شود :

men gəlməkdəyəm	من گلمکده یم	=	من در حال آمدن هستم
sən gəlməkdəsən	سن گلمکده سن	=	تو در حال آمدن هستی
o gəlməkdədir	او گلمکده دیر	=	او در حال آمدن است
biz gəlməkdəyik	بیز گلمکده ییک	=	ما در حال آمدن هستیم
siz gəlməkdəsiniz (siz)	سیز گلمکده سینیز	=	شما در حال آمدن هستید
onlar gəlməkdədirlər	اونلار گلمکده دیرلر	=	آنها در حال آمدن هستند
mən gəlmək t əyəm	این فعل در مواردی بوسیله پسوند « ته » ، « تا » به شکل گلمکته یم نیز صرف می‌شود .		

– فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با آهنگ پائینی باشد به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

من	آلماقدا یم	،	سن	آلماقدا سان	،	او	آلماقدا دیر
بیز	آلماقدا یدیق	،	سیز	آلماقدا سینیز	،	اونلار	آلماقدا یدیلار

– تجزیه فعل مذکور به این شکل است :

۱) « من » ضمیر منفصل شخصی ، ۲) « گل » ریشه فعل ،

۳) « مك » پسوند مصدری ، ۴) « ته ، تا » پسوند « در زمان حال » برای فعل مصدری ، ۵) « یه »

حرف اضافی تکمیلی ، ۶) « آم » صرف فعل « ایمنك » یا ضمیر متصل شخصی و یا پسوند صرفی.

طریقه نفی کلمه :

در زبان ترکی کلمات مختلف بوسیله کلمه « دئگیل » ، « یوخ » و حروف اضافی « مز ، ماز ، مه ، ما ، سیز ، سوز ، می ، مو و ... » به طرق نفی می شود :

۱) نفی فعل از مصدر « ایمک » (بودن) :

فعل « ایمک » بوسیله کلمه « دئگیل » نفی می شود. کلمه نفی را با خط عربی به شکل « دئگیل » نوشته اند ولی امروزه در محاوره به شکل « دِیل » (deyil) تلفظ می شود. در این کتاب نیز با خط عربی به شکل « دئگیل » و با خط لاتین به شکل « deyil » نوشته می شود در بیان ضمیر و پسوند صرفی قرار می گیرد :

فارسی	ترکی
من نیستم	من دئگیلم mən deyilem
تو نیستی	سن دئگیلسن sən deyilsən
او نیست	او دئگیل دیر o deyildir
ما نیستیم	بیز دئگیل یك biz deyilik
شما نیستید	سیز دئگیل سینیز siz deyilsiniz
آنها نیستند	اونلار دئگیل دیرلر onlar deyildirlər

- از اینکه آخرین حرف صدادار کلمه « دئگیل » (dəyi l) با آهنگ بالائی است در نتیجه صرف فعل

« ایمک » به شکل (em ، sən ، dir ، ik ، siniz ، dirlər) در می آید.

۱-۱) حالت نفی فعل مصدری در زمان حال:

فعل مصدری بوسیله کلمه « دئگیل » (دِیل) که ما قبل ضمیر متصل شخصی قرار گرفته و جدا از کلمه ما قبل خود نوشته می شود ، نفی میشود : (من در حال آمدن نیستم)

mən gəlməkdə deyiləm	من گلمکده دئگیلم
sən gəlməkdə deyilsən	سن گلمکده دئگیل سن
o gəlməkdə deyil (dir)	او گلمکده دئگیل (دیر)
biz gəlməkdə deyilik	بیز گلمکده دئگیل یك
siz gəlməkdə deyilsiniz(siz)	سیز گلمکده دئگیل سینیز
onlar gəlməkdə deyil (dir) lər	اونلار گلمکده دئگیل (دیر) لر

(۲) کلمه نفی «مز»، کلمه نفی سوم شخص مفرد می باشد که به فعل پیوند خورده و در موارد زیادی برای نفی افعال مختلف (با هماهنگی کوچک به شکل «مز» و «ماز») مورد استفاده قرار می گیرد. مثال :

او گلمز ، او گئتمز ، او ایچمز ، او گؤرمز ، او گولمز
او آلماز ، او قیلماز ، او دویماز ، او قۇرماز

(۳) پسوند نفی « می ، مو » :

پسوند « می ، مو » در نفی فعل در زمان حال بکار گرفته می شود ، حرف صدادار آن با هماهنگی بزرگ به شکل « mu ، mı ، mü ، mi » بکار گرفته می شود .
پسوند نفی « می ، مو » به ریشه فعل پیوند خورده و سپس علامت زمان حال (ir) به شکل « mu,ur, mü,ür ، mi,ir ، mı,ır » بکار گرفته می شود .
از اینکه آخرین حرف پسوند نفی و اولین علامت زمان حال حرف صدادار است ، در نتیجه به بین آنها حرف تکمیلی « y » اضافه می شود و به شکل « miyir ، mıyır ، edmiyirəm ، almiyiram » در می آید. مثال :

— چنانکه ملاحظه می شود ، کلمات مذکور ترکیبی از « ریشه فعل » ، پسوند نفی ،

حرف تکمیلی ، علامت زمان و « ضمیر متصل شخصی » است که به کلمه دراز و طولیلی مبدل شده است. از این روست که در صرف فعل مذکور حرف « y » و حرف « i » را از آن حذف کرده و آنها را به شکل mir در آورده و بعنوان نفی فعل در زمان حال مورد استفاده قرار می دهند. مثال :

gəlmirəm نمی آیم ، edmirəm نمی کنم ، içmirəm نمی نوشم ،
almıram نمی گیرم ، olmuram نمی شوم ، durmuram نمی ایستم ...

- افعال مخفف شده مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند :

۳-۱) نفی فعل در زمان حال

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و بایکی از پنج (ə , e , i , ö , ü)

باشد ، به شکل زیر نفی می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « ə » می باشد :

men gəlmirəm من گلمیرم	، بیز گلمیریک biz gəlmirik
sən gəlmirsən سن گلمیرسن	، سیز گلمیرسینیز siz gəlmirsiniz
o gəlmir او گلمیر	، اونلار گلمیرلر onlar gəlmirlər

- فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « i » باشد ، به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف می شود : içmirəm

men içmirəm من ایچمیرم	، بیز ایچمیریک
sən içmirsən سن ایچمیرسن	، سیز ایچمیرسینیز
o içmir او ایچمیر	، اونلار ایچمیرلر

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « ü » می باشد :

من گولمورم mən gülmürəm ، بیز گولموروك biz gülmürük
 سن گولمورسن sən gülmürsən ، سیز گولمورسونوز siz gülmürsünüz
 او گولمور o gülmür ، اونلار گولمورلر onlar gülmürlər

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با حرف « ü » می باشد : dönmürəm

من دؤنمورم mən dönmürəm ، بیز دؤنموروك
 سن دؤنمورسن sən dönmürsən ، سیز دؤنمورسونوز
 او دؤنمور o dönmür ، اونلار دؤنمورلر

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار (a,ı,o,u) باشد،
 به شکل زیر نفی می شود :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد :

من آلمیرام mən almıram ، بیز آلمیریق biz almırıq
 سن آلمیرسان sən almırsan ، سیز آلمیرسینیز siz almırsınız
 او آلمیر o almır ، اونلار آلمیرلار onlar almırlar

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف « ı » می باشد :

من ییخمیرام mən yıxmıram ، بیز ییخیریق
 سن ییخمیرسان sən yıxmırsan ، سیز ییخیرسینیز
 او ییخمیر (دیر) o yıxmır(dır) ، اونلار ییخیلیلر

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف (u) می باشد :

من اوخومورام oxumuram ، بیز اوخوموروق oxumuruq

سن اۆخومورسان oxumursan ، سیز اۆخومورسونوز oxumursunuz
 اۆ اۆخومور oxumur ، اۇنلار اۆخومورلار oxumurlar

– فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن با آهنگ پائینی و با حرف « o » می باشد :

من اۆلمورام mən olmuram ، بیز اۆلموروق
 سن اۆلمورسان sən olmursan ، سیز اۆلمورسونوز
 اۆ اۆلمور (دور) o olmur(dur) ، اۇنلار اۆلمورلار

– طریقه مخفف کردن فعل در زمان حال به شکل زیر می باشد. مثال :

حروف حذف شده	فعلی که امروزه صرف می شود	شکل اصلی فعل
ı y	mən almıram	1) mən almiyiram
ı y	mən sıxmıram	2) mən sıxmıyiram
u y	mən olmuram	3) mən olmuyuram
u y	mən oxumuram	4) mən oxumuyuram
i y	mən gəlmirəm	5) mən gəlmıyırəm
i y	mən getmiyırəm	6) mən getmiyırəm
i y	mən içmirəm	7) mən içmiyırəm
ü y	mən ölmürəm	8) mən ölmüyürəm
ü y	mən gülmürəm	9) mən gülmüyürəm

– در مواردی در بعضی کتب قدیمی نفی فعل زمان حال همچون لهجه استانبولی

(اۆخومویوروم oxumuyorum) نیز صرف شده است.

۳) کلمه نفی « یوخ » :

– کلمه با مفهوم « نیست » به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من نیستم ، من یوخام mən yoxam

تو نیستی ، سَن یُوخسان sən yoxsan
 او نیست ، اُو یُوخدور o yoxdur
 ما نیستیم ، بیز یُوخوق biz yoxuq
 شما نیستید ، سیز یُوخسونوز siz yoxsunuz
 آن‌ها نیستند ، اُونلار یُوخدورلار onlar yoxdurlar

– بۇرادا ایش یُوخدور . بیزیم پۇلوموز یُوخدور . بیزده پۇل یُوخدور .

۵) نفی فعل آئنده نزدیک

نفی فعل آئنده نزدیک می‌تواند بوسیله « مە mə » ، « ما ma » و « ماز ، مز məz, maz » انجام گیرد.

با توجه به اصول زبان ترکی ، فعل می‌بایستی بوسیله « مە mə » و « ما ma » نفی می‌شد . یعنی به شکل « مَن گَلمه یه رَا م mən gəl mə y ə r ə m » (من نمی‌آیم) در می‌آمد . چرا که « گل » ریشه ، « مە » کلمه نفی ، « یه » حرف تکمیلی ، « آر » علامت آئنده نزدیک و « آم » صرف فعل ایمنک به ضمیر اول شخص مفرد می‌باشد ، ولی مردم آذربایجان فعل مذکور را فقط بوسیله « مە » و « ما » نفی نمی‌کنند ، بلکه بجای آن کلمه نفی « məz » را نیز بکار می‌برند . با این اصول که پسوند نفی « مە ، ما » را در رابطه با اول شخص مفرد و جمع بکار می‌رود و در صرف از آن دو حرف y و ə نیز حذف می‌کند . پسوند « مز ، ماز » را نیز در رابطه با سایر ضمایر شخصی بکار می‌گیرند . برای مثال به صرف افعال زیر توجه کنید :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد به شکل زیر صرف می‌شود :

مَن گَلمه رَم mən gəlmərəm ، بیز گَلمه ریک biz gəlmərik
 سَن گَلمز سَن sən gəlməzsən ، سیز گَلمز سینیز siz gəlməzsiniz
 اُو گَلمز . . . o gəlməz ، اُونلار گَلمزلər onlar gəlməzlər

۵-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « a » می باشد :

من آلمارام mən almaram ، بیز آلماریق biz almarıq
 سن آلمازسان sən almazsan ، سیز آلمازسینیز siz almazsınız
 او آلماز . . . o almaz ، اونلار آلمازلار onlar almazlar

۵-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با حرف « u » می باشد :

من اوخومارام mən oxumaram ، بیز اوخومایاریق biz oxumayarıq
 سن اوخومازسان san oxumazsan ، سیز اوخومازسینیز siz oxumazsınız
 او اوخوماز . . . o oxumaz ، اونلار اوخومازلار onlar oxumazlar

— کلمه نفی « مه » مقدم بر سایر پسوندها بوده و حتماً باید به ریشه فعل وصل شود.

۶) نفی فعل امری :

فعل امری بوسیله کلمه « مه mə » که به ریشه فعل پیوند می خورد نفی می شود .

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə , e , i , ö , ü) است ، به شکل زیر (با هماهنگی کوچک) صرف می شود . مثال :

من گلمه ییم mən gəlm(əy)im ، بیز گلمه یك biz gəlməyək
 سن گلمه sən gəlmə ، سیز گلمه یین siz gəlməyin
 او گلمه سین o gəlməsin ، اونلار گلمه سینلر onlar gəlməsinlər

— در مواردی « من گلمه ییم » را به شکل من « گلمم gəlməm » و « بیز گلمه یك » را به شکل « بیز گلمی یك » تلفظ می کنند و به اصول زبان دقت نمی کنند.

— فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم شود به شکل زیر صرف می شود. مثال : (« آلماق » [گرفتن])

من آلماییم mən alm(ay)ım ، بیز آلمایاق biz almayaq
 سن آما sən alma ، سیز آمایین siz almayın
 او آلماسین o almasın ، اونلار آلماسینلار onlar almasınlar

۷) حروف اضافی (کلمه) نفی « سیز » SIZ (بدون)

حروف نفی « سیز siz » پسوند است که بتنهایی معنی ندارد ، اما اگر به کلمات دیگر پیوند بخورد ، معنی دار می شود . پسوند « سیز » در زبان فارسی یعنی « بدون » (مثل : بدون آب تشنه و ..) را بخود می گیرد.
 حرف صدا دار پسوند « سیز » وابسته به آخرین حرف صدا دار کلمه ما قبل خود می باشد و با هماهنگی بزرگ به شکل SIZ , siz , suz , süz در می آید و به شکل زیر بکار گرفته می شود . مثال :

پۇل سۇز : بدون پول ، اۇشاق سیز (بدون فرزند)
 اۇ اۇشاق سیز قالیدیر . o uşaksız qalıbdır (او بدون بچه مانده است)
 اۇ سۇنسوز قالیدیر . o sonsuz qalıbdır (اجاق او کور مانده است)
 اۇ قۇجالیب دیش سیز قالیبسان . sən qocalıb dişsiz qalıbsan

فرم سوالی و بکارگیری:

(۱) کلمات سوالی :

- nə ، چه یا چه چیزی = نه kim که یا چه کسی = کیم
- کدام = هانسی + هانگی hansı ، hangı
- کدامین = هانگیسی hangısı ، هانسیسی hansısı
- کجا ، کدام طرف = هایان hayan
- کجا = نه یئر + نه ره nə yer ، nə rə
- از چه = نه دن nədən (« نه دن » معنی از چه ساخته شده است را نیز می دهد.)
- برای چه = نی یه + نه اوچون niyə , nə üçün
- چطور = نئجه necə
- چطوری + چه جوری = نه جور nəcür
- چگونه = ناسیل + نه جور nəcür , nasıl
- برای کی + برای که = کیمه kimə
- برای چه کسی = کیم اوچون kim üçün (kimə)
- چند = نئچه neçə ،
- چند تا + چند دانه ، نئچه دنه neçə dənə ,
- چه قدر = نه قدر nə qədər

توجه : - کلمه سوالی « نه ره » و « نه مه » زبان محلی ترکهای مناطق مرکزی ایران می باشد و

« نه ره » در ترکی استانبولی نیز صرف می شود .

- کلمه سوالی « هانگی » و « ناسیل » امروزه در آذربایجان صرف نمی شود ولی کم و

بیش در کتب قدیمی بکار رفته است. (هر دو کلمه در لهجه استانبولی مورد استفاده

قرار می گیرد.)

- کلمات سوالی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند. مثال :

من کیمم؟ سن گیم سن؟ او کیمدیر؟
 بیز کیمیک؟ سیز کیم سینیز؟ اؤنلار کیمدیرلر؟

۱-۱) فعل «ایمک» و صرف سؤالی آن به سوم شخص مفرد :

در بکارگیری کلمات به هماهنگی آخرین حرف صدادار آنها با حروف صدادار پسوندهای گوناگون توجه کنید :

آیا او میگیرد = او آلیرمی؟ o alırmı ?
 بلی ، اؤ ، آلیر . bəli , o , alır
 آیا او لاله است = او لاله می؟ o Laləmi ?
 بلی ، اؤ ، لاله دیر . bəli, o , Lalədir
 آیا آن دست خط است = او یازی می o yazımı ?
 بلی ، اؤ ، یازی دیر bəli , o , yazıdır
 او کیست = او گیم دیر؟ o kimdir ?
 او حسن دیر . o Həsəndir
 آیا او در اینجا است = او بۇرادا دیرمی o buradadırmı ?
 بلی ، اؤ ، بۇرادا دیر . bəli , o , buradadır
 آیا آن پول است = او پۇل مؤ؟ o pulmu ?
 آیا آن چشم است = او گۆزمۇ o gözmü ?

۲) شکل سؤالی فعل از مصدر :

در زبان ترکی می‌توان بوسیله کلمه « می mi » جملات را به شکل سؤالی در آورد.
 کلمه سؤالی « می mi » همانند « آیا » در زبان فارسی می‌باشد که امروزه آن را در ترکی آذربایجان در آخر جمله بکار می‌برند .

حرف صدادار کلمه سوالی « می mi » (i) وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد که در صرف با هماهنگی بزرگ به شکل « می mi » ، « می mi » ، « می mü » و « می mu » در می آید .

– کلمه سوالی به دو شکل در جمله بکار برده می شود :

a) شکلی که کلمه سوالی « می mi » در آخر جمله قرار می گیرد .

b) شکلی که کلمه سوالی « می mi » بین فعل و صرف ضمیر شخصی جا می گیرد .

۱-۲) شکل که پسوند سوالی با فعل « ایملک » :

علامت سوال که در آخر کلمه صرف می شود :

mənəmmi ?	منم می ؟	آیا من هستم ؟
sənsənmi ?	سن سن می ؟	آیا تو هستی ؟
odurmu ?	او دورمو (می) ؟	آیا اوست ؟
bizikmi ?	بیزیک می ؟	آیا ما هستیم ؟
sizsinizmi ?	سیزسینیز می ؟	آیا شما هستید ؟
onlardır(lar)mı ?	اونلاردیرلار می ؟	آیا آنها هستند ؟

۳-۲) صرف حالت سوالی فعل در زمان حال

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) است به شکل زیر

صرف می شود . مثال :

mən gəlirəmmi ?	من گلیرم می ؟	=	آیا من می آیم
sən gəlirsənmi ?	سن گلیرسن می ؟	=	آیا تو می آیی
o gəlirmi ?	او گلیر می ؟	=	آیا او می آید
biz gəlirikmi ?	بیز گلیریک می ؟	=	آیا ما می آییم

آيا شما مى آييد = سيز گليرسينيز مى ؟
 siz gəlirsinizmi ?
 آيا آنها مى آيند = اۇنلار گليرلر مى ؟
 onlar gəlirlərmi ?

۲-۳) حالت سؤالى فعل آينده نرديك :

آيا من مى گيرم = من آلام مى ؟
 mən alarammi ?
 آيا تو مى بينى = سن گۆررسن مى ؟
 sən görərsənmi ?
 آيا او مى شنود = اۇ اشيتير (اشيدر) مى ؟
 o eşidərmi ?
 آيا ما مى ميريم = بيز اۆله ريك مى ؟
 biz ölərikmi ?
 آيا شما مى خنديد = سيز گولرسينيز مى ؟
 siz gülərsinizmi ?
 آيا آنها مى خوانند = اۇنلار اۇخويارلار مى ؟
 onlar oxuyarlarmı ?

۲-۴) حالت سؤالى فعل آينده نرديك كه آخرين حرف صدا دار آن با آهنگ بالائی

[ə, e, i, ö, ü] باشد ، به شكل زیر برای ضمير شخصى صرف مى شود :

(«گله رم» و يا «گلم»)

من گله رم (گلم) مى ؟
 mən gələrəmmi ?
 سن گله رسن مى ؟
 sən gələrsənmi ?
 اۇ گله رمى ؟
 o gələrmı ?
 بيز گله ريك مى ؟
 biz gələrıkmı ?
 سيز گله رسينيز مى ؟
 siz gələrsinizmi ?
 اۇنلار گله رلرمى ؟
 onlar gələrlərmi ?

۲-۵) حالت سؤالى فعل مصدرى در زمان حال :

من گلمكدە يم مى
 mən gəlməkdəyəmmi ?
 سن گلمكدە سن مى
 sən gəlməkdəsənmi ?

اؤ گلمكدە (دیر) می ؟ o gəlməkdə (dir) mi ?

۲-۶) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود:

من اؤخومارام می ؟ mən oxumarammi ?

سن اؤخومازسان می ؟ sən oxumazsanmi ?

اؤ اؤخوماز می ؟ o oxumazmi ?

۳) نفی سؤالی :

۳-۱) حالت نفی سؤالی فعل آینده نزدیک :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، در اصل می بایست با کلمه نفی « مه » و « ما » (مثل : تو نمی آیی gəl m ə y ə rsən) صرف شود. ولی به جای آن در رابطه اول شخص مفرد و جمع به شکل « gəlmərəm » و در دوم و سوم شخص مفرد و جمع به شکل « məz » نفی می شود. مثال :

من گلمرم می ؟ mən gəlmərəmmi ?

سن گلمزسن می ؟ sən gəlməzsənmi ?

اؤ گلمزمی ؟ o gəlməzmi ?

بیز گلمریک می ؟ biz gəlmərikmi ?

سیز گلمزسینیزمی ؟ siz gəlməzsinizmi ?

اونلار گلمزلرمی ؟ onlar gəlməzlərmi ?

۳-۲) نفی سؤالی فعل در زمان حال :

آیا من نمی آیم = من گلمیرم می ؟ mən gəlmirəmmi ?

sən gəlmirsənmi ?	سن گلمیرسن می	=	آیا تو نمی آیی
o gəlmirmi ?	او گلمیرمی	=	آیا او نمی آید
biz görmürükümü ?	بیز گۆرموروك مو	=	آیا ما نمی بینیم
siz oxumursunuzmu ?	سیز اوخومورسونوزمو	=	آیا شما نمی خوانید
onlar bilmirlərmi ?	اونلار بیلیرلرمی	=	آیا آنها نمی دانند

۳-۳) حالت نفی سؤالی فعل مصدری در زمان حال :

mən gəlməkdə deyiləmmi ?	من گلمکده دئگلم می	
sən gəlməkdə deyilsənmi ?	سن گلمکده دئگیل سن می	
o gəlməkdə deyil (dir) mi ?	او گلمکده دئگیل (دیر) می	

۳-۴) نفی سؤالی فعل از مصدر « ایملک » به شکل زیر صورت می گیرد.

mən deyiləmmi ?	من دئگلم می ؟	آیا من نیستم ؟
sən deyilsənmi ?	سن دئگیل سن می ؟	آیا تو نیستی ؟
o deyildirmi ?	او دئگیل دیرمی ؟	آیا او نیست ؟
biz deyilikmi ?	بیز دئگیلیک می ؟	آیا ما نیسنیم ؟
siz deyilsinizmi ?	سیز دئگیل سینیز می ؟	آیا شما نیستید ؟
onlar deyil(dir)lərmi ?	اونلار دئگیل لر می ؟	آیا آنها نیستند ؟

۳-۵) نفی سؤالی فعل از مصدر « ایملک » بوسیله کلمه نفی « دئگیل » به شکل زیر صورت می گیرد.

mən deyiləmmi ?	من دئگلم می ؟	آیا من نیستم ؟
sən deyilsənmi ?	سن دئگیل سن می ؟	آیا تو نیستی ؟
o deyildirmi ?	او دئگیل دیرمی ؟	آیا او نیست ؟

آیا ما نیستیم ؟ بیز دئگیلیک می ؟ biz deyilikmi ?
 آیا شما نیستید ؟ سیز دئگیل سینیز می ؟ siz deyilsinizmi ?
 آیا آنها نیستند ؟ اونلار دئگیل لر می ؟ onlar deyil(dir)larmi ?
 مردم آذربایجان (در ایران) در محاوره از کلمه سؤالی « می mi » (آیا) استفاده نمی کنند و معمولاً جمله سوالی را کشیده و دراز بیان می کنند.

۴) کلمه سوالی و فرم قدیمی آن (شکل دوم سؤالی) :

۴-۱) شکلی که پسوند سوالی بین فعل و پسوند صرفی قرار می گیرد:

فعل سوالی کهنه شده تنها در مواردی در کتب قدیمی مورد استفاده قرار گرفته و امروزه اصلاً صرف نمی شود. در این فرم ، کلمه سؤالی (می) به آخر جمله برده نشده بلکه بین فعل و ضمیر شخصی (با صرف فعل « ایمک ») جا میگیرد. فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی است به شکل زیر [برای زمان حال] صرف می شود :

من گلیرمی ام ؟ mən gəlirmiyəm ?
 سن گلیرمی سن ؟ sən gəlirmisən ?
 او گلیرمی ؟ o gəlirmi ?
 بیز گلیرمی یک ؟ biz gəlirmiyik ?
 سیز گلیرمی سینیز ؟ siz gəlirmisiniz ?
 اونلار گلیرمی لر ؟ onlar gəlirmilər ?

– به شعری از فضولی که نفی فعل سوالی را به شکل مذکور بکار برده توجه کنید :

ای فضولی داغ هجران ایله یانمیش کؤنلومو لاله زار آچسایدی ، سیر لاله زار ائتمزمیدیم

..... lələzar açsaydı , seyr lələzar etməzmidim

(امروزه فرم سوالی مذکور در لهجه ترکی استانبولی معمول گشته است .)

۲-۳) نفی سوالی فعل در زمان حال به شکل زیر می باشد :

من گلمیر می یم ؟ mən gəlmirmiyəm ، بیز گلمیر می ییک
 سن گلمیر می سن ؟ sən gəlmirmisən ، سیز گلمیر می سینیز
 او گلمیر می . . ؟ o gəlmirmi ، اونلار گلمیر می لر

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد :

من آیر می یام ؟ ، بیز آیر می ییق ، سن آیر می سان
 بیز آیر می ییق ، سیز آیر می سینیز ، اونلار آیر می لار

۳-۳) نفی سوالی با کلمه « دئگیل » به شکل زیر صرف می شود :

من دئگیل می یم mən deyilmiyəm
 سن دئگیل می سن sən deyilmisən
 او دئگیل می . . . o deyilmi

۴-۴) شکل سوالی قدیمی که در بعضی کتب قدیمی بکار رفته است :

من گلمکده دئگیل می یم ؟ mən gəlməkdə deyilmiyəm
 سن گلمکده دئگیل می سن ؟ sən gəlməkdə deyilmisən
 او گلمکده دئگیل می (دیر) o gəlməkdə deyilmi(dir)

– اسم مصدر ،

اسمی است که به آخر آن حروف « لیق » و « لیک » پیوند می خورد. از اینکه آخرین حرف

آنها شبیه مصدر (ق ، ک) است ، در نتیجه به آن اسم مصدری نامیده می شود. مثال :

آدام adam (آدم) - آداملیق adam lıq (انسانیت)

چمن çəmən (چمن) - چمن لیک çəmənlik (چمن زار) çimən
حروف اضافی « لیق » به شکل پسوند به دنبال اسامی ساده پیوند خورده واسم ترکیبی را
با مفهوم جدیدی بوجود می آورد .

مفرد : چمن لیک çəmənlik - جمع : چمن لیک لر çəmənliklər
باداملیق badamlıq (بادامزار) - جمع : باداملیق لار badamlıqlar
حرف صدادار پسوند « لیق lıq » وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود
می باشد ، که در صرف به شکل « لیق lıq » ، « لیک lik » ، « لوق luq و lük »
(هماهنگی بزرگ) در می آید . برای مثال به تبدیل اسامی ساده به اسامی مصدری در
جدول زیر توجه کنید :

کلمات ساده	اسامی مصدری (ترکیبی)
آدام adam (آدم)	آدام لیق adamlıq (انسانیت)
آنا ana (مادر)	آنالیق analıq (مادری)
آلما alma (سیب)	آلمالیق almalıq (سیب ستان)
خییار xıyar (خیار)	خییارلیق xıyarlıq (کشت زارخیار)
یونجا yonca (یونجه)	یونجالیق yoncalıq (یونجه زار)
ننه nənə (مادر)	ننه لیک nənəlik (مادری)
چمن çəmən (چمن)	چمن لیک çəmənlik (چمنزار)
سففهç səfeh (بی عقل)	سففهç لیک səfehlik (بی عقلی)
آیدین aydın (روشن)	آیدینلیق aydınlıq (روشنائی)
ایشچی işçi (کارگر)	ایشچی لیک işçilik (کارگری)
اؤت ot (علف)	اؤتلق otluq (علفزار)
اؤن ön (پیش)	اؤنلۈک önlük (پیش بند)

- اسامی مذکور بوسیله علامت « لر » و « لار » (چمن لر، چمنلیکلر) جمع بسته می شود.

اسم فاعلی :

اسم فاعلی به اسمی گفته میشود که علاوه بر اسم ، فاعلیت آن را نیز بیان کند . اسم فاعلی در زبان ترکی بوسیله ریشه فعل و علامت ویژه « پسوند فاعلی » ساخته می شود . علامت مذکور « چی ci » می باشد که در بین دو حرف صدادار به شکل « جی ci » نیز صرف می شود . مثال :

فارسی - ترکی ، فارسی - اسم فاعلی ترکی

کار	-	ایش	iş	،	کارگر	-	ایشچی	işçi
آهن	-	دَمیر	dəmir	،	آهنگر	-	دَمیرچی	dəmirçi
نوشته	-	یازی	yazı	،	نویسنده	-	یازیچی (ci)	yazıçı(cı)
بیابان	-	چۆل	çöl	،	بیابانگرد	-	چۆل جو	çölçü
قایق	-	قایق	qayıq	،	قایق ران	-	قایقچی	qayıqçı
در	-	قاپی	qapı	،	دربان	-	قاپی جی	qapıcı
کشتی	-	گَمی	gəmi	،	کشتی ران	-	گَمیچی	gəmicı
راه	-	یۆل	yol	،	راه بان	-	یۆلچو	yolçu
سر	-	باش	baş	،	سردار	-	باشچی	başçı

اسم فاعلی در جمله به شکل زیر بکار گرفته میشود :

من کارگر هستم . من ایشچی یم mən işçiyəm

من ایشچی یم و بۇرادا ایشله یرم . mən işçiyəm və burada işləyirəm .

من ایشچی اۇلاراق بۇرادا ایشله یرم . mən işçi olaraq burada işləyirəm .

من دانشجو هستم . من شاگردم (اؤیرنجیم) . mən şagirdəm (öyrənciyəm)

من اؤیرنجی (اؤرنجی) اۇلاراق بیرایل دیرکی بۇرادا یاشاییرام (من شاگردم و بیر ایلدیرکی بۇرادا

یاشاییرام) . mən şagird (öyrənci) olaraq, bir ildir ki burada yaşayıram .

صرف دو گانه کلمات (در زمان حال)

در موارد کمی بعضی از کلمات ترکی را به دو شکل مختلف صرف می کنند. این افعال ،
 آنهایی هستند که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از چهار حرف « o,u,ö,ü » ختم
 می شود . برای مثال کلمات زیر را در نظر گرفته و صرف می کنیم :

فارسی	ترکی با خط عربی	ترکی با خط لاتین
من ترك هستم	من تورکم من تورکوم	mən türkəm mən türküm
من پسر هستم	من اوغولام من اوغولوم	mən oğulam mən oğulum
من کور اوغلو هستم	من کورام من کوروم	mən koram mən korum
من شنا میکنم	من اوزورم من اوزوروم	mən üzürəm mən üzürüm
من می فهمم	من دوشونوروم من دوشونورم	mən düşünürüm mən düşünürəm
من می زنم	من دویورم من دویوروم	mən döyürəm mən döyürüm
من می ایستم	من دۋرورام من دۋروروم	mən dururam mən dururum
من خسته هستم	من یۋرقونام من یۋرقونوم	mən yorqunam mən yorqunum

۱) حالت‌های تصریفی اسم :

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « a, e, i, ö, ü » باشد ، به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

اسم	در حالت « به »	در حالت « در »	در حالت « از »	در حالت « را »	با اضافی ملکی
حس	حسبه (e)	حسده (de)	حسندن (dən)	حسنى (i)	حسین (in)
اٹل	اٹله (e)	اٹلده (de)	اٹلدن (dən)	اٹلى (i)	اٹلین (in)
خلیل	خلیله (e)	خلیلده (de)	خلیلدن (dən)	خلیلى (i)	خلیلین (in)
گؤل	گؤله (e)	گؤلده (de)	گؤلدن (dən)	گؤلو (ü)	گؤلون (ün)
گول	گوله (e)	گولده (de)	گولدن (dən)	گولو (ü)	گولون (ün)

- اسمی که آخر آن صدادار باشد ، در دو حالت زیر به شکل زیر با حرف تکمیلی صرف می‌شود:

علی : علی یه ، علی نی (یی)

- اسامی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « a, i, o, u » باشد ، به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

اسم	در حالت « به »	در حالت « در »	در حالت « از »	در حالت « را »	با اضافی ملکی
یاشار	یاشارا (a)	یاشاردا (da)	یاشاردان (dan)	یاشارى (i)	یاشارین (in)
قیز	قیزا (a)	قیزدا (da)	قیزدان (dan)	قیزی (i)	قیزین (in)
یؤل	یؤلا (a)	یؤلدا (da)	یؤلدان (dan)	یؤل و (i)	یؤلون (un)
قۇم	قۇما (a)	قۇمدا (da)	قۇمدان (dan)	قۇم و (i)	قۇمون (un)

- کلماتی که آخر آنها صدادار باشد ، در دو حالت به شکل زیر یا يك حرف تکمیل صرف می‌شود:

دایی : دایی یا (ye) ، دایی نی (دایی یی)

۱-۱) حالت‌های تصریفی ضمائر شخصی به شکل زیر در بکار گرفته می‌شوند :

فارسی :	من	تو	او	ما	شما	آنها
ترکی :	من	سن	او	بیز	سیز	اونلار
	mən,bən	sən	o	biz	siz	onlar
حالت مفعول « به » :	منه = بنه	سنه	اونا	بیزه	سیزه	اونلار
	mənə	sənə	ona	bizə	sizə	onlara
حالت مفعول با واسطه	منده	سنده	اوندا	بیزده	سیزده	اونلاردا
با حرف اضافی « در » :	məndə	səndə	onda	bizdə	sizdə	onlarda
حالت مفعول با واسطه	مندن	سندن	اوندان	بیزدن	سیزدن	اونلاردان
با حرف اضافی « از » :	məndən	səndən	ondan	bizdən	sizdən	onlardan
حالت مفعول	منی	سنی	اونو	بیزی	سیزی	اونلاری
بی واسطه « را » :	məni	səni	onu	bizi	sizi	onları
اضافه ملکی :	منیم	سنین	اونون	بیزیم	سیزین	اونلارین
	mənim	sənin	onun	bizim	sizin	onların

توجه : « اۇنلار » را در محاوره « اۇلار » نیز می‌گویند .

۱-۲) ضمائر شخصی جمع را مجدداً به شکل زیر جمع بسته و در حالت‌های تصریفی

بکار می‌گیرند . مثال : بیزلر (ماها) ، سیزلر (شماها)

– بیزلر bizlər ، بیزلره bizlərə ، بیزلرده bizlərdə ، بیزلردن bizlərdən ،

بیزلری bizləri ، بیزلرین bizlərin

– سیزلر sizlər ، سیزلره sizlərə ، سیزلرده sizlərdə ، سیزلردن sizlərdən ،

سیزلری sizləri ، سیزلرین sizlərin

۳-۱) حالت‌های تصریفی در جملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شود :

- حالت مفعول با واسطه :

- o mənə deyir او به من میگوید. = او منە دەئیر.
- mən ona söyləyirəm من به او میگویم. = من اونا سۆیلە ییرم.
- o bizə gətirir او برای ما می‌آورد. = او بیزە گتیریر.

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :

- kitab məndədir کتاب پیش من است. = کیتاب منە دیر.
- otlar çəməndədir (lər) علفها در چمن است. = اۆتلار چمن دە دیر(لر).
- mən buradayam من در اینجا هستم. = من بۇرادا یام.

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :

- o kitabı məndən alır او کتاب را از من میگیرد. = او کیتابی مندن آلیر.
- o səndən qorxur او از تو می‌ترسد. = او سندن قۆرخور.
- o buradan gedir او از اینجا می‌رود. = او بۇرادان گتدیر.

- حالت مفعول بی واسطه :

- sən onu görürsən. تو او را می‌بینی. = سەن اۇنو(اۇنى) گۆرۆرسەن.
- o bizi sevir او ما را دوست دارد. = اۇبیزی سەویر.

- حالت اضافه (ضمیر) ملکی :

- sənin adın Yaşardır اسم تو یاشار است. = سەنین آدین یاشار دیر.
- onun adı nədir ? اسم او چیست. = اۇنون آدی نە دیر ؟
- mənim kitabım var من کتاب دارم. = مەنیم کیتاییم وار.
- sənin də kitabın varmı ? آیا تو هم کتاب داری؟ = سەنیندە کیتابین وارمی ؟
- mənim bir qızım var. من یک دختر دارم. = مەنیم بیر قیزیم وار.
- sənin bir oğlun var تو یک پسر داری. = سەنین بیر اۇغلون وار.

او هم يك برادر دارد. = اۇنوندا بىر قارداشى وار. onun da bir qardaşı var
ما يك ماشين داريم. = بىزيم بىر ماشينيمىز وار bizim bir maşinımız var

۳-۱) حالت‌های تصریفی ضمائر اشاره ای:

از اينکه آخرين حرف کلمات « بۇ » و « اۇ » صدادار است درحالت تصریفی يك
n اضافی بخود می گیرند. مثال :

o	اۇ	o	بۇ	حالت فاعليت :
ona	اۇنا	buna	بۇنا	حالت مفعول با واسطه :
onda	اۇندا	bunda	بۇندا	حالت مفعول با واسطه باحرف اضافی در :
ondan	اۇندان	bundan	بۇندان	حالت اضافی با واسطه با حرف اضافی از :
onu	اۇنو	bunu	بۇنو	حالت مفعول بى واسطه :
(onı)	(اۇنى)	(buni)	(بۇنى)	
onun	اۇنون	bunun	بۇنون	اضافه (ضمير) ملكى :

۵-۱) ضمائر اشاره ای را می توان به شکل زیر جمع بسته و به حالت‌های مختلف تصریفی
صرف کرد. مثال :

onlar	اۇنلار	bunlar	بۇنلار	حالت فاعليت :
onlara	اۇنلارا	bunlara	بۇنلارا	حالت مفعول با واسطه :
onlarda	اۇنلاردا	bunlarda	بۇنلاردا	حالت مفعول با واسطه باحرف اضافی در:
onlardan	اۇنلاردان	bunlardan	بۇنلاردان	حالت مفعول با واسطه باحرف اضافی از:
onları	اۇنلاری	bunları	بۇنلاری	حالت مفعول بى واسطه :
onların	اۇنلارین	bunların	بۇنلارین	اضافه ملكى :

۱-۶) ضمائر اشاره ای و کلمات سوالی «کیم» :

(چه کسی) و « نه » (چه چیزی) بکار می گیرند :

این کیست	=	بۇ کیم دیر ؟	bu kimdir
او که است (او کیست)	=	اۇ کیم دیر ؟	o kimdir
این چه است (این چیست)	=	بۇ نه دیر ؟	bu nədir
آن يك کتاب است	=	اۇ بیر کیتابدیر	o bir kitabdır
این يك دختر است	=	بۇ بیر قیزدیر	bu bir qızıdır

۱-۷) ضمائر اشاره ای و کلمه سوالی «کجا»

کلمه سوالی «کجا» در زبان ترکی معنی «هرا»، «نه یئر» را دارد. ضمائر اشاره ای (بۇ ، اۇ) در جواب کلمه سوالی کجا ؟ به شکل «بۇرا» و «اۇرا» ظاهر می شود.

حالت های تصریفی کلمه استفهامی «کجا» و جواب آن :

اسامی حالت های مختلف	سؤ ا ل	جواب
حالت فاعلیت :	کجا - نه یئر	nə yer اینجا - بۇرا bura
حالت مفعول با واسطه :	به کجا - نه یئرە	nə yerə به اینجا - بۇرایا buraya
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :	در کجا - نه یئرە	nə yerdə در اینجا - بۇرادا burada
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :	از کجا - نه یئردن	nə yerdən از اینجا - بۇرادان buradan
حالت مفعول بی واسطه :	کجا را - نه ییری	nə yeri اینجا را - بۇرایا burayı
اضافه ملکی :	مال کجا - نه یئرین	nə yerin مال اینجا - بۇرانین buranın

توجه: در حالت تصریفی، «بۇرا» (یعنی: بۇرایا ، بۇرادا ، بۇرادان و بۇرایا) را در محاوره مخفف کرده و

به شکل «بۇرا» ، «بۇردا» ، «بۇردان» و «بۇرانی» نیز صرف می کند. با وجودی که کلمات

مخفف شده مذکور در جمله درست فهمیده می شوند ولی از لحاظ اصول زبان ترکی مخفف کردن آنها نا درست می باشد.

سوال: کتاب در کجاست؟ کیتاب نه یئرده دیر (نه رده دیر)؟ kitab nə yerdədir?

جواب: کتاب در اینجا است. کتاب بۇرادا دیر kitab buradadır (burdadır)

قلم در آنجا است. قلم اۇرادا دیر qələm oradadır (ordadır)

۸-۱) به حالت های تصریفی به کلمه استفهامی توجه کنید:

اسم حالت های تصریفی	چه کسی (چه)	چه (نه)	کدامین (هانسی)
حالت مفعول با واسطه « به »	کیمه kimə	نه یه nəyə	هانسی نا hansına
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « در »	کیمده kimdə	نه ده nədə	هانسیندا hansında
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « از »	کیمدن kimdən	نه دن nədən	هانسیندان hansından
حالت مفعول بی واسطه « را »	کیمی kimi	نه یی nəyi	هانسینی hansını
حالت اضافه ملکی	کیمین kimin	نه یین nəyin	هانسی نین hansının

۲) ضمائر اشاره ای با اضافی ملکی :

کلمات سؤالی « کیم kim » (چه کسی) و « نه nə » (چه چیزی) را به شکل زیر با ضمائر اشاره ای بکار می گیرند :

سوال : او کیست (او که است) = او کیم دیر ؟ o kimdir

این چه است = بۇ نه دیر ؟ bu nədir

جواب : این يك كتاب است = بۇ بیر کیتابدیر bu bir kitabdır

- با پیوند ضمائر اشاره ای و اضافه ملکی کلمات ترکیبی زیر ساخته می شود:

مال این = بۇنون bunun ، مال ایشان = (بۇلارین buların) بۇنلارین bunların
مال او = اۇنون onun ، مال آنها = (اولارین oların) اۇنلارین onların

۱-۱) کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد ، حالت تصریفی با حرف اضافی
« سی » بکار گرفته می شود :

هر گاه اسمی و کلمه ای به حرف صدادار ختم شود ، به شکل اضافه ملکی برای سوم
شخصی مفرد در آید به آن يك « سی » اضافی پیوند می خورد :

عموی او - اۇنون عمی سی onun əmisi (əmusu عموسو)
عمه او - اۇنون بی بی سی onun bibisi
خواهر او - اۇنون باجیسی onun bacısı
نوه او - اۇنون نوه سی onun nəvəsi
پدر او - اۇنون آتاسی onun (dədəsi) atası و ...

۲-۱) در بکارگیری ضمیر ملکی اول شخص مالک و بعد به ترتیب کلمات دیگر جمله که
به همدیگر تعلق دارند بکار گرفته می شوند. مثال :

حسن نین ائوینین قاپیسی خراب دیر . Həsənin evinin qapısı xarabdır.
یعنی حسن « مالک » و بعد « خانه » که « در » به آن نسبت داده می شود و بعد « خرابی »
که به « در » وارد شده به ترتیب (درست عکس زبان فارسی) بکار گرفته می شوند. مثال :
منیم ماشینیمین آیناسی (گوزگوسو) خراب دیر . آینه ماشین من خراب است.
mənim maşınımın güzgüsü (aynası) xarabdır .

۲-۱) کلماتی که با « سی » همراه هستند به شکل زیر با يك حرف « ن » اضافی در
حالاتی تصریفی بکار گرفته می شوند. مثال :

زیر صرف می شوند . مثال : پدر او = اۇنون آتاسی onun atası
مفعول با واسطه : به پدر او = اۇنون آتاسی نا onun atasına
مفعول با واسطه با حرف اضافی در : در پدر او = اۇنون آتاسی ندا onun atasında

مفعول با واسطه با حرف اضافی از : از پدر او = اُونون آتاسی ندان onun atasından

مفعول بیواسطه : پدر او را = اُونون آتاسی نی onun atasını

اضافه ملکی : مال پدر او = اُونون آتاسی نین onun atasının

توجه: - در جمله بندی زبان ترکی جای « ضمائر شخصی » و علائم «حالات تصریفی» (برعکس زبان فارسی) عوض نمی شود و هر یکی جای ثابت خود را دارد.

- اسامی يك هجی که آخرین حرف آنها صدادار باشد ، در صرف يك « یه y » اضافی بخود گرفته

و دیگر احتیاج به اضافه کردن « سی » نیست. مثال :

(صرف سُو su ، آب) manim suyum , sənin suyun , onun suyu

ضمیر ملکی « iv » بجای « این in » در محاوره :

در زبان محاوره ای اسمی (اسم مضاف) که برای دوم شخص مفرد به شکل اضافه ملکی [مضاف الیه] در می آید ، علامت ضمیر ملکی « این » را حذف کرده و بجای آن يك « ایو » بکار می برند ؛ بعبارتی بجای « سنین ائوینین آچاری sənin evinin açarı » (کلید خانه تو) میگویند « سنین ائوین آچاری » sənin evinin açarı ظاهراً این تغییر شکل در صرف باین منظور صورت می گیرد ، که از هم شکل بودن صرف اضافه ملکی دوم شخص و سوم شخص مفرد جلوگیری شود. ولی بکار بردن « ایو » بجای علامت ملکی « این » هر چند که در بعضی موارد می تواند به شکل صحیح معنی دهد ، ولی در مواردی هم صرف آن با اصول زبان ترکی مغایرت داشته و قابل استفاده نمی باشد.

برای روشن شدن هر چه بهتر مطلب به جملات و حالت های مختلف زیر توجه کنید.

صرف اضافه ملکی بوسیله « ایو » در محاوره به شکل زیر صورت می گیرد :

پسر خاله تو = سنین خالاوین اوغلو sənin xalavın oğlu (oğlu)

خانه پدر تو = سنین ده ده وین ائوی sənin dədəvin evi

پسر خواهر تو = سنین باجی وین اوغلی sənin bacivin oğlu (oğlu)

پسر برادر تو = سنین قارداشی وین اوغلو *sənin qardaşının oğlu (oğlu)*

همانطوری که مشاهده می شود همه جملات فوق بوسیله «ایو» برای سوم شخص مفرد (به شکل اضافه ملکی) صرف شده که صرف آنها صحیح و منطقی بنظر میرسد ولی در همه جا چنین نیست. اکنون بطور نمونه به جدول زیر که حالات مختلف تصریفی را نشان داده و غیر منطقی بودن آن (v یا iv) را روشن می کند توجه کنید. مثال :

(a) در سمت راست ، شکل محاوره ای که بوسیله «ایو» (و) صرف می شود.
(b) در سمت چپ صفحه ، شکلی که با اصول زبان ترکی بوده و بوسیله اضافه ملکی «این» صرف می شود :

اسامی حالت های تصریفی در زبان فارسی	الف) بوسیله «iv» در محاوره بکار گرفته می شود	ب) بوسیله «in» (n) با اصول زبان ترکی صرف می شود
۱) حالت فاعلیت :	سنین ائویو <i>sənin eviv</i> (غلط)	سنین ائوین <i>sənin evin</i> (onun)
۲) حالت باواسطه :	سنین ائویوه <i>sənin evivə</i>	سنین ائوینه <i>sənin evinə</i> (onun)
۳) حالت مفعول باواسطه با حرف اضافی در :	سنین ائویوده <i>sənin evivdə</i> (نامفهوم)	سنین ائوینده <i>sənin evində</i> (onun)
۴) حالت مفعول باواسطه با حرف اضافی از :	سنین ائویودن <i>sənin evivdən</i> (نا مفهوم)	سنین ائویندن <i>sənin evindən</i> (onun)
۵) حالت بی واسطه :	سنین ائویوی <i>sənin evivi</i>	سنین ائوینی <i>sənin evini</i> (onun)
۶) اضافه ملکی	سنین ائویو <i>sənin evivin</i>	سنین ائوینین <i>sənin evinin</i> (onun)

– چنانچه از جدول بالا روشن می شود ، در مورد شماره (۱) حالت فاعلیت ، شماره (۳) « حالت مفعولی با واسطه با حرف اضافی در» و شماره (۴) « حالت مفعولی با واسطه با حرف اضافی از» صرف ضمیر ملکی سوم شخص مفرد بوسیله «ایو» کاملاً نادرست می باشد. در صورتی که صرف آن بوسیله «این» با وجود هم شکل بودن آن (در رابطه با دوم و سوم

شخص مفرد) کاملاً درست فهمیده می‌شود و فرق آنها نیز بوسیله « سن » و « اؤ » تشخیص داده می‌شود. در نتیجه « ايو » که در محاوره بجای « این » صرف می‌شود ، نه تنها کمبود « این » مذکور را پر نمی‌کند ، بلکه خود در مواردی هم قابل صرف نمی‌باشد. با وجودی که صرف ضمیر (اضافه) ملکی (این) نقص دارد ، ولی منطقی و صحیحتر از « ايو » می‌باشد.

۱) ضمیر انعکاسی

ضمیر انعکاسی کلمه ای است که از تکرار مجدد ضمیر در جمله جلوگیری می‌کند :

mən özüm	من	اؤزوم	=	من	خودم
sən özün	تو	اؤزون	=	سن	خودت
o özü	او	اؤزو	=	اؤ	خودش (اؤزی özi)
biz özümüz	ما	اؤزوموز	=	بیز	خودمان
siz özünüz	شما	اؤزونوز	=	سیز	خودتان
onlar özləri	آنها	اؤنلار اؤزلری	=		خودشان

– من خودم بتهنایی این کار را انجام دادم . = من اؤزوم تڭ بۇ ایشی گۆردوم .

(gurtardım) . mən özüm tək bu işi gördüm

توجه : در بعضی مناطق آذربایجان در محاوره ضمیر انعکاسی « اؤزوم » را « بیلم » بیز

می‌گویند . « بیلم » به این شکل صرف می‌شود :

من بیلم biləm ، سن بیلن bilən ، اؤ بیله سی biləsi ، بیز بیله میز biləmiz ،

سیز بیله نیز [بیله ز] biləz و اؤلار بیله لری bilələri .

۱-۱) ضمیر انعکاسی و حالت‌های تصریفی آن :

– مفعول با واسطه:

ضمیر انعکاسی بوسیله علامت ضمیر ملکی (in) بکار می‌شود که صرف آن برای دوم و سوم شخص مفرد همشکل صرف می‌شود. در چنین حالتی حتماً باید ضمیر شخصی

(تو و او) گفته و یا نوشته شود. به مثالهای مختلف زیر توجه کنید :

من بخودم = من اۆزومه mən özümə
 تو بخودت = سن اۆزونه sən özünə (سن اۆزووه sən özüvə)
 او بخودش = او اۆزونه o özünə
 - بیز اۆزوموزه ، سیز اۆزونوزه ، اۇنلار اۆزلرينه

- من این کیف را برای خودم (بخودم) خریدم. من بۇ چمدانی (کیفی) اۆزومه آلدیم.

mən bu çəmadanı (kifi) özümə aldım .

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :

من در خودم = من اۆزومده mən özümdə
 تو در خودت = سن اۆزونده sən özündə
 او در خودش = او اۆزونده o özündə
 - بیز اۆزوموزده ، سیز اۆزونوزده ، اۇنلار اۆزلرizedه

- من بۇ شانسى اۆزومده گۆرمورم . mən bu şansı özümdə görmürəm .

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :

من از خودم = من اۆزومدن mən özümdən
 تو از خودت = سن اۆزونندن sən özündən
 او از خودش = او اۆزونندن o özündən
 بیز اۆزوموزده ، سیز اۆزونوزدن ، اۇنلار اۆزلريندن

نظراتی که او بیان میکند از خودش است = او سؤیله دییی دوشونجه لر اۆزونندن دیر.

o söylədiyi düşüncələr özündəndir

- مفعول بیواسطه :

من خودم را = من اۆزومو mən özümü

تو خودت را - سن اۆزونو sən özünü

او خودش را = او اۆزونو o özünü

- بیز اۆزوموزو ، سیز اۆزونوزو ، اۇنلار اۆزلری

- او خودش را بیشتر از همه دوست دارد. او اۆزونو هامیدان چۇخ ایسته بیر .

o özünü hamıdan çox istəyir .

- حالت اضافه ملکی :

مال خودم = منیم اۆزومون mənim özümün

مال خودت = سنین اۆزونون sənin özünün

مال خودش = اۇنون اۆزونون onun özünün

مال خود آنها - اۇنلارین اۆزلرینین onların özlərinin

این ماشین مال خود من است . بۇماشین منیم اۆزوموندور . bu maşın mənim özümündür .

۱-۲) نفی ضمائر انعکاسی بوسیله کلمه نفی «دئگیل» صورت می گیرد :

مال خودم نیست = منیم اۆزومون deyil mənim özümün

مال خودت نیست = سنین اۆزونون deyil sənin özünün

مال خود او نیست = اۇنون اۆزونون deyil onun özünün

مال خود ما نیست - بیزیم اۆزوموزون deyil bizim özümüzün

مال خود شما نیست - سیزین اۆزونوزون deyil sizin özünüzn

مال خود آنها نیست - اۇنلارین اۆزلرینین deyil onların özlərinin

۱) کلمه سؤالی و ضمائر انعکاسی :

آیا مال خود من هست ؟ = منیم اۆزومون مو ? mənim özümünmü

آیا مال خود تو هست ؟ = سنین اۆزونون مو ? sənin özününmü

آیا مال خودش است ؟ = اۇنون اۆزونون مو ? onun özününmü

- بیزیم اۆزوموزون مو؟ سیزین اۆزوموزومو؟ اۇنلارین اۆزوموزون مو؟

۱- ۱) تکرار ضمایر انعکاسی و حالات تصریفی آن :

- حالت مفعول با واسطه :

mən özüm- özümə = من اۆزوم - اۆزومه

sən özün - özünə = سن اۆزون - اۆزونه

o özü - özünə = او اۆزو - اۆزونه

- من خودم به خودم می گویم. = من اۆزوم اۆزومه دئیرم. mən özüm özümə deyirəm.

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در :

mən özüm- özümdə = من اۆزوم - اۆزومده

sən özün - özündə = سن اۆزون - اۆزونده

o özü - özündə = او اۆزو - اۆزونده

- من این توانائی را خودم در خودم می بینم. = من بۇ باشاریغی اۆزوم - اۆزومده گۆرورم.

mən bu başarığı özüm özümdə görürəm.

- حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :

mən özüm - özümdən = من اۆزوم - اۆزومدن

sən özün - özündən = سن اۆزون - اۆزوندن

o özü - özündən = او اۆزو - اۆزوندن

او خودش از خودش تعریف کرد. = او اۆزو اۆزوندن تعریف ائتدی.

o özü özündən tərif etdi (söylədi).

- حالت مفعول بیواسطه :

mən özüm - özümü = من اۆزوم - اۆزومو

sən özün - özünü = سن اۆزون - اۆزونو

او خودش خودش را = اؤ اؤزو - اؤزونو özünü - özü o
 مثال : من اؤزوم اؤزومو سئویرم . mən özüm özümü sevirəm .
 اضافه ملکی :

من خودم مال خودم = من اؤزوم - اؤزومون mən özüm - özümün
 تو خودت مال خودت = سن اؤزون - اؤزونون sən özün - özünün
 او خودش مال خودش = اؤ اؤزو - اؤزونون o özünü - özü
 مثال : من خودم عیب خودم را می بینم . من اؤزوم اؤزومون عیبیمی گؤرورم .
 mən özüm özümün eybimi görürəm.

(۱) نفی کلمه سؤالی همراه ضمیر انعکاسی با « دئگیل » :

آیا این ماشین مال خودم نیست ؟ = بۇ ماشین منیم اؤزومون دئگیل می ؟
 bu maşın mənim özümün deyilmi ?

آیا این ماشین مال خودت نیست ؟ = بۇ ماشین سنین اؤزونون دئگیل می ؟
 bu maşın sənin özünün deyilmi ?

(۱-۱) نفی کلمه سؤالی با ضمیر انعکاسی تکراری

آیا من خودم خودم را به تو معرفی نکردم ؟ = من سنه اؤزوم اؤزومو تانیش ائتمه دیم می ؟
 mən sənə özüm özümü tanış etmədimmi ?

(۱) شکل سؤالی کلمات تک هجائی :

- اسامی که يك بند دارند و آخرین حرف آنها به حرف صدادار ختم شود به آخر آنها يك (y)
 اضافه کرده و به شکل زیر صرف می کنند: (آب = سۇ su)

(لیوان) آب من = منیم سۇيوم mənim suyum

(لیوان) آب تو = سنین سۇيون sənin suyun

(لیوان) آب او = اونون سۇيۇ onun suyu

۱-۱) شکل سؤالی اسامی يك بندى :

- o mənim suyummu ? او منیم سۇيوم مو
- o sənin suyunmu ? او سنین سۇيون مو
- o onun suyumu ? او اونون سۇيومو

۱-۳) صرف اسامی امثال «سۇ» به حالتهاى مختلف به شكل زیر صرف می شود:

mənim suyum	منیم سۇيوم	حالت فاعليت :
mənim suyuma	منیم سۇيومما	مفعول با واسطه :
mənim suyumda	منیم سۇيومدا	مفعول با واسطه با حرف اضافی در :
mənim suyumdan	منیم سۇيومدان	مفعول با واسطه با حرف اضافی از :
mənim suyumu	منیم سۇيومو	مفعول بیواسطه :
mənim suyumun	منیم سۇيومون	اضافه ملکی :

- با اضافه کردن « y » اضافی به اسامی امثال « سۇ » نیازی به « منیم » نمی باشد و در نتیجه میتوان آن را حذف کرده و بجای « منیم سۇيوم » به شکل « سۇيوم » ، « سۇيون » ، « سۇيومو » صرف کرد.

۱-۲) نفی سؤالی اسامی يك بندى بدین شكل صورت می گیرد.

- o mənim suyum deyilmi ? او منیم سۇيوم دئگیل می؟
- o sənin suyun deyilmi او سنین سۇيون دئگیل می؟

۱) حذف کردن یکی از ضمائر ملکی :

همانطوری که در صرف ضمائر ملکی مشاهده شد ، در زبان ترکی ضمیر (اضافه)

ملکی را در جمله دو مرتبه تکرار کرده و صرف می کنند. مثال :

« منیم ائویم » ، یا « سنین ائوین » ، یعنی اضافه ملکی « این » يك مرتبه به شكل « سنین » و مجدد به شكل « ائوین » تکرار شده است. در محاوره برای جلوگیری از تکرار

ضمیر ملکی و برای کوتاه کردن جمله (فقط در رابطه با اشیا) یکی از علائم اضافه ملکی را حذف کرده و بجای « منیم ائویم » آنرا به شکل « منیم ائو » صرف می کنند. مثال :

خانه من = منیم ائو *mənim ev* ، خانه تو = سنیم ائو *sənin ev*

خانه او = اؤنون ائو *onun ev*

(۱-۱) نحوه صرف ضمائر ملکی (مخفف شده) در حالت های مختلف تصریفی:

حالت فاعلیت : خانه من = منیم ائو *mənim ev*

مفعول با واسطه : به خانه من = منیم ائوه *mənim evə*

مفعول با واسطه با حرف اضافی در : در خانه من = منیم ائوده *mənim evdə*

مفعول با واسطه با حرف اضافی از : از خانه من = منیم ائودن *mənim evdən*

مفعول بیواسطه : خانه مرا = منیم ائوی *mənim evi*

اضافه ملکی : مال خانه من = منیم ائوین *mənim evin*

توجه : ضمیر ملکی را در رابطه با اشخاص نباید حذف کرد. مثال :

پدر من = منیم ده ده م *mənim dədəm (atam)* ، خواهر تو =

سنیم باجین *sənin bacın* ، مادر من = منیم آنام *mənim anam*

(۱) بکارگیری ضمیر اشاره ای و اضافه ملکی :

با کلمات مختلف سوالی :

ضمیر اشاره ای « کیم » [چه کسی] و ضمیر اشاره ای « نه » [چه چیزی] همراه

اضافه ملکی به شکل « کیمین *kimin* » (مال چه کسی) و « نه یین *nəyin* » (مال چه چیزی)

بکار گرفته می شود. مثال :

این مال کیست. = بؤ کیمین دیر ؟ *bu kimindir*

این مال من است. = بؤ منیم دیر *bu mənimdir*

آن مال اوست. = اؤ اؤنوندور *o onunundur*

این کلید مال چیست. = بۇ آچار نە يىنىدىر ؟ bu açar nəyindir ؟

در جواب گفته می شود :

این کلید مال آن در است. = بۇ آچار اۇ قابى يىنىدىر . bu açar o qapınıdır .

۱-۱) کی ki ربطی با کلمات سوالی « کیمین » و « نە يىن » :

« کی » را می توان با کلمات سوالی (کیمین و نە يىن) پیوند داده و به شکل کلمه

سوالی جدیدی در آورد و بکار گرفت. مثال :

سوال : این کلید مال چه کسی است = بۇ آچار کیمینكى دیر ؟ bu açar kiminkidir ؟

جواب : این مال من است . = بۇ منیمكىدیر . bu mənimkidir .

آن مال توست . = اۇ سىنىمكىدیر . o səninkidir .

سوال : این آچار مال چه چیزی است. = بۇ آچار نە يىنكىدیر . bu açar nəyinkidir .

جواب : آن آچار مال ماشین است = اۇ آچار ماشىنىمكىدیر . o açar maşınınkıdır .

این جای پا مال گاواست. = بۇ ایز اۇكوزونكودور . bu iz öküzünküdür .

این جای پا مال خوك است. = بۇ ایز دۇنوزونكودور . bu iz donuzunkudur .

۱-۲) سؤال و جوابهای مذکور می تواند به شکل مخفف شده نیز صرف شوند :

سوال	،	جواب
بۇ کیمین ؟ ؟ bu kimin ؟	،	اۇ منیم o mənim
اۇ نە يىن ؟ ؟ o nəyin ؟	،	اۇ اۇنون onun
اۇ کیمینكى ؟ ؟ o kiminki ؟	،	اۇ منیمكى o mənimki

۱-۳) کلمه « کی » با ضمائر شخصی به شکل زیر پیوند می خورد:

منیمكى	mənimki	،	بیزیمكى	bizimki
سىنىمكى	səninki	،	سىزىمكى	sizinki
اۇنونكى (كو)	onunki (ku)	،	اۇنلارىمكى	onlarkinı

– بۇ كىتاب اۇنونكو دور . اۇ كىتاب دا اۇنونكو دور .

(۱) ضمایر ملکی کلمه سوالی « نه » همراه کلمه

وار (هست) و یوخ (نیست):

- توجه شود که « وار » فعل است و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌وشد:

من و ارام ، سن و ارسان ، او و اردیر ، بیز و اریق ، سیز و ارسینیز ، اؤنلار و اردیرلار.

- کلمه سوالی « نه » (چه) در رابطه با اشیاء بکار بکار گرفته می‌شود ، ولی اگر آن با

کلمات « وار » و « یوخ » همراه باشد ، می‌توان برای اشخاص نیز بکار برد.

فعل وار به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

کلمه « نه بین وار » معنی « چه » و « که را » داری را میدهد .

منیم نه ییم وار؟ *mənim nəyim var* (من چه چیزی و چه کسی را دارم؟)

سنین نه بین وار؟ *sənin nəyin var* (تو چه چیزی و چه کسی را داری؟)

اؤنون نه بی وار؟ *onun nəyi var* (او چه چیزی و چه کسی را داری؟)

منیم بیر قارداشیم و بیر باجیم وار . *mənim bir qardaşım və bir bacım var*

سنین بیر ماشینین و بیر ائوین وار . *sənin bir maşının və bir evin var*

سنین کیمین وار ؟ *sənin kimin var* (سنین نه بین وار ؟ *sənin nəyin var*)

۱-۱) استفاده از کلمات « وار » و « یوخ » همراه کلمه سوالی « کیم و نه »:

(سنین نه بین وار ؟ *sənin nəyin var* [تو چه چیزی و یا چه کسی را داری] و

یا سنین کیمین وار ؟ *sənin kimin var* [تو چه کسی را داری] .)

منیم هئچ بیر کیمیم (کسیم) یوخدور . *mənim heç bir kimim (kəsim) yoxdur*

منیم بی ییم (عمه م) یوخدور . *mənim bibim (əm-məm) yoxdur* (من عمه ندارم)

منیم هج بیرشی ییم یوخدور . *mənim heç bir şeyim yoxdur* (من هیچ چیزی ندارم)

منیم ائویم یوخ دور . (منیم ائویم یوخمدور) . *mənim evim yoxdur* (من خانه ندارم)

۱-۲) پیوند ضمیر شخصی با حروف اضافی « ده » و « دا » همراه کلمات

« وار » و « یوخ » : (کتابی متعلق به من است ، من کتابی دارم)

məndə bir kitab var (dır) .	منده بیر کیتاب وار (دیر) .
səndə bir kitab var (dır) .	سندە بیر کیتاب وار (دیر) .
onda bir kitab var (dır) .	اۇندا بیر کیتاب وار (دیر) .
bizdə bir kitab yox (dur) .	بیزدە بیر کیتاب یوخ (دور) .
sizdə bir kitab yox (dur) .	سیزدە بیر کیتاب یوخ (دور) .
onlarda bir kitab yox (dur) .	اۇنلاردا بیر کیتاب یوخ (دور) .

۱-۳) صرف کلمه « وار » ، « یوخ » :

هست (داشتن) « یوخ نیست (نداشتن) به شکل زیر نیز صرف می شود :

bizim varımızdır	بیزیم واریمیزدیر	mənim varımdır	منیم واریمدیر
sizin varınızdır	سیزین وارینیزدیر	sənin varındır	سنین واریندیر
onların varlarıdır	اۇنلارین وارلاری دیر	onun varıdır	اۇنون واریدیر

۱-۴) سنین نه یین وار؟ در مواردی هم تو چه مرضی داری فهمیده می شود :

sənin nəyin var ?	سنین نه یین وار ؟
mənim soyuq dəyməm(dəyməyim) var.	منیم سۇيوق دَيمَم (دَيمه ييم) وار .
[mənə soyuq dəyib .	منه سۇيوخ دَيب .
(من سرما خوردگی دارم .)	
onun baş ağrısı var .	اۇنون باش آغریسی وار .
(او سر درد دارد .)	

۱-۵) کلمات سوالی « نه رن » و « نه یه رین » و « هاران » (کجای تو)

که با اضافه ملکی نیز همراه است به شکل زیر بکار می رود .

سنین نه یئرین آغریییر ؟ sənin nə yerin ağrıyır? (کجای تو درد می کند؟)
 اؤنون هاراسی آغریییر ؟ onun harası ağrıyır? (کجای او درد می کند؟)
 جواب : منیم باشیم آغریییر . mənim başım ağrıyır (سر من درد میکند.)
 اؤنون قارنی آغریییر . onun qarnı ağrıyır (او دل [شکم] دردی دارد.)

۱-۶) ضمائر اشاره ای بۇرا (اینجا) و « اؤرا » (آنجا) در جواب سوال « نه ره » و « هارا » (کجا) همراه ضمیر (اضافه) ملکی به شکل زیر صرف می شود :

بۇرام	buram	،	اؤرام	oram
بۇران	buran	،	اؤران	oran
بۇراسی	burası	،	اؤراسی	orası
بۇرامیز	buramız	،	اؤرامیز	oramız
بۇرانیز	buranız	،	اؤرانیز	oranız
بۇرالاری	buraları	،	اؤرالاری	oraları

توجه: کلمات اشاره ای (« بۇرا » و « اؤرا ») که معمولاً در جواب کلمات سوالی « نه ره » و « هارا » صرف صرف می شوند از اینکه آخرین حرف آنها صدادار می باشد در نتیجه در صرف اضافه ملکی برای سوم شخص مفرد بخود يك « سی » (به شکل « هاراسی » ، « نه ره سی » و « بۇراسی » ، « اؤراسی ») اضافی می گیرند . کلمات مذکور را در جملات به شکل زیر می توان بکار برد :

منیم الیمین بۇراسی آغری ییر (اینجا ی دست من درد میکند). بۇراسی تبریز رادیوسی [رادیوسو]
 (اینجا رادیو تبریز است). سیلان آذربایجانین هاراسیندادیر [نه یئرینده دیر] ؟ و ...

۱) کلمه سوالی « کجا » (نه ره ، نه یئر ، هارا) همراه اضافه ملکی در حالت های تصریفی :

۱-۱) حالت های مختلف تصریفی کلمات سوالی و ضمائر ملکی :

حالت‌های تصریفی کلمات سوالی همراه ضمائر ملکی به شکل زیر بکار گرفته می‌شوند :

مفعول با واسطه « به »	نه یثریمه nə yərimə	هاراما harama	به کجای من
مفعول با واسطه با حرف اضافی « در »	نه یثریمده nə yerimdə	هارامدا haramda	در کجای من
مفعول با واسطه با حرف اضافی « از »	نه یثریمدن nə yerimdən	هارامدان haramdan	از کجای من
مفعول بیواسطه	نه یثریمی nə yerimi	هارامی haramı	کجای مرا
اضافه ملکی	نه یثریمین nə yerimin	هارامین haramın	مال کجای من

– کلمه سوالی همراه با اضافه ملکی :

نه رم nərəm	،	نه یثریم nə yerim	،	هارام haram
نه رن nərən	،	نه یثرین nə yərin	،	هاران haran
نه ره سی nərəsi	،	نه یثری nə yeri	،	هاراسی harası

(۱) اسم سازی بوسیله اضافه (ضمیر) ملکی

اسم به دو شکل است (اسم عام و اسم خاص) که بوسیله ضمیر ملکی به شکل زیر ساخته می‌شود :

(۱-۱) اسم خاص : اسمی است که به يك چیز و یا شخص خاصی دلالت کند. مثال:

منیم ائوین قاپیسی mənim evin (evimin) qapısı (در خانه من)

سنین ائوین قاپیسی sənin evin (evinin) qapısı (در خانه تو)

ائوین قادینی evin qadını (زن این خانه)

آحمدین قادینی Əhmədin qadını (خانم احمد)

اٲویمین کیلیدی	evimin kilidi(açarı)	(کلید خانه من)
اٲوین پیشیی	evin pişiyi	(گره این خانه)
اٲوین ایتی	evin iti	(سگ این خانه)
اٲوین کیشیسی	evin kişisi	(مرد این خانه)

- اسم خاص درجملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شوند. مثال :

بۇ مدرسه نین اۇشاقلاری فۇتبول اۇیناییرلار. (شاگردان این مدرسه فوتبال بازی می‌کنند.)
 bu mədrəsənin uşaqları futbol oynayırlar.

بۇ یارپاقلار ، بۇ آغاجین یار پاغی دیر(لار). (این برگها ، برگ این درخت است .)
 bu yarpaqlar bu ağacın yarpağıdır .

اؤ تورکمنین آتی گوزل دیر. o türkmənin atı gözəldir. اسب آن ترکمن زیباست.

۲-۱) اسم عام : اسمی است که به چیز یا شخص مشخصی دلالت نکند . مثال :

اٲو قاپیسی	ev qapısı	(در خانه)
اٲو کیلیدی	ev kilidi	(کلید خانه)
اٲو پیشیی	ev pişiyi	(گره خانگی = اهلی) [پیشیک _ گره]
چؤل پیشیی	çöl pişiyi	(گره وحشی)

مدرسه اۇشاقلاری تۇپ اۇینایارلار . (شاگردان مدارس فوتبال بازی میکنند.

mədrəsə uşaqları top oynayırlar

تورکمن آتی گۆزل دیر türkmən atı gözəldir (اسب ترکمن زیبا است .)

توجه : در اسم سازی میتوان یکی از « اضافی ملکی » (این) را حذف کرد. مثال :

آغاج یارپاغی. ağaç yarpağı (برگ درخت)

(آغاجین یارپاغی ağacın yarpağı)

- در مواردی هم حروف اضافی ملکی را برداشته و به آخر کلمه (همشکل با حالت تصریفی)

متصل می کنند. مثال : تورکمن آتین türkmen atın (اسب ترکمن)

آغاچ یار پاغین . . ağaç yarpağın (برگ درخت)

مدرسە اۇشاغین .. mədrəsə uşağın (بچه مدرسه)

کلمات تعلقات ملکی با اضافه (ضمیر) ملکی :

(۱) « مال » : (« مال » با ضمیر ملکی [ن] صرف می شود)

o mənim malımdır. ، اؤ منیم مالیمدیر.

bu sənin malındır. ، بۇ سنین مالیندیر.

o onun malıdır . ، اؤنن مالیدیر.

(۱-۲) مالک : (مالک با مفعول با واسطه صرف میشود)

mən ona malikəm . — من اؤنا مالیکم .

sən buna maliksən . — سەن بۇنا مالیک سەن .

o da bunlara malikdir . — اؤدا بۇنلارا مالیک دیر .

siz də bu evə maliksiniz . — سیز دە بۇ ائوہ مالیک سینیز .

(۱-۳) صاحب (صاحب) [با مفعول با واسطه صرف میشود .]

bu evə mən sahibəm . — بۇ ائوہ من صاحیبم .

o evə o sahibdir . — اؤ ائوہ اؤ صاحیبدیر .

(۴) مالکیت (بوسیله تکرار دو باره ضمیر ملکی همراه « ده » صرف می شود) :

bu ev mənim malikiyətimdədir . — بۇ ائو منیم مالکییتیم دە دیر .

o maşın sənin malikiyətindədir . — اؤ ماشین سنین مالکییتین دە دیر .

فعل ماضی (ساده) و فرمهای مختلف آن :

فعل در زبان ترکی بوسیله پسوندهای گوناگون (« دی » ، « میش » ، « میشدی » ، « میش میش » و « ایب ») به پنج نوع در زمان گذشته قابل صرف می‌باشد . پسوندهای مذکور ، صرف فعل « ایمک » (بودن) به زمان گذشته می‌باشد که در اصل به شکل « idi » ، « imiş » و .. بوده و در صرف اولین حرف صدادار (i) آن را حذف کرده و به شکل مخفف شده [di , mis , mişdi] بکار می‌برند . ولی در مواردی هم هست که آن را مخفف نکرده و به شکل اصلی خود (ایدی idi ، ایمیش imiş و ..) صرف می‌کنند . با اصول دستور زبان ترکی اکثر فرمهای مختلف افعال به پنج زمان مختلف گذشته قابل صرف می‌باشند .

توجه : گذشته های مختلف افعال ترکی را در این کتاب به اسامی زیر نام گذاری و صرف می‌کنیم :

- | | | |
|--------------|---------|--|
| (idi) | di | ۱) گذشته (ماضی) با پسوند « دی » |
| (imiş) | miş | ۲) گذشته دور با پسوند « میش » |
| (imişdi) | mişdi | ۳) گذشته دورتر با پسوند « میشدی » |
| (imiş miş) | miş miş | ۴) گذشته دورو دور با پسوند « میش میش » |
| | « ib » | ۵) ماضی نقلی با پسوند « ایب » |

— علائم مذکور علاوه بر انعکاس گذشته های مختلف فعل ، هر کدام مفهوم ویژه ای را نیز در جمله بیان می‌کند :

۱) صرف فعل ماضی (گذشته) :

گذشته فعل بوسیله ریشه فعل و صرف « ماضی » فعل « ایمک » صورت می‌گیرد. توجه شود که صرف افعال ترکی همشکل صرف افعال در زبان فارسی نمی‌باشند . در زبان ترکی هر فعلی برای خود فرم مشخصی دارد (gəlir , gələr , gələ , gəlsin)

که آن را می‌توان بوسیله پسوندهای ماضی به زمان مختلف گذشته در آورد. فرم ساده فعل گذشته بوسیله ریشه فعل با پسوند گذشته (دی ، میش و ..) ساخته می‌شود . — زمانی از پسوند « دی di » (idi) استفاده میشود که گوینده مطلب به کار انجام شده اطمینان دارد و یا انجام و نتیجه کار را خود تجربه کرده است . این فعل به شکل زیر صرف می‌شود . مثال :

من گلدیم mən gəldim ، بیز گلدیک biz gəldik
 سن گلدین sən gəldin ، سیز گلدینیز siz gəldiniz (gəldiz)
 او گلدی o gəldi ، اونلار گلدیلر onlar gəldilər
 — افعالی که آخرین حرف صدادر آنها با آهنگ پائینی می‌باشد :

من آلدیم ، سن آلدین ، او آلدی ، بیز آلدیق ، سیز آلدینیز ، اونلار آلدیلار .

(۱-۱) گذشته دور :

پسوند « میش miş » (imiş) علاوه بر بیان انجام کاری در گذشته دور و نامعین ، برای نقل داستانهای قدیمی (مثل : یکی بود و یکی نبود) بکار میرود. بوسیله حروف « میش » میتوان کلمات مختلفی با مفاهیم جدیدی ساخت. مثال :

بیشمیش bişmiş [غذای پخته] ، یا « یئمیش yemiş » [میوه خوردنی] ، یئتیش میش yetişmiş [رسیده] ، یانمیش yanmış [سوخته] و ...

(گذشته دور را در محاوره در صرف برای اول شخص مفرد و جمع بجای ماضی نقلی نیز بکار می‌برند . صرف ماضی نقلی در صفحه ۸۲)

فعل گذشته دور به شکل زیر به ضمائر شخصی صرف می‌شود . مثال :

من گلمیشم mən gəlmişəm
 سن گلمیشسن sən gəlmişsən
 او گلمیش o gəlmiş

بیز گلمیشیک biz gəlmişik
 سیز گلمیش سینیز siz gəlmişsiniz (gəlmişsiz)
 اۇنلار گلمیش لر onlar gəlmişlər

۱-۲) گذشته دورتر:

گذشته دورتر با پسوند « میشدی mişdi » زمانی بکار گرفته می شود که گوینده مطلب ، از کار انجام شده ای در زمان دورتر اطمینان دارد که آن را به شکل « میشدی » بیان می کند . این فعل به شکل زیر صرف می شود :

من گل میشدیم mən gəlmişdim
 سن گل میشدین sən gəlmişdin
 او گل میشدی o gəlmişdi
 بیز گل میشدیک biz gəlmişdik
 سیز گل میشدینیز siz gəlmişdiniz (gəlmişdiz)
 اۇنلار گل میشدیلر onlar gəlmişdilər

۱-۳) گذشته دور و دور :

پسوند « میش میش miş miş » زمانی بکار گرفته می شود که بیان کننده مطلب زمان گذشته دور و دور و نامشخصی را در نظر داشته و یا اینکه وی در وقوع عمل انجام یافته در آنجا نبوده و یا آن را از کس دیگر شنیده که به شکل « میش میش » برای زمان گذشته بازگو می کند. اگر کسی جمله را با این فعل بکار برد ، به این مفهوم نیز است که گوینده هیچ مسئولیتی را در رابطه با عمل مطرح شده بگردن نمی گیرد بعبارتی این فعل مفهومی همانند « گویا اینکه » ، « بنا بر روایتی » ، « بر این باورم که » و یا « شایع بوده که » را دارد .

از اینکه فعل گذشته دور و دور خیلی کم مورد استفاده قرار می گیرد ، در نتیجه در این

کتاب نیز در موارد کمی صرف می‌شود .

صرف فعل گذشته دور و دور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌باشد :

من گل میش میشم *mən gəlmişmişəm* , *biz gəlmişmişik*
 سن گلمیش میش سن *sən gəlmişmişsən* , *siz gəlmişmişsiniz*
 او گلمیش میش *o gəlmişmiş* , *onlar gəlmişmişlər*

توجه : با وجودی که افعال مذکور از گذشته مختلف صحبت می‌کنند ، اما فرم فعل به شکل

گذشته ساده می‌باشد و هیچ علامت دیگر بجز علامت گذشته به ریشه فعل پیوند

نخورده است .

(۲) نفی فعل گذشته :

نفی گذشته فعل بوسیله کلمه « مه » ، « ما » صورت می‌گیرد. توجه شود که اگر فعل پسوندهای زیادی داشته باشد ، کلمه نفی مقدم بر سایر پسوندها بوده و حتماً باید به ریشه فعل متصل و قبل از سایر پسوندها بکار گرفته شود. نفی گذشته ساده به شکل زیر (با هماهنگی کوچک) صرف میشود :

من گلمه دیم *mən gəlmədim* , *biz gəlmədik* بیز گلمه دیک
 سن گلمه دین *sən gəlmədin* , *siz gəlmədiniz* سیز گلمه دینیز
 او گلمه دی *o gəlmədi* , *onlar gəlmədilər* اونلار گلمه دیلر

– افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی می‌باشد :

من آلمادیم ، سن آلمادین ، او آلمادی ، بیز آلمادیق ، سیز آلمادینیز ، اونلار آلمادیلار.

(۲-۱) حالت نفی گذشته دور:

من گلمه میشم *mən gəlməmişəm* (من نیامدم)
 سن گلمه میش سن *sən gəlməmişsən*

اۇ گلمە مېش o gəlməmiş

(۲-۲) حالت نفى گزشتە دورتر :

من گلمە مېشديم mən gəlməmişdim

سن گلمە مېش دين sən gəlməmişdin

اۇ گلمە مېشدى o gəlməmişdi

(۲-۳) حالت نفى گزشتە دور و دور :

من گلمە مېش مېشم mən gəlməmişmişəm

سن گلمە مېش مېشسن sən gəlməmişmişsəm

اۇ گلمە مېش مېش o gəlməmişmiş

(۳) حالت سؤالى گزشتە :

صرف فعل به حالت سؤالى بوسيله كلمه سؤالى « مى » (آيا) انجام مى گيرد .

حالت سؤالى به شكل زير است :

من گلدیم مى mən gəldimmi ? (آيا من آمدم)

سن گلدین مى sən gəldinmi ?

اۇ گلدی مى o gəldimi

– فعلى كه آخرين حرف صدا دار آن با آهنگ پائينى مى باشد :

من المادیم مى؟ سن المادين مى؟ اۇ المادى مى؟

(۳-۱) حالت سؤالى گزشتە دور:

من گل مېشم مى mən gəlmişəmmi ?

سن گل مېش سن مى sən gəlmişsənmi ?

اۇ گل مېش مى o gəlmişmi ?

۳-۲) حالت سوالی گذشته دورتر:

mən gəlmişdimmi ?	من گلم میشدیم می
sən gəlmişdinmi ?	سن گلم میشدین می
o gəlmişdimi ?	او گلم میشدی می

۴) حالت نفی سوالی گذشته :

نفی گذشته (ساده) بوسیله « مه » و « ما » صورت می گیرد :

mən gəlmədimmi ?	من گلمه دیم می (آیا من نیامدم)
sən gəlmədinmi ?	سن گلمه دین می
o gəlmədimi ?	او گلمه دی می

۳-۱) حالت نفی سوالی گذشته دور :

mən gəlməmişəmmi ?	من گلمه میشم می
sən gəlməmişsənmi ?	سن گلمه میش سن می
o gəlməmişmi ?	او گلمه میش می

۳-۲) حالت نفی سوالی گذشته دورتر:

mən gəlməmişdimmi ?	من گلمه میشدیم می
sən gəlməmişdinmi ?	سن گلمه میشدین می
o gəlməmişdimi ?	او گلمه میشدی می

۳-۳) حالت نفی سوالی گذشته دور و دور :

mən gəlməmişmişəmmi ?	من گلمه میش میشم می؟
sən gəlməmişmişsənmi ?	سبز گلمه میش میشسینیز می
o gəlməmişmişmi ?	او گلمه میش میش می

جمله سازی:

جمله که از تعدادی کلمه تشکیل می‌شود . جمله در زبان ترکی بسیار ساده می‌باشد، چرا که در زبان ترکی به اصول مشکل و پیچیده نیازی نیست ، زیرا در صرف کلمات ، پسوند تصریفی به خود کلمات پیوند می‌خورد و جابجا کردن آنها در جمله هیچ تغییری را در معنی نمیدهد ، ولی می‌تواند از زیبایی جمله بکاهد .

در جمله سازی زبان ترکی ، معمولاً فاعل و مفعول و بعد از آن کلماتی که برای نویسنده و یا گوینده مهمتر بنظر آید (و یا بخواهد گوینده کلمه ای را تاکید کند) به ترتیب بکار برده می‌شود. اکنون برای مثال ، کلمات این جمله (احمد امروز به اینجا می‌آید.) را جابجا می‌کنیم :

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| Əhməd bu gün buraya gəlir. | (۱) احمد بۇ گون بۇرایا گلیر |
| bu gün Əhməd bu raya gəlir: | (۲) بۇ گون احمد بۇرایا گلیر |
| buraya gəlir Əhməd bu gün. | (۳) بۇرایا گلیر احمد بۇ گون |
| gəlir Əhməd bu gün buraya. | (۴) گلیر احمد بۇ گون بۇرایا |
| gəlir buraya Əhməd bu gün. | (۵) گلیر بۇرایا احمد بۇ گون |
| Əhməd buraya gəlir bu gün. | (۶) احمد بۇرایا گلیر بۇ گون |

توجه: - در جملات مذکور کلمات اولی که مهم بنظر می‌رسد.

- بنظر میرسد ، جمله اولی و دومی زیبا تر از دیگر جملات می‌باشند ، ولی همه آنها

بدرستی فهمیده می‌شوند.

- « بۇ » یعنی « این » ، « بۇرا » یعنی « اینجا » ، « بۇرایا » یعنی « به اینجا »

معنی می‌دهد .

- « بۇرایا » را در محاوره به شکل « بۇرا » نیز تلفظ می‌کنند.

صفت و بکارگیری آن در جمله :

صفت کلمه ای است که حالت و چگونگی اسم را بیان می کند. کلمه صفتی در زبان ترکی در جلو اسم قرار می گیرد .

– بخشی از کلماتی که در جملات ترکی به شکل صفت بکار گرفته می شوند ، به شکل زیر می باشند :

enli	ائنلی (آنلی)	=	پهن	böyük	بویوک	=	بزرگ
qısa	قیسا	=	کوتاه	kiçik	کیچیک	=	کوچک
nazik	اینجه (نازیک)	=	نازک	yekə	یئکه	=	گنده
yeni	یئنی	=	تازه	cıqılı	جیقیلی	=	ریز
gənc	گنج	=	جوان	gözəl	گوزل	=	خوشگل
yaşlı	یاشلی	=	مسن	çirkin	چیرکین	=	بدگل
qoca	قوجا	=	پیر	qəşənk	قشنک	=	قشنگ
səfeh	سئففیح	=	نادان	kifir	کیفیر	=	بدگل
körpə	کۆرپه	=	نابالغ	alçaq	آلچاق	=	کوتاه
dəli	دلی	=	دیوانه	uzun	اؤزون	=	دراز

– صفت نیز همانند سایر کلمات می تواند کلمه ساده ، ترکیبی و یا مرکب باشد. صفت

ساده از يك کلمه و صفت مرکب از دو و یا چند کلمه تشکیل می یابد. مثال :

صفت ساده ، کلمه ای است که با کلمات دیگر ترکیب نیافته باشد. مثال :

yaşıl ağaç یاشیل آغاچ درخت سبز .

صفت ترکیبی : دیوار بدون رنگ . بویاقسيز دؤوار . boyaqsız duvar.

صفت مرکب : چمن سر سبز . یام یاشیل چمن . yam yaşıl çəmən.

دامنه (کوه) بی اندازه سرسبز و زیبا . چۇخ گۈزل بیر یاماچ .

çok gözəl bir yamaç

صفت نسبی ، صفتی است که اهلیت و نسبت کسی و شیئی را بیان کند . این صفت به دو شکل صرف می شود :

(۱) به شکل ضمیر ملکی و

(۲) با کلمه حرف « ی » اضافی :

– ضمیر ملکی : ستارخان بیزیم خالقیمیزین اوغلودور . = ستارخان فرزند خلق ما است .
səttarxan bizim xalqımızın oğludur .

ساوه نارى شیرین اۇلار . (انار ساوه شیرین می شود .)
savə narı şirin olar .
بۇ آغاچ ألما آغاچى دیر . (این درخت ، درخت سیب است) .
bu ağaç alma ağacidir .
صفت رتبه ای (مقام) :

صفت رتبه ای صفتی است که رتبه و مقام کسی و یا شیئی را بیان کند . مثال :

آب خنك = سرین سۇ sərin su

آدم پول دار = پۇللو (پۇل لى) آدم pullu (pullı) adam

صفت تشبیهی oxşar sifətlər :

صفتی است که نسبت تشبیهی را بیان کند . مثال : بۇ قىز دئیە سن چىچەكدیر .

این دختر مثل يك (دسته) گل است .
bu qız deyəsən çiçəkdir .

بۇ اۇغلان پهلوان کیمی (گییى) دیر .
bu oğlan pəhləvan kimidir (gibidir) .

اۇ قىز ائله بیل مارال دیر . o qız elə bil maraldır . ، آن دختر مثل آهوست .

صفت وصفی :

صفتی هست که کس و یا چیزی را توصیف و تعریف کند . مثال :

برگ سبز = ياشیل يارپاق yaşıl yarpaq ، کوه پربرف = قارلى داغ qarlı dağ

صفت برتری :

صفتی است که برتر بودن صفتی را به همشکلهای خود بیان کند.

صفت برتری به سه نوع تقسیم میشود .

- الف) صفت مطلق

- ب) صفت تفصیلی

- ث) صفت عالی

a) صفت مطلق کلماتی امثال « یاخشی » (خوب) ، « پیس » (بد) ، « بۆیوک » (بزرگ) ، چیچیک و یا کیچیک (کوچک) و . . می باشند که در جملات به شکل زیر بکار گرفته می شوند. مثال :

این مرد آدم خوبی است = بۇ کیشی یاخشی آدام دیر . bu kişi yaxşı adamdır .

این دختر زیباست = بۇ قیز گۆزل دیر . bu qız gözəldir .

این کوه بزرگ است = بۇ داغ بۆیوک دور . bu dağ böyükdür .

b) صفت تفصیلی ،

بوسیله حرف اضافی « دان » (دن) ، که می تواند با کلمه « داها » ، « راق » و « لاپ » نیز همراه باشد ، ساخته می شود. مثال :

- حرف اضافی « دان » در جمله به اسم متصل شده و سپس کلمه صفتی بکار گرفته می شود :
این دختر بهتر از آن پسر درس می خواند . = بۇ قیز او اۇغلانندان یاخشی درس اوخویور .

bu qız o oğlardan yaxşı ders oxuyur .

- حرف اضافی « داها » جدا و بعد از حروف اضافی « دن » و ما قبل کلمه صفتی نوشته می شود :
انار از سیب شیرینتر می باشد . نار آلمادان داها شیرین اولار .

nar almadan daha şirin olar .

این کوه از کوههای دیگر بلند تر است . = بۇ داغ او بیرى داغلاردان داها اۇجا دیر .

bu dağ o biri dağlardan daha ucadır .

- معمولاً در محاوره کلمه اضافی « راق » را صرف نمی‌کنند و بجای آن کلمه اضافی « لاپ » را بکار می‌برند . کلمه « راق » به شکل پسوند به صفت پیوند خورده و (با فعل ایملک) صرف می‌شود : این کوه از آن دیگری ها بلند تر است . بۇ داغ اۇبیری سی لردن اۇجاراقدیر .
 bu dağ o birisilərdən ucaraqdır .

کلمه « لاپ » جدا نوشته شده و قبل از صفت بکار گرفته می‌شود. مثال :
 این درخت خیلی بلندتر است . = بۇ آغاچ لاپ اۇجا دیر . bu ağaç lap ucadır .
 سهند داغی لاپ چوخ اۇجا بیر داغدیر . = کوه سهند ، کوه خیلی بلندتری (بلندی) است .
 səhənd dağı çox uca bir dağdır .
 این چمن ، خیلی زیباتر از آن چمن است . = بۇ چیمەن ، اۇ چیمەندن گۈزل راقدیر .
 bu çimən , o çiməndən (çəməndən) gözəlrəqdır .

- صفت عالی بوسیله حروف « آن ən » ساخته می‌شود :
 حروف « آن » جدا از کلمه ما قبل خود و جلو صفت بکار گرفته می‌شود . برای ساختن صفت عالی می‌توان از کلمه « بیر » و چوخ و ... نیز استفاده کرد . مثال :
 سهند بزرگترین کوه آذربایجان است . = سهند آذربایجانین آن بۈیۈک بیر داغدیر .
 səhənd azərbaycanın ən böyük bir dağıdır .
 بۇ ائو شهرین آن اۇجا (بیر) ائویدیر . bu ev şəhərin ən uca (bir) evidir .

صفت تکراری

صفت تکراری صفتی هست که در جمله به اشکال مختلف تکرار می‌شود . مثال :
 کوه خیلی خیلی بلند . = لاپ اۇجا بیر داغ . lap uca bir dağ .
 سفید سفید مثل برف . = آغ آپاغ قار کیمی . ağ - apağ qar kimi .
 همچون موی سیاه سیاه . = قاپ قارا ساچ کیمی . qap - qara saç kimi .
 (زیل قارا تۈک (ساچ) . zil qara tük (saç) .

(۱) کلمات ربطی و بکارگیری آنها در جمله :

« ده » و « دا » « ده də » و « دا da » را درحالات مختلف مفعولی صرف کردیم . اکنون حروف « ده » ، « دا » با مفهوم جدیدی به شکل پسوند ربطی بکار گرفته می شود. مثال :

« سنده بیر کیتاب وار». « کیتاب سنده ده وار »، منده ده وار یعنی کتاب در پیش تو هست (در پیش تو) و در پیش من هم است.

هر چند که هر دو « ده » همشکل می باشند ، اما معنی آنها با هم فرق دارد. پسوند اولی معنی « در » (حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در) را داده و « ده » دومی معنی « هم » و یا « همچنین » را می دهد. « ده » اولی به کلمه ما قبل خود پیوند می خورد و « ده » دومی جدا از آن نوشته می شود. مثال :

من هم کتاب دارم. (در من هم کتاب است.) منده ده کیتاب وار. məndə də kitab var
تو هم قلم داری = سنده ده قلم وار . səndə də qələm var
حروف صدadar « ده » اولی و « ده » دومی وابسته به آخرین حرف صدadar کلمه ما قبل خود می باشد که هر دو آنها با هم ظاهر شده و به یک شکل (« ده » و یا « دا ») نوشته و خوانده می شود . مثال :

تو هم قلم داری من هم دارم = قلم سنده ده وار منده ده وار.

qələm səndə də var , məndə də var.

(۱-۱) کلمه ای که آخرین حرف صدadar آن به آهنگ پائینی (a , i , o , u) ختم شود ،

(حروف اضافی « ده » با هماهنگی کوچک) به شکل زیر صرف می شود. مثال :

حرکت در آدم هم هست : حرکت آدامدا دا وار. hərəkət adamda da var
حرکت در نور هم هست : حرکت ایشیقدا دا وار: hərəkət ışıqda da var
حرکت در آتش هم هست : حرکت اود دا دا وار. hərəkət odda da var
حرکت در نور هم هست : حرکت نورد دا وار. hərəkət nurda da var

۱-۲) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) است :

حرکت در اکبر هم هست : حرکت اکبر ده ده وار. *hərəkət Əkbərdə də var*
 حرکت در زمین هم هست : حرکت یئر ده ده وار. *hərəkət yerdə də var*
 حرکت در علی هم هست : حرکت علی ده ده وار. *hərəkət Əlidə də var*
 حرکت در چشم هم هست : حرکت گۆزد ده ده وار. *hərəkət gözdə də var*
 حرکت در گاو هم هست : حرکت اؤگوزده ده ده وار. *hərəkət oküzdə də var*

ایله (با) : ایله از کلمه ما قبل خود جدا نوشته می شود. مثال:

کتاب ایله قلم *kitab ilə qələm* (کتاب با قلم) ،

حسن ایله آدی گوزل *Həsən ilə Adıqözəl* ، یاشار ایله احمد *Yaşar ilə Əhmər* .
 - در موارد زیادی کلمه « ایله » را به شکل « له » مخفف کرده و به کلمات مختلف دیگر پیوند می زنند . در پیوند مذکور حرف صدادار « له » استقلال خود را از دست داده و وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می شود و با هماهنگی کوچک (له و لا) بکار گرفته می شود. مثال :

حسن له تۇران *Həsən,lə Turan*

تۇران لا حسن *Turan,la Həsən*

یاشار لا حسین *Yaşar,la Hüseyin*

بایرام لا رسول *Bayram,la Rəsül*

- اگر آخرین حرف کلمه ای صدادار باشد ، بین آن و پسوند (له ، لا) يك Y تکمیلی اضافه می شود. مثال :

لاله یله احمد *Lal,ylə Əhməd* (لاله با احمد) ،

گمی یله علی *gəmi,ylə Əli* (کشتی با علی) ،

علی گمی له گتدی *Əli gəmi,ylə gətđi* علی با کشتی رفت . و ...

– در محاوره بجای کلمه ربطی « له » یا « لا » از حروف اضافی *inən* نیز استفاده می‌شود. مثال :

Əhməd,inən Rəsül | احمد یَن رسول. (احمد با رسول)
در بکار گیری حروف « *inən* » اولین حرف صدادر آن را با هماهنگی بزرگ (*i , ı , ü , u*) و آخرین حرف صدادر آن (*in ə n*) را با هماهنگی کوچک (*ə , a*) بکار می‌گیرند :

<i>Yaşar,inən Həsən</i>	یاشار ینان حسن ،	<i>həsən,inən Əli</i>	حسن یَن علی.
<i>Nəaser ,inən Vəli</i>	ناصر ینن ولی	(ناصر با ولی)	
<i>quş,unan toyuq</i>	قۇشونان تۇيۇق	(پرندە با مرغ)	
<i>süt ,ünən pənim</i>	سۈتۈنن پَنير	(شیر با پنیر)	
<i>it, inən pişik</i>	ایت ینن پيشيك	(سگ با گربه)	
<i>camış , inən öküz</i>	جامیش ینان اؤكوز	(گاومیش با گاو)	
<i>öküz , ünən camış</i>	اؤكوزونن جامیش	(گاو با گاومیش)	

همده *həm də* : حسن همده حسین بۇ قیزا وۇرولوبلار

Həsən həm də Hüseyin bu qıza vurulublar.

و , *və* : حسن و حسین مدرسه یه گئدیرلر. *Həsən və Hüseyin mədrəsəyə gedirlər.*
کی : من اورکدن ایسته بیرم کی سن بخته ور اولاسان .

mən ürəkdən istəyirəm ki , sən bəxtəvər olasan .

برابر = بارابار *barabar ,bərabər* : حسین ایله حسن برابر کیتاب اؤخویورلار.

Hüseyin ilə Həsən bərabər (barabar) kitab oxuyur (lar)

چونکی , *çünki*

من غذا یئمیرم چونکی یئمیشم. *mən yemək yemirəm , çünki yemişəm .*
(*mən ğəza yemirəm , çünki yemişəm .*)

ھابلە , habelə : مەن بىر گەرە (دفعە) دېمىشەم ، ھابلە يەنە (گىنە) دىيىمەن
 mən bir dəfə demişəm , habelə yenə (ginə) deyirəm .

ھابلە سىزىن قۇللۇغونۇزا [بە ھىزۇرتان] غىزى ئىدىرەم
 habelə sizin qulluğunuza ərz edirəm .

ھەمچىنىن ، həmçinin

ھەمچىنىن سىزىن قۇللۇغونۇزدا ھازىرەم .
 həmçinin sizin qulluğunuz da hazıram.
 اونا گۆرە: مەن بۇ سۆزى بىر گەرە (دفعە) دىدىم ، اونا گۆرە داھى دىمىمەن (سۆيەلە مېرەم).
 mən bu sözü (sözi) bir dəfə (gərə) dedim, ona görə daha demirəm.
 ايب (و) ib : مەن بۇ كىتابى ئالېپ ، پۇلۇنۇدا ئىرمىشەم .
 mən bu kitabı alıb , pulunuda vermişəm.

گىبى gibi («كىمى kimi») : غەلى دە سەنىن گىبى
 (كىمى) ياخشى ئادەم دىر .
 Əli də sən (kimi) gibi yaxşı adamdır .
 (Əli də sən kimi yaxşı adamdır.)

آنچاق ancaq : بۇندەن آرتىق ، آنچاق مەنىم ئىمدەن داھى بىر ايش گەلمىر .
 bundan artıq , ancaq mənim əlimdən dahı (daha) bir iş gəlmir.

جە ، ca

اۇندا مىليونلارچا تۇمەن پۇل وار .
 onda milyonlarca tümən pul var .
 ھەلە hələ : گۈن باتدى مەن ھەلە بۇ ايشى قۇرتارما دىم .
 gün batdı mən hələ bu işi qurtarmadım .

ھەلەلەك hələlik

سەن گەت ، مەن ھەلەلەك بۇرادا قالىرەم .
 sən get mən hələlik burada qalıram .
 اۆترو ötrü :
 مەن بۇ ايشى سەن دىن اۆترو گۆردۈم .
 mən bu işi səndən ötrü gördüm .

mənim ürəyim balamdan ötrü çalır . منیم اوریم بالام دان اؤترو چالیر .

اؤنا گۆرە : ona görə : من یۇرقونام ، اؤنا گۆرە بیر قهوه ایچیرم .
mən yorqunam , ona görə bir qəhvə içirəm .

منیم بۇرجوم وار ، اؤنا گۆرە من گرک چۇخ ایشله یم .
mənim borcum var , ona görə mən gərək çox işləyəm .

بۇنا گۆرە : buna görə : من بۇنا گۆرە چۇخ ایشله بیرم کی ، بۇرجوم وار .
mən buna görə çox işləyirəm ki , borcum var .

اؤنون اوچون : منیم بۇرجوم وار ، اؤنون اوچون گرک چۇخ ایشله یم .
mənim borcum var , onun üçün gərək çox işləyəm .

ایله , ilə (با) : حسین ایله حسن کیتاب اۇخویورلار .
Hüseyn ilə Həsən kitab oxuyurlar .

له , la , la (با) : من تیرنله (قطار لا) گلیرم
mən tirenlə (qatarla) gəlirəm .

من اۇچاقلا (طیاره ایله) گلیرم .
mən uçaqla (təyyarə ilə) gəlirəm .

کیمی (گیبی gibi)

کلمه ربطی و تشبیهی « کیمی » معنی « مانند » ، « مثل » ، « همچون » و « همانا » را میدهد . (کیمی معنی چه کسی نیز میدهد . کلمه « کیمی kimi » را در کتب قدیم « گیبی gibi » نیز نوشته اند .)
کلمه ربطی « کیمی » در جملات زیر « را بط تشبیهی » را بیان می کند . مثال :
- علی زبان ترکی را همچون (مثل) یک ترک حرف میزند .

علی تورکجه ، تورک کیمی (گیبی) دانیشر .
Əli türkcə , türk kimi danışır .

احمد فارسی را ، مثل یک فارس حرف میزند . = احمد فارسجا ، فارس گیبی (کیمی)

دانیشر .
Əhməd farsca , fars gibi (kimi) danışır .

- لاله همچون یک ترک ، ترکی حرف میزند . = لاله تورک کیمی تورکجه دانیشر .

Lalə türk kimi türkcə danışır .

حسین بقدر يك انگلیسی زبان انگلیسی میداند . = حسین اینگیلیسلی کیمی اینگیلیسجه بیلیر .

Hüsəyn inglisli kimi ingliscə bilir .

ائله بیل **elə bil** ،

« ائله بیل » معنی « همچون » ، « مثل » ، « چنان » (چنان بدان) را میدهد . احمد

انگلیسی را خیلی خوب مثل يك انگلیسی حرف میزند .

احمد انگلیسجه چوخ گۆزل دانیشیر، ائله بیل کی اینگیلیسلی دیر .

Əhməd ingiliscə çox gözəl danışır, elə bil ki ingilislidir.

او به زبان آلمانی طوری خوب حرف میزند گو اینکه او آلمانی است. او آلمانجا ائله گۆزل

دانیشیر کی ائله بیل آلمانلی دیر . o almanca elə gözəl danışır ki, elə bil almanlıdır .

تشبیهه قیافه :

بۇ اۇغلان دده سینه بنزیر ، او را باخ یئیشی ده ائله بیل کی دده سی دیر .

bu oğlan dədəsinə bənzəyir , ora bax yerşi də elə bil ki , dədəsidir .

تشبیهه صدا : او قیز ننه سی کیمی دانیشیر ، ائله بیل کی ، او ، ننه سی دیر .

o qız nənəsi kimi danışır , elə bil ki , o , nənəsidir .

داهی و داهای : **dahı , daha** : من يك کیلوی دیگر میوه میخوام .

من داهی بیر گیلو میوه ایسته بیرم . mən dahı (daha) bir kilo meyvə istəyirəm .

من چیز دیگری نمی خواهم . من داهی بیرشیی ایسته بیرم . mən dahı bir şey istəmirəm .

نه دئمک **nə demək** : این کلمه به انگلیسی چه معنی میدهد ؟

بۇ سۆزه اینگیلیسجه نه دئمک ؟ bu sözə ingiliscə nə demək ?

– این کار توخیلی بد است ، من نمی دانم اسم آن را چه بگذارم . = سنین بۇ ایشین

چوخ پیسیدیر من بیلیمیرم بۇنا نه دئیک . sənin bu işin çox pisdir , mən .

bilmirəm buna nə deyək (demək) .

گینه **ginə** (یئنه) = (باز)

باز برف می بارد . = گینه قار یاغیر . **ginə (yenə) qar yağır .**

مجدداً هوا سرد شد . = گینه هاوا سۇيوق اۆلدو . **ginə hava soyuq oldu .**

آما **amma** (اما)

من بزبان ترکی خوب حرف میزنم ، اما بزبان فارسی نمی توانم خوب حرف بزنم . =

من تورکجه یاخشی دانیشیرام ، آما (اما) فارسجا یاخشی دانیشا بیلیمیرم .

mən türkcə yaxşı danışırım , amma farsca yaxşı danışa bilmirəm .

تو غذا نداری اما اشتها داری . = سن ده یغمک یۇخدور آما ایشتاها وار .

səndə yemək yoxdur , amma iştaha var .

من اؤنا دئدیم آما او ائشیت مه دی . **mən ona dedim , amma o eşitmədi .**

و یا **və ya** : من می خواهم یک کت و یا یک پالتو بخرم . = من ایسته بیر کت و یا

بیر پالتو آلام . **mən istəyirəm bir kot (pəncək) və ya bir palto alam .**

او می خواهد زبان انگلیسی و یا زبان فرانسوی یاد بگیرد . = او انگلیسجه و یا

فرانساجا اؤرنمک ایسته بیر . **o ingiliscə və ya fransızca öyrənmək istəyir .**

یادا **ya da** : او می خواهد انگلیسی و یا اینکه فرانسوی یاد بگیرد . او ایسته بیر

اینگلیسجه یا دا فرانساجا (فرانسیزجا) اؤرنه .

o istəyir ingiliscə ya da fransızca (fəransaca) öyrənə .

یاداکي **ya da ki** : من می خواهم زبان آلمانی و یا اینکه زبان انگلیسی یاد بگیرم .

من ایسته بیرم آلمانجا یا داکي انگلیسجه اؤرنم .

mən istəyirəm almanca ya da ki ingiliscə öyrənəm .

حله **hələ** : او سنی (مسن نیست) ندارد و هنوز به مدرسه میرود . او یاشلی دئگیل

حله مدرسه یه گئدیر . **o yaşlı deyil , hələ mədrəsəyə gedir .**

او جوان دیر حله ائولن مه ییب . **o cəvandır hələ , evlənməyib .**

حله ليك hələlik ،

من در اینجا کار می‌کنم و هنوز امکان رفتن برایم نیست . من بۇرادا ایشله ییرم ، حله ليك گئتمه
 یه ایمکانیم یۇخدور . mən burada işləyirəm, hələlik getməyə imkanım yoxdur .
 سن گئت من حله ليك بۇرادایام . sən get , mən hələlik buradayam .

یئرین yerin : اگر من بجای تو بودم در اینجا کار نمی‌کردم . من سنین یئرین ده اولسايدیم
 بۇرادا ایشله مزدیم . mən sənin yerində olsaydım burada işləməzdim .
 بری bəri : من مدت پنج روز است که در اینجا هستم . من بئش گوندن بری بۇرادایام .
 mən beş gündən bəri buradayam .

تواز چهارم برج تا کنون در اینجا هستی . سن آیین دۇر (دوردوندن) توندن
 بری (به صرف دوگانه افعال در صفحه توجه شود) بۇرادا سان .

sən ayın dördündən (dördündən) bəri buradasan.

بۇیان buyan : من در این قسمت شهر زندگی میکنم . من شهرین بۇیانیندا یاشایارام
 (اۇتورورام) . ən şəhərin bu yanında yaşayaram (otururam) .

ما در این طرف کوه زندگی می‌کنیم و ایشان در آن طرف کوه . بیز داغین بۇیانیندا و اولار
 اۇیانیندا یاشایاریق . biz dağın bu yanında və onlar oyanında yaşayarıq .

ایکن ikən : ایکن ، به تنهائی معنائی ندارد ، ولی هر وقت بعد از فعل و یا صفتی
 بیان شود ، معنی « درعین حال » را بخود می‌گیرد . مثال : من هر وقت خسته می‌شوم قهوه
 می‌نوشم . = من یۇرقون ایکن قهوه ایچرم . mən yorqun ikən qəhvə içəram .
 من دیروز درعین حالی که غذا می‌خوردم به تلویزیون نیزنگاه میکردم .

من دونن یئمک یئرکن تلویزیونا دا باخیردیم .

mən dünən yemək yeyərkən televiz(ora)ıona da baxırdım.

من آن زمانی که شما را نمی‌شناختم به خانه شما نمی‌آمدم . من سیزی تانی مازکن ائوینیزه
 گلمزدیم . mən sizi tanımazkən evinizə gəlməzdim .

وقتی که من بخانه شما می‌آمدم برف می‌بارید . = من سیزین ائوه گلیرکن قار یاغیردی .

mən sizin evə gəlirkən qar yağırdı.

آنچاق ancaq: من اگر می دانستم که او دروغگوست ، با او دوست نمی شدم. من بیلسیدیم

کی، او یالانچی دیر، اؤنونا آنچاق یۇلداش اولمازدیم. mən bilsəydim ki, o yalançıdır. onunla ancaq yoldaş olmazdım.

در عین حالی که من آمدم او رفت . آنچاق من گلنده او گئدی .

ancaq mən gələndə , o getdi.

تا آن حدی که می دانستم گفتم . آنچاق بیلدییم جه دئدیم. ancaq bildiyimcə dedim.

منیم آنچاق یئمە یه واختیم (وقت) یۇخ دور. (من اکنون برای خوردن وقت ندارم.)

کی ki : کتابی را که تو داری از کتاب من بهتر است.

səndəki kitab məndəkindən yaxşıdır. سنده کی کیتاب من ده کیندن یاخشیدیر.

ماشینی که آنها دارند از ماشین ما گرانتر است. اؤنلارداکی ماشین بیزده کیندن باهالی دیر.

onlardakı maşın bizdəkindən bahalıdır.

- توجه شود که کلمه «کی» را می توان با ضمائر شخصی و اضافه ملکی پیوند داده و کلمه

ترکیبی جدیدی بوجود آورد. مثل :

منیمکی mənimki ، (آنکه مال من است) سنینکی səninki (آن که مال تو است) و...

با وجودی که حرف صدadar «کی» وابسته به آخرین حرف صدadar کلمه ما قبل خود

می باشد و با هماهنگی بزرگ صرف می شود (مثل : کی ، کو , kü , kı , ki) ولی

آن را در موارد زیادی به شکل «کی ki» بکار می برند . برای مثال کلمه «کی» که به

شکل پسوند با ضمیر شخصی و اضافه ملکی ترکیب یافته توجه کنید :

منیمکی mənimki (آنکه مال من است)	بیزیمکی bizimki (آنکه مال ما است)
سنینکی səninki (آنکه مال تو است)	سیزینکی sizinki (آنکه مال شما است)
اؤنونکی onunki (آنکه مال او است)	اؤنلارینکی onlarınki (آنکه مال آنها است)

- از اینکه آخرین حرف کلمه ترکیبی مذکور صدadar است در حالت تصریفی بخود یک

« n » می گیرد.

کلمه ترکیبی « منیمکی » به شکل زیر در حالت تصریفی صرف می شود:

حالت فاعلیت	منیم کی	mənimki (مال من)
حالت مفعول با واسطه « به »	منیم کینه	mənimkinə (به مال من)
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « در »	منیم کینده	mənimkində (در مال من)
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی « از »	منیم کیندن	mənimkindən (از مال من)
حالت مفعول بی واسطه « را »	منیم کینی	mənimkini (مال مرا)
اضافه ملکی	منیم کینین	mənimkinin (مال مال من)

yoxsa : من سنه دئدیم کی واختیم یۇخدور ، یۇخسا ائشیدمه دین می ؟
(من به تو گفتم که وقت ندارم ، مگر نشنیدی ؟)

mən sənə dedim ki vaxtım yoxdur , yoxsa eşitmədinmi ?

eyni : سنین ماشینین عینی بۇ ماشین دیر. (ماشین تو عین همین ماشین است.)

sənin maşının eyni bu maşındır.

sankı : علی منی گۆردو سالام (سلام) وئرمه دی ، سانکی منی تانیمیر.

(علی مرا دید سلام نکرد گو اینکه مرا نمی شناسد.)

Əli məni gördü, salam (səlam) vermədi,sankı məni tanımır.

başqa : (باشقا [دیگر ، بجز این] باشقاسی [دیگری ، بجز این یکی])

علی منی گۆردو سالام (سلام) وئرمه دی ، بۇنون بیر باشقا معناسی وار.

(علی مرا دید و سلام نکرد ، این دیگر معنی بخصوصی دارد.)

Əli məni gördüsalam (səlam) v ermədi , bunun bir başqa mənasıvar.

özgə – دیگری ، کس دیگری :

بۇکیتاب منیم دئگیل ، اؤزگه بیر آدامین دیر. (این کتاب مال من نیست ، بلکه مال

کس دیگری است.) bu kitab mənim deyil , özgə bir adamındır .

بۇ بى **bəy** اۆزگە دئگیل منیم قارداشیم دیر. (این آقا کس دیگری نیست برادر من است .)
 bu bəy özgə deyil , mənim qardaşımdır.

- علامت مخصوص زبان (جه ، جا ، cə , ca)

حروف اضافی «جه cə» و «جا ca» به شکل پسوند به «نام» خلقها و کشورها و مناطق مختلف پیوند می خورد و آنرا به نام زبان آن خلق و کشور تبدیل می کند. مثال :

فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
ترك =	تورك	türk	زبان ترکی — تورکجه türkcə
فارس =	فارس	fars	زبان فارسی — فارسجا farsca
ترکمن =	تورکمن	türkmən	زبان ترکمنی — تورکمنجه türkməncə
عرب =	عرب	ərəb	زبان عربی — عربجه ərəbcə
روس =	رؤس	rus	زبان روسی — روسجا rusca
آرمنی =	اثرمنی	erməni	زبان ارمنی — اثرمنیجه ermənicə
یونان =	یونان	yunan	زبان یونانی — یونانجا yunanca
چین =	چین	çin	زبان چینی — چینجه çincə

- اگر اسم ملیت و زبان و یا مملکت همشکل باشد می توان بجای «جه» و «جا» به آن اسم «دیلی» (زبان او) نیز افزود. مثال :

کره = کره یا koreya ، کره یا دیلی koreya dili

ژاپن = ژاپن japon ، ژاپن دیلی japon dili

در برخی موارد نام زبانها ، به همان شکل که از زبانهای دیگر گرفته شده نیز تلفظ می شود. مثال :

بجای انگلیسجه میگویند اقیلتر . بعضی از با سوادهايمان نیز آنها را به شکل زبان فارسی بکار می گیرند :

انگلیسی بجای انگلیسجه ، یونانی بجای یونانجا و ترکی بجای تورکجه و ...

جه و (له) **ca , cə (lə)**

من روزها مراقب تو بودم. من گونلرله سنی گؤزله دیم. **mən günlərlə səni gözlədim.**
من روزها چشم براه بودم .

منیم گؤزوم گونلرله (جه) یۆلدایدی : **mənim gözüm günlər(lə)cə yoldaydı .**

مادر برای فرزندش يك عالم آرزو دارد. آنانین بالاسی اوچون بیر جه عالم آرزوسو وار.
ananın balası üçün bircə aləm arzüsü var.

جه و جا **ca və cə :** منیم تۆیوما اؤنلارجا آدم گله جك . (به عروسی من ده ها نفرخواهند آمد.)
mənim toyuma onlarca adam gələcek (lər) .

جان ، جن **cən , can** ،

این اتوبوس از تهران تا به تبریز میرود. = بۇ اتوبوس تهراندان تبریزه جان(جن) گئدیر.

bu avtobus (otobus) təhrandan təbrizəcən gedir .

من شبها تا ساعت ده مشغول کار هستم .

من گئجه لرساعت اؤنا جان ایشلرم(ایشله یه رم). **mən gecələr saat onacan işlərəm .**

۱) کلمات قیدی و بکارگیری آنها در جمله :

هامی سی hamısı

بۇ آلمالار ، هامی سی یئملى دیر (لر). (همه [کُلًّا] این سیب ها خوردنی هستند.)

bu almalar hamısı yeməlidir. (lər)

یوخ ، بۇنلارین هامی سی خراب دیر (لر). (نه خیر همه اینها خراب هستند.)

yox , bunların hamısı xarabdir (lər) .

بوتوو bütöv : بۇ آلمالار بوتوو خراب اولوب (لار). (کل این سیب ها

خراب شده است. bu almalar bütöv xarab olub (lär).

من بوتوو بۇ آملاری آماق ایسته بیرم . (من میخواهم کل این سیبها را بخرم.)

mən bütöv bu almaları almaq istəyirəm .

بوتون bütün : بۇ قارپیز کسپیل مه ییب ، بوتون دور . (این هندوانه

بریده نشده و سالم است . bu qarpız kəsilməyib , bütündür .

من بوتون بیر چای نیک چایی ایچدیم . (من یک قوری کامل چای را نوشیدم.)

mən bütün bir çaynık çayı içdim .

داکی daki (دکی daki) : حروف اضافی قیدی (دکی، داکي) به تنهائی معنی ندارند ولی اگر

به دنبال اسمی بیایند معنی دار میشوند. معنی آن به فارسی « در اینجائی » و یا « در آنجائی »

می باشد. مثال: خیابانداکی آغاچ چوخ بؤیوک دور. (درختی که در خیابان است خیلی

بزرگ است xıyabandakı ağaç çox böyükdür .

کۆلدە کی چیچکلر چوخ گۆزلدیر (لر). (گلھائی که در بوته گل است خیلی

زیباست. köldəki çiçəklər çox qözəldir (lär) .

آغاچ داکي يارپاقلار ياشیل دیر. (برگهائی که روی درخت است سبز می باشند.)

ağaçdakı yarpaqlar yaşıldır(lär).

یالقیز yalqız : او قۇش يالقیزدیر . (آن پرنده تنهاست ، یار

ندارد.) بۇ کیشینین قادینی اؤلدو و او يالقیز قالیبدیر. (خانم این آقا فوت کرده و او تنها

مانده است.) bu kişinin qadını öldü (öldi) və o yalnız qalıbdır .

تک **tək** : او قادینین کیشیسی اولدو و او تک قالیدیر. (شوهران خانم مرد و او

تنها مانده است.) o qadının kişisi öldü(öldi) və o tək qalıbdır.

اولراق **olaraq** : سن صینیفده (کلاسدا) بیرینجی اولراق هدیه آلدین.

وقتی که تو در کلاس شاگرد اول شدی جایزه گرفتی.

sən sinifdə(klasda) birinci olaraq hədiyyə aldın.

داهی **dahı (daha)** : ساعت سککیزدیر گئچ اولوبدور ، من داهی صینیفه (کلاس)

گئدمیرم (ساعت هشت است و دیر شده است دیگر من به کلاس نمی روم.)

saat səkkizdir, geçdir,mən daha sinifə (kilasa) getmirəm.

من داهی او مسئله یه فیکیر ائتمیرم . (من دیگر به آن مسئله فکر نمی کنم.)

mən dahı (daha) o məsələyə fikir etmirəm.

دئیه سن **deyəsen** :

بۇ ایتیه باخ ، دئییه سن فیل دیر. bu itə bax , deyəsən fildir.

هوا خراب اولور، دئییه سن یاغاجاق. hava xarab olur,deyəsen yağacaq .

چوخدان **çoxdan** : من چوخدان دیر کی بۇرادا یاشاییرام. (من خیلی وقت است

که در اینجا زندگی میکنم.) mən çoxdandırkı burada yaşayıram .

بئله **belə** : سن هئچ بیر ایش ده جیددی دئگیل سن ، بئله اولماز. (تو در هیچ کاری

جیدی نیستی ، اینطوری نمیشود.) sən heç bir işdə ciddi deyilsən ,belə olmaz .

جیددی اول ، بۇایش بئله بویا – باشا چاتماز. (جدی باش این کار به این شکل سرانجامی

ندارد.) ciddi ol , bu iş belə boya--başə çatmaz.

اوشاقلار سؤزه باخمیرلار(سؤز ائشیدمیرلر)بئله بیراویون اولماز(بچه ها گوش شنوائی ندارند

اینطوری (مسخره بازی) نمی شود.) uşaqlar heç bir sözə baxmırlar.

(söz eşitmirlər) belə bir oyun olmaz.)

هابلە habelə : هابلە سیزین خدمتی نیزه عرض ائیلە ییم کی. (این چنین بخدمت شما عرض کنم که..)
habelə sizin xidmətinizə ərz edəydimki.

هابلە سیزین قۇلۇغونوزدا عرض ائددیم کی.. (همچنین در حضور شما عرض کردم که..)
habelə sizin qulluğunuzda ərz eddim ki...

قیود تاییدی : دوز düz (راست ، درست) دۇغری ، دۇغرو (صحیح)
doğru (doğru) هن (حن) hən (بلی همان است که گفتی). هه hə (بلی این چنین است) اۇجوردور o cürdür (آنطوری است) بۇجور دور bu cürdür (اینطوری است) ، وار var (هست). اۆد əvəd (بلی) [« اۆد » امروزه صرف نمی شود .]
اۇغروندا : آنا بالالاری اۇغروندا اۆز جانیندا دا گئچدی (مادر بخاطر فرزندان خود از جان خود نیز دریغ نکرد.)
ana balaları uğrunda öz canından da geçdi.

۳) قید تشبیهی təşbih (oxşar) qəydi :

بۇجور : بوجور اۆلماز. bu cür olmaz (این شکلی نمیشود)
اۇجور : اۇجور بیر شی اۆلماز. o cür bir şey olmaz (چیزی به آن شکلی نمی شود)
بۇنجا : بۇنجا بیر یالان اۆلماز. bunca bir yalan olmaz (دروغ به این بزرگی نمی شود)
بەلە : بەلە بیر یالان اۆلماز : belə bir yalan olmaz (به مثل این دروغ نمی شود.)
اۇنجا : منده اۇنجا باجارق اۆلماز. mənə onca bacaraq olmaz.

(تجربه [توانائی] من به اندازه او نمی شود)

کیمی : من اۆنون کیمی باجارقلی دئگیلم. mən onun kimi bacaraqlı deyiləm.
منیم باشاریغیم سنینکی کیمی اۆلماز. mənim başarığım səninki kimi olmaz.
 (توانائی [کارائی] من مثل تو نمی شود.)

۶) قید استثناء istisna qəydi :

اۇ بیرسی o birisi [o biri] (آن دیگری)
ایرسی ayrısi (آن یکی ، بغیر از این)

مگر māyər (məgər) (مگر)

یۇخسا yoxsa : (وگر نه ، اگر نباشد ، در غير اينصورت)

۷) قيد نفی : inkar qeydi

مه mə ، ما ma ، مز məز و ماز maz

یۇخ yox [یۇ yo] (نیست ، موجود نبودن)

دئگیل deyil (نیست ، نمی باشد)

سيز siz , siz , سۇز sūz , suz (سۇسوز [تشنه] ، پولسوز [بی پول])

هئچ heç = hiç (هئچ) ، هئچ واخت həçvaxt (هئچ وقت)

۸) قيد تمنا و آرزوئی arzu və təmənnə qeydi

کەشکە kəşkə (ای کاش) [کاشکی kaş ki] نه اؤلا nə ola (ای کاش) ،

بیر اؤلا bir ola (کاش) ، آل لاه ائله یه (ائده ، edə) ، allah eləyə (خدا کند)

۹) قيود تکراری : təkrar qeydi

يام ياواش yam - yavaş ، ياواش ياواش yavaş - yavaş (ياواش ياواش)

تەز تەز tez - tez (زود زود) ، بام بالا bam - bala (ريز و ريز ، کوچك)

يام ياشیل yam - yaşıl ، ياشیل ياشیل yaşıl - yaşıl (سر سبز)

قۇشا قۇشا qoşa-qoşa quşlar (پرندگان جفت جفت)

بالا بالا bala-bala balalar (بچه های ريز و ريز ، زيبا)

يغم يغمين ، يام ياواش ، قارن قولوخ ، قام قارنليق ، گوؤم گونش ، ...

۱۰) حرف اضافی « ن » ، « کی » و « ليک »

در جمله به مفهوم صفت وصفی بکار گرفته می شود :

« ن » ايندينين indinin (مال کنونی) ، دونه نين dünənin (مال ديروز)

« ن » همراه « کی » : دونن کی dünəнки (مال ديروز [ديروزی])

دۈن كىنىن *dünənkini* (آنكه مال ديروز [ديروزی] است)
 ليك : كئچن ايل ليك *keçən illik* (آنچه كه مال سال قبل است ، پارسالی)
 گلن ايل ليك *gələn illik* (آنچه كه مال سال آینده است .)

(۱۲) قيد زمانی *zaman geydi*

قيد زمانی به كلمه ای گفته میشود كه زمان و وقت معینی را مشخص و بیان كند . مثال :

الان = ايندی *indi* ، بعد = سونرا *sonra*
 همیشه – همیشه *həmişə* ، حالا = شيمدی *şimdi*
 « شيمدی » اکنون در محاوره بكار گرفته نمی شود ولی در كتب قدیمی صرف شده است .

زود = تئز *tez*
 دير = گئج *gec*
 چه وقت = (نه واخت) ؟ *nə vaxt*
 تاجه وقت = نه واختاجان ؟ *nə vaxtacan*
 چه وقت = هاچان ؟ *haçan*

(۱۳) قيد مکانی *məkan qəydi*

قيد مکانی كلمه ای است كه بر مكان معینی دلالت كند . مثال :

اينجا = بۇرا *bura* ، آنجا = اۇرا *ora*
 بالا = اوست *üst* ، پائين = آلت *alt* (آشاغا *aşağa*)
 جلو = قاباق *(on) qabaq* ، عقب = دالی *dalı* (آرخا *arxa*)
 پيش = بری *bəri* ، کنار = کنار *kənar*
 بيرون = ائشيك *eşik* ، تو = ايچرى *içəri*
 آنطرف = اۇيان *oyan* ، اين طرف – بۇيان *buyan*
 آن طرف = اۇ طرف *otərəf* ، اينطرف = بۇ طرف *butərəf*

(۱۴) حروف اضافی « لی » (*li*) :

حروف اضافی «لی» به شکل پسوند به کلمات سوالی «نه ره» (کجا) ، «نه یئر» (کجا) و «هارا» (کجا) پیوند خورده و کلمات جدیدی به شکل «نه یئرلی» ، «نه ره لی» و «هارالی» (اهل کجائی) ساخته می شود .

حرف صدا دار «لی» تابع آخرین حرف صدا دار کلمه ما قبل خود می باشد و در نتیجه در صرف به شکل «لو» ، «لی» (, lü , lu , li . il هماهنگی بزرگ) در می آید .
 «هارالی» ، «نه ره لی» و «نه یئرلی» مفهومی همچون «اهل کجائی» و «زا دگاه تو کجاست» را دارد . حروف اضافی «لی» همچنین در جواب کلمات سوالی فوق نیز بکار گرفته می شود . مثال :

سؤال : تو اهل کجا هستی ؟ سن نه یئرلی سن؟ sən nə yerlisən (sən nəralisən ?)

تو اهل کجا هستی ؟ (sən haralısan سن هارالی سان)

جواب : من باکی لی یام mən bakılıyam ، من تبریزی یم mən təbrizliyəm

من تهرانی یم tehranlıyam ، من آذربایجانلی یام mən azərbaycanlıyam

۱-۱۴) حرف اضافی «لی» به شکل زیر صرف می شود : (هارالی)

من هارالی یام ؟ mən haralıyam (من اهل کجا هستم ؟)

سن هارالی سان ؟ sən haralısan (تو اهل کجا هستی ؟)

او هارالی دیر ؟ o haralıdır

بیز هارالی ییق ؟ biz haralıyıq

سیز هارالی سینیز ؟ siz haralısınız

اونلار هارالی دیرلار (lar) ؟ onlar haralıdır

۲-۱۴) نه ره لی (نه زلی)

من نه ره لی یم ؟ mən nəraliyəm (من اهل کجا هستم)

سن نه ره لی سن ؟ sən nəralisən

او نه ره لی دیر ؟ o nəralidir

بیز نه ره لی یك biz nərəliyik ?

سبز نه ره لی سینیز siz nərəlisiniz ?

اؤنلار نه ره لی دیرلر onlar nərəlidir (lər) ?

۱۳-۳) نه یئرلی nə yerli

من نه یئرلی یم mən nə yerliyəm ? (من اهل کجا هستم)

سن نه یئرلی سن sən nə yerlisən ?

او نه یئرلی دیر o nə yerlidir ?

- بیز نه یئرلی ییک ، سبز نه یئرلی سینیز ، اؤنلار نه یئرلی دیرلر

۱۳-۴) حروف اضافی «لی» در جواب سؤال ، شما اهل کجا هستید ؟ به اسامی شهرها نیز

پیوند خورده و به شکل زیر صرف می شود. مثال :

من تبریزی هستم ، یا من اهل تبریز هستم: (به شهر تبریز ، « تبریز tərbiş » نیز می گویند.)

من تبریزی یم mən tərbişliyəm . (من اهل تبریز هستم)

سن تبریزی سن sən tərbişlisən .

او تبریزی دیر o tərbişlidir .

بیز تبریزی ییک biz tərbişliyik .

سبز تبریزی سینیز siz tərbişlisiniz .

اؤنلار تبریزی دیرلر onlar tərbişlidir (lər)

۱۳-۵) بجای اسامی شهرها ، می توان اسامی کشورها و .. را نیز بکار برد . مثلا در جواب

سوال « شما اهل کجا هستید » گفته می شود. مثال :

من یونانی یم mən yunanlıyam (من اهل یونان هستم)

سن افغانستانلی سان sən əfğanıstanlısan (تو اهل افغانستان هستی)

او آمریکالی دیر o amerikalıdır (amerikalıdır)

بیز ایرانلی ییق biz iranlıyıq

سبز هندوستانلی سینیز	siz	hidustanlısınız	(hendistanlıdır)
اونلار میصیرلی دیرلر	onlar	misirlidir	(lər)
سن شیلی لی سن	sən	çililisən	(şililisən)
من انگلیسلی یم	mən	ingilisliyəm	
سن عربیستانلی سان	sən	ərəbistanlısan	
من آرژنتینالی یم	mən	argentinalıyam	
سبز ژاپونلوسونوز	siz	japonlusunuz	
بیز چینلی ییک	biz	çinliyik	و...

۶-۱۳) اسمی که آخرین حرف صدادر آن به یکی از چهار حرف « ü ، ö ، o و u » ختم شود ، آن را می تواند به دو شکل زیر صرف کرد. مثال :

من ژاپون لویام (یوم)	mən	japonluyam	(japunlıyam)
سن ایستانبول لوسون (سان)	sən	istanbullusan	(sun)
آغ قویونلولار (آغ قویونلی لار)	ağqoyunlular	(lılar)	
قارا قویونلولار (قارا قویونلی لار)	qaraqoyunlular	(lılar)	

۷-۱۳) در مواردی که اسمی از زبانهای دیگر گرفته شده (بجای صرف آن با اصول زبان ترکی) به همان شکل اصلی خود نیز صرف می شود . مثال :

آمریکان	american	بجای	amerikalı	(آمریکانلی)	(amerikanlı)
اینگلتر	inqiltər	بجای	inqilisli	(اینگیلیس تانلی)	(inqilisli)
- بعضی از « با سواد هایمان » نیز آن را همانند فارسی به شکل زیر بکار می برند :					
تهرانی	tehrani	بجای	tehranlı	تهرانلی	
ایرانی	irani	بجای	iranlı	ایرانلی	
ایستانبولی	istanboli	بجای	istanbullu	(ایستانبول لو)	(istanbullı)

۲-۱) اعداد (قید اعداد)

اعداد در زبان ترکی « سایی » نامیده می‌شود . در زبان ترکی اول اعداد بزرگ و بعد به ترتیب اعداد کوچکتر خوانده و نوشته می‌شوند.

اعداد در ترکی کاملاً با قاعده است و همچون عربی یا فارسی اعداد جا و شکل خود را (برای مثال : « یازده » که يك به شکل « یاز » در آمده و به جلو نیز کشیده شده است.) عوض نمی‌کنند :

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین
يك -	بیر bir ،	یازده -	اؤن بیر on bir
دو -	ایکی iki ،	دوازده -	اؤن ایکی on iki
سه -	اوچ üç ،	سیزده -	اؤن اوچ on üç
چهار -	دؤرت dört ،	چهارده -	اؤن دؤرت on dört
پنج -	بش beş ،	پانزده -	اؤن بش on beş
شش -	آلتی altı ،	شانزده -	اؤن آلتی on altı
هفت -	یعددی yeddi ،	هفده -	اؤن یعددی on yeddi
هشت -	سککیز səkkiz ،	هجده -	اؤن سککیز on səkkiz

فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین
نه -	دؤققوز doqquz ،	نوزده -	اؤن دؤققوز on doqquz
ده -	اؤن on ،	بیست -	اییرمی iyirmi
سی -	اؤتوز otuz ،	چهل -	قیرخ qırx
پنجاه -	اللی əli ،	شصت -	آلتمیş altmış
هفتاد -	یئتمیش yetmiş ،	هشتاد -	سکسان səksən
نود -	دؤخسان doxsan ،	صد -	یوز yüz
فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین	فارسی	ترکی با خط عربی و لاتین

بیست و یک - ایییرمی بیر *iyirmi bir* ، بیست و دو - ایییرمی ایکی *iyirmi iki*
 بیست و سه - ایییرمی اوچ *iyirmi üç* ، بیست و چهار - ایییرمی دؤرت *iyirmi dörd*
 صد و پنجاه و پنج - یوزاللی بئش *yüz əlli beş* ، صد و نود و دو - یوزدۇخسان ایکی *yüz doxsan iki*
 سی و یک - اۆتوز بیر *otuz bir* ، چهل و دو - قیرخ ایکی *qırx iki*
 پنجاه و سه - اللی اوچ *əlli üç* ، صد و چهار - یوزدورت *yüz dörd*
 صد و ده - یوز اۆن *yüz on* ، صد و چهل - یوز قیرخ *yüz qırx*
 دو یست - ایکی یوز *iki yüz* ، سیصد - اوچ یوز *üç yüz*
 چهار صد - دؤرت یوز *dört yüz* ، پانصد - بئش یوز *beş yüz*
 ششصد - آلتی یوز *altı yüz* ، هزار - مین *min*
 هزار و یک - مین بیر *min bir* ، دو هزار - ایکی مین *iki min*
 ده هزار - اۆن می *on min* ، صد هزار - یوز مین *yüz min*
 یک میلیون - بیر میلیون *bir milyon* ، ده میلیون - اۆن میلیون *on milyon*
 صد میلیون - یوز میلیون *yüz milyon* ، یک میلیارد - بیر میلیارد *bir milyar*
 - بهتر است که تک تک اعداد نزدیک ولی جدا از هم نوشته شود. مثال :

- مین بیر *min bir* ، بیر میلیون بیر *bir milyon bir* ، اۆن میلیون ایکی یوز اللی *bir milyon iki yüz əlli*

۳-۱) شمردن اعداد (سایماق) به شکل زیر در زمان حال صرف می شود :

من	ساییرام	<i>mən sayıram</i>	-	من می شمارم
سن	ساییرسان	<i>sən sayırsan</i>	-	تو می شماری
او	ساییر	<i>o sayır</i>	-	او می شمارد
بیز	ساییریق	<i>biz sayırıq</i>	-	ما می شماریم
سیز	ساییرسینیز	<i>siz sayırsınız</i>	-	شما می شمارید
اونلار	ساییرلار	<i>onlar sayırlar</i>	-	آنها می شمارند

شمردن به شکل گذشته : ساییدیم ، سامیشام ، سامیشدیم ، و..

شمردن با فعل مصدری در زمان حال : من سایماقدایام ، سایماقدایدیم ، و..
 شمردن به شکل امری : ساییم ، سای ، ساییسین ، و..
 شمردن در زمان آینده نزدیک : سایارام ، سایاریم ، سایارمیشدیم ، و..
 شمردن در زمان آینده : سایاجاغام ، سایاجاغیدیم ، و..

۴-۱) اعداد ترکیبی:

اعداد ترکیبی به اعدادی گفته می‌شود که از چند کلمه تشکیل می‌یابد. مثال :

اؤن بیر on bir (یازده) ، اؤن آلتی on altı (شانزده)
 ایییرمی بئش (ایگیرمی بئش) iyirmi beş ، (بیست و پنج)
 یوز بیر yüz bir (صد و یک) ، یوز اؤن yüz on (صد و ده)
 یوز ایییرمی yüz iyirmi (صد و بیست) ، ایک یوز iki yüz (دویست)

۵-۱) اعداد ترتیبی :

اعداد ترتیبی به اعدادی گفته می‌شود ، که به شکل نظم و ترتیب پشت سرهم بیان شود. علامت آن « اینجی » است و حرف صددار آن وابسته به آخرین حرف صددار کلمه ماقبل خود می‌باشد ، که در صرف به شکل inci , üncü , uncü , inci (با هماهنگی بزرگ) در می‌آید. اعداد ترتیبی به شکل زیر بکار گرفته می‌شود. مثال :

بیرینجی birinci (یکم) ، اؤنونجو onuncu (دهم)
 ایکینجی ikinci (دوم) ، ایییرمینجی iyirminci (بیستم)
 اوچونجو üçüncü (سوم) ، اؤتوزونجو otuzuncu (سی‌یم)
 آلتینجی altıncı (ششم) ، می‌نینجی (مینینجی) mininci (هزارم)
 توجه : اگر آخرین حرف عددی به حرف صددار ختم شود (مثل: آلتی) در صرف به آن « y »

اضافه نمی‌شود. بلکه يك حرف صددار از آن حذف می‌شود.

۶-۱) اعداد شرحی :

اعداد شرحی به اعدادی گفته می شود که چگونگی و موقعیت خود را شرح دهد. مثال:

ایکی ایکی iki - iki (دو به دو) ، اُون اُون on - on (ده به ده)
 اوچ اوچ üç - üç (سه به سه) ، یوز یوز yüz - yüz (صد به صد)
 دۆرت دۆرت dört - dört (چهار به چهار) ، مین مین min - min (هزار به هزار)
 یوز مین یوز مین yüz - min yüz - min (صد هزار صد هزار)

۷-۱) اعداد کسری: اعداد کسری به اعدادی گفته میشود که کمتر از یک باشد. مثال :

یاریم yarım (نصف) ، دۆتده بیر dördtə bir یک چهارم
 اوچده بیر üçdə bir (یک سوم) ، بەشده بیر beşdə bir و یا
 بەشده بیر beşdə biri (یک پنجم)

۸-۱) کلمات نامعین (اعدادی) :

کلمات نامعین ، کلماتی هستند که مقدار نامعین و نامشخصی را نشان می دهند. مثال :

چوخ çox (زیاد) ، آز az (کم)
 آرتیق artıq (زیادتیر) ، اسگیك əsgik (کمتر)
 اؤقدر o qədər (آن قدر) ، بۇقدر bu qədər (این قدر)

۹-۱) کلمات مقدار تشبیهی :

بۇ اۇنجا دیر bu oncadır (این همان قدر است)
 بۇ اۇنا تایدیر bu ona taydır (این هم مقدار و یا هم شکل آن است)
 اۇ بۇندان چوخ دور.. o bundan çoxdur (آن از این زیادتیر است)
 بۇ اۇنا بنزیر. bu ona bənzəyir. (این به آن شبیه است)
 بۇ ایکی قیز بیر ییرینه بنزیر (لر) . (این دو دختر شبیه هم دیگر هستند .)
 bu iki qız biri birinə bənzəyir (lər) .

۱) قید سؤالی : sual (soru) qeydi

کیم kim ؟ : (چه کسی) اۇ کیم دیر ؟ o kimdir (او کیست)

(حالت تصریفی کلمه « کیم » : کیمه ، کیمده ، کیمدن ، کیمی ، کیمین)

نەجە necə ؟ : (چطور) اۇنون کیفی نەجە دیر ؟ onun keyfi necədir ?

(چند [چند تا]) اۇ نەجە دیر ؟ o neçədir (آن چند است)

هانسی hansı ؟ : (کدامی) سیز هانسی ماشینى آلدینیز ؟ siz hansı maşını aldınız ?

(شما کدام [کدامین] ماشین را خریدید ؟)

نە اوچون nə üçün ؟ : (شما به چه منظوری به اینجا آمدید.)

(برای چه) سیز نە اوچون بورایا گلدینیز. siz nə üçün buraya gəldiniz.

هانى hanı ؟ (کو ، کجاست) . هانى به ؟ hanı bə ? چه شده ، کجا مانده ؟)

(۱-۱) قید سوالی عددی :

چند _ ، نەجە neçə

آن چند تا است ، اۇ نەجە دنه دیر ؟ o neçə dənədir ?

چند دانه _ ، نەجە دنه (نچه دانه) ؟ neçə dənə ?

چه قدر _ ، نه قدر nə qədər ؟

چه قدر است ، اۇ نه قدر دیر ؟ o nə qədərdir ?

قیمت آن چند است = اۇنون قیمتی نەجە دیر ؟ onun qiməti neçədir ?

ارزش آن خانه چند است : اۇ ائو نەجە یه دیر o ev neçəyədəyər

اۇ ائوین قیمتی نەجە دیر + اۇ ائوین دیری نەجە دیر

اۇ قیزیلین دیری نەجە دیر . bu qızılın dəyəri neçədir ?

ارزش ، قیمت (دیر) qiymət بها (ارزش) ، ده یر dəyər ، بۇ کیتابین

دیری چۆخدور (ارزش این کتاب زیاد است)

گران ، باها baha ، بۇ کیتاب باها دیر bu kitab bahadır (این کتاب گران

است) چه : نه nə ، این چیست : او نه دیر ? o nədir

اعداد نامعین سوالی :

نه چه neçə (چه قدر) ، نئچه دَنه neçə dənə (چند دانه)

نه قدر nə qədər (چه قدر)

« نه » کلمه سوالی

او ائو تاختادان سالینب دیر می؟ یو ، او تاختادان سالینبمایب دیر .

– « نه » (چه) به شکل زیر به حالت تصریفی صرف می شود :

نه ؟ nə (چه)	نه یه ؟ nəyə (به چه)	نه ده ؟ nədə (درچه)
نه دَن nədən (ازچه)	نه یی ؟ nəyi (چه را)	نه یین ؟ nəyin (مال چه)

نه اوچون nə , üçün : شما برای چه به اینجا آمدید؟ سیز نه اوچون بۇرا یا گلدینیز؟

siz nə üçün buraya gəldiniz.

شما برای چه (به چه دلیلی) اینکار را انجام دادید ؟ سیز نه اوچون بۇ ایشی گۆردونوز؟
siz nə üçün (nəçün) bu işi gördünüz ?

نه یه گۆره nəyə görə : شما بخاطر چه (به چه دلیل) اینجا می آئید ؟
سیز نه یه گۆره بۇرایا گلیر سینیز ؟
siz nəyə görə buraya gəlersiniz ?

نه جور nə cür : (چگونه) اۇنون کئیفی نه جور دور ? onun keyfi nə cürdür ?

(حال اوچگونه است .) (نه تهر ؟ ، نه شیکل ؟ ، نه شیکیل ؟) [

نی یه niyə : (چرا) سیز نی یه گلمه دینیز ؟ siz niyə gəlmədiniz ?

(شما چرا نیامدید ؟)

نه یی nəyi : سیز نه یی آلدینیز ؟ siz nəyi aldınız ? (شما چه چیزی را خریدید)

نه یه nəyə : او برای چه اینجا می آید ؟ او بۇرایا نیه گلیر ؟ o buraya nəyə gəlir ?

شما به چه نگاه می کنید ؟ سیز نیه باخیرسینیز ؟ siz nəyə baxırsınız ?

نی به niyə : شما به چه علت نگاه می کنید ؟ سیز نی به (نییه) باخیرسینیز ؟
 siz niyə baxırsınız (برای چه) بو نه به لازم دیر ؟ bu nəyə lazımdır
 (این برای چه لازم است ؟)

یئر (زمین) yer : (زمین به دور خورشید می چرخد .)
 یئر گونون دؤره سینه دؤلانیر . yer günün dövrəsinə dolanır .
 نم یئرده یاتماق یاخشی دئگیل . nəm yerdə yatmaq yaxşı deyil .
 یئرینه yerinə (جایش ، مکانش) :

من بۇگون قلیان آلتی یئرینه فقط قهوه ایچدیم . (من امروز بجای صبحانه فقط قهوه خوردم .)
 mən bu gün qəlyanaltı yerinə fəqət qəhvə içdim .
 من سۇ یئرینه چای ایچدیم . mən su yerinə çay içdim . (من بجای آب چای خوردم .)

حروف اضافی: « دن » و « دان » (حالت تصریفی « از ») ،
 حروف اضافی « دن » و « دان » همچون حروف اضافی از مفعول با واسطه (از) می باشد :

از حسن = حسن دن Həsəndən ، از کتاب = کیتاب دان kitabdan

اکنون حروف اضافی « دن » با مفاهیم مختلف در جمله بکار گرفته می شود. مثال:

- o haradan (hardan) gəlir ؟ او هارادان گلیر ،
 - o təbrizdən gəlir او تبریزدن گلیر ، او از تبریز می آید
 - o işdən gəlir او ایشدن گلیر ، او از کار می آید
 - o kimdəndir ؟ او گیم دن دیر ؟ او طرفدار کی است ،
 - o bizdəndir او بیزدن دیر ، او از ما است
 - o bizdən deyil او بیزدن دئگیل ، او از ما نیست
- این گل از آن یکی زیباتر است ، بۇگول اوندان گۆزل دیر . bu gül ondan gözəldir .

- این از آن یکی بهتر است. بۇ اۇندان ياخشىدیر. bu ondan yaxşıdır .
- آن خانه از چه ساخته شده است؟ اۇ ائو نه دندیر ؟ o ev nədəndir ?
- آن خانه از گِل است ، اۇ ائو پالچىقدان دیر. o ev palçıqdandır.
- آن خانه از بتون است ، اۇ ائو بیتون دان دیر. o ev bitondandır.
- آن ماشین از آهن است، اۇ ما شین دمیردن دیر.. o maşın dəmirdəndir .

۱-۲) نفی سؤالی « نه n » بوسیله کلمه « یوخ yox » و دئگیل « deyil » انجام می گیرد. مثال :

- آن از چه ساخته شده (آن از چه چیزی ترکیب یافته) = اۇ نه دن دیر ؟ o nədəndir?
- نفی آن بوسیله کلمه « یوخ » (موجود نیست) و « دئگیل » (نمی باشد) ساخته می شود. مثال :
- آن از چه ساخته شده (آن از چه چیزی ترکیب یافته) = اۇ نه دن دیر. o nədəndir?
- سوال : اۇ نه دن دیر ؟ o nədəndir? (آن از چه ساخته شده است.)
- جواب : اۇ پامبیقدان دیر o pambıqdandır (آن از پنبه است)
- نه خیر آن از پلاستیک است . یوخ ، اۇ پلاستیک دن دیر. yox , o plastikdən dir.
- اۇ پلاستیکدن دئگیل دیر. yox , o plastikdən dir.
- پس آن از چه چیزی ساخته شده است. بس اۇ نه دن دیر. bəs o nədən dir?
- توجه : اگر کلمه سؤالی با فعل ساخته شود ، جواب آن نیز با فعل داده می شود.

۱-۳) نه nə ؟ ، کلمه سؤالی برای زبان :

علامت مخصوص سؤالی در زبان ترکی ، برای زبان « نه » می باشد. مثال:

- سنین آنا دیلین نه دیر؟ sənın ana dilin nədir ?
- سن نه دیلینجه دانیشیرسان ؟ sən nə dilincə danışırısan ?
- درموردی بجای « نه » از کلمه سؤالی « هانسی » نیز استفاده میکنند . کلمه سؤالی

« هانسی » باید با حروف اضافی « ده » صرف شود و در جواب علاوه بر « ده » ضمیر (اضافه) ملکی « این » نیز به آن افزوده می شود. مثال :

سوال : سەن هانسی دیلده دانیشیرسان ؟ sən hansı dildə danışırсан?
جواب : مەن تۈرك دیلینده دانیشیرام. mən türk dilində danışırım.

۳) قید علت :

نه یه (نیه) : نیه بۇرایا گلدین ؟ nəyə buraya gəldin ؟ برای چه به اینجا آمدی ؟
گۆره : سەنە گۆره بۇرایا گلدیم. sənə görə buraya gəldim. بخاطر تو به اینجا آمدم ؟
نی یه : سەن نی یه گلیر سەن ؟ sən niyə gəlirsən ؟ تو برای چه می آیی ؟
نه اوچون : نه اوچون بۇرایا گلدین ؟ nə üçün buraya gəldin ؟
اۋنون اوچون : اۋنون اوچون بۇرایا گلدیم . onun üçün buraya gəldim .

کلمات مختلف و بکارگیری آنها در جمله :

باخ (بنگر)

بۇ آغاچ ، آغاچلارین آن بۇیویو دور ، باخ . (بنگر ، بدرختی که بزرگترین درختان است .)
bu ağaç , ağacların ən böyüyüdür , bax .

سیخیلماق sızılmaq

منیم بۇگون جانیم سیخیلیر . mənim bu gün canım sızılır . (من امروز دلتنگم)
سینمك sinmək : پیشیک یئره سینیب قۇشا باخیر . (گربه کمین کرده [جیم شده ، پنهان شده] و به پرندۀ نگاه میکند .)
pişik yerə sinib , quşa baxır .
بۇ یئمك (غذا) منیم جانیم سینمیر . bu yemək mənim canıma sinmir .

حاققیندا haqqında (در حق او)

آنا بالالاری حاق قیندا، چوخ اؤرك يانديريب. (مادر در حق فرزندان خود خيلي دلسوزی کرده است.)
ana balaları haqqında çox ürək yandırır (dır) .

زمان zaman : من بۇ ایشی اؤز زامانیندا گؤره رم . (من این کار را در وقت خود) وقتش انجام میدهم.)
mən bu işi öz zamanında görərem .

آرتیق artıq : من دئملی لرین هامیسی نی دئدیم ، بۇندان آرتیق داھی بیر سؤزوم یۇخدور . (من همه گفتنی ها را گفتم ، بیشتر از این دیگر حرفی ندارم.)
mən deməli lərin hamısını dedim bundan artıq daha bir sözüm yoxdur .

اؤلماق (شدن) olmaq : منه کیتاب لازیم اؤلماق . (من بکتابی نیاز خواهم داشت .)
mənə kitab lazım olacaq.

سنه ده ، پۇل لازیم اؤلماق . (برای تو هم پول احتیاج [لازم] خواهد شد .)
sənə də , pul lazım olacaq.

احتیاج ehtiyac : منه ده پۇل احتیاج اؤلماق . (من هم به پول احتیاج خواهم داشت .)
mənə də pul ehtiyac olacaq .

سنه ده قیشدا گئییه جک احتیاج اؤلماق . (تو هم در زمستان به پوشاک احتیاج خواهی داشت .)
sənə də , qışda geyəcək (paltar) ehtiyac olacaq .

دوز düz (راست . مستقیم)
بۇرادان شهره جان بیر دوز خیابان چکیله جک . از اینجا تا به شهر خیابان مستقیمی کشیده خواهد شد.
buradan şəhərəcən bir düz xiyaban çəkiləcək .

دؤغرو doğru (مستقیم . صحیح)
بلی سن دئین سؤز دؤغرو دؤر ، بۇرادان بیر یئنی یۇل چکیله جک (بلی گفته تودرست است ، از اینجا یک راه جدیدی کشیده خواهد شد.)

bəli, sən deyən söz doğrudur, buradan bir yeni yol çəkiləcək.

ياخين yaxın :

بۇ يۇل ايله شەھرە چۇخ ياخين اولاجاق. (با اين راه به شهر خيلي نزديك خواهد شد.)
 bu yol ilə şəhərə çox yaxın olacaq .

اۇزاق uzaq : (دور)

ايندىكى يۇل ايله شەھر ، اۇن كيلومتر اۇزاق دير. (با راه كنونى (تا به) شهر ده
 كيلومتر دورتر است.)
 indiki yol ilə şəhər , on kilometr uzadır .

آشاغا aşığa (سمت پائين) : بۇ داغين دالى سيندا اۇتوبوسدان آشاغا ائنيپ يئمك

يئيه جه ييك . (در پشت اين كوه از اتوبوس پياده شده غذا خواهيم خورد .)
 bu dağın dalısında avtobusdan enib yemək yeyəcəyik .

يۇخارى yuxarı (سمت بالا)

بۇ تپه نين يۇخارى سيندا بير بۇيوك داغ وار. (در سمت بالای اين تپه كوه بزرگى
 قرار گرفته) موجود است.)
 bu təpənin yuxarısında bir böyük dağ var .

اوست üst (روى) : غذا يئيه ندن سۇنرا بۇداغين اوستونه گزميه

گئده جه ييك. (بعد از خوردن غذا برای گردش كردن به بالای كوه خواهيم رفت.)
 yemək yeyəndən sonra bu dağın üstünə gəzməyə gedəcəyik.

ايچرى içəri (ايچ iç)

بيز اۇرادا هامى ميز اۇتوبوس دان يئره ائنه جه ييك و اۇتوبوسون ايچريسينده قالان

اولماياجاق. (ما همگى در آنجا از اتوبوس پياده مى شويم و كسى در توى اتوبوس

نخواهد ماند.)
 biz orada hamımız avtobusdan yerə enəcəyik ,

(düşəcəyik) və avtobusun içərisində qalan olmayacaq .

قارشى qarşı (مقابل) ايكي پهلوان قارشى قارشى يا گوله شجكلر. (دو پهلوان درمقابل هم

(روى روى هم) كشتى خواهند گرفت.)
 iki pəhləvan qarş - qarşıya güləşəcəklər.

ساغ sağ (راست) و سۇل sol (چپ) :

منیم تویمدا حسن ساغیمدا « ساغداش » ، حسین سولومدا « سولداش » دۇراجاقلار.
 (درعروسی من ، حسن درسمت راست من «ساغدوش» و حسین درسمت چپ بعنوان
 « سولدوش » خواهد ایستاد.)
 mənım toyumda Həsən sağımدا"sağdaş
 Hüseyın solumda " soldaş " duracaqlar .

حسن منیم ساغیمدا و حسین ده سول طرفیمده دۇراجاقلار. (حسن در طرف راست
 من و حسین در طرف چپ من خواهد ایستاد.)
 Həsən mənım sağımدا və
 Hüseyın də sol tərəfimdə duracaqlar.

آرتیق artıq (اضافی) : توی ائدمک جاوانلار اوچون یاخشی دیر، اوندان آرتیق بیر
 گۆزل ایش یۇخدور. (عروسی کردن (گرفتن) برای جوانان خوب است ، زیباتر از آن
 کاری نیست. toy etmək cavanlar üçün yaxşıdır , ondan artıq gözəl bir
 iş yoxdur . (olmaz)

اسگیك əsgik (کم بود) : سککیز ، اوندان ایکی دنه اسگیك دیر.
 (هشت ، از ده دو تا کم تر است.)
 səkkiz ondan iki dənə əsgikdir .

یئنه yenə (دگر بار، مجدداً) : یئنه بهار گلدی. yenə bahar gəldi (از نو بهار آمد)
 گینه ginə (دگر بار) : گینه بهار گلدی. ginə bahar gəldi (مجدداً بهار آمد)
 یئنی yeni (تازه از نو) : یئنی دن باهار گلدی .
 yenidən bahar gəldi.

تزه دن təzədən (مجدداً ، بار دیگر)
 تزه دن قار ياغیر. (از نو برف می بارد .)
 təzədən qar yağır .

نچه neçə (چند تا) : دؤرت ایله دؤرت نچه ائدر (اۇلار) ؟
 dört ilə dört neçə edər (olar) ؟ (چهار با چهار چند میشود ؟)
 بۆلو bölü (بۆلمک : قسمت کردن) : اؤنو ، ایکی یه بۆل ، اۇلار بئش.
 onu (onı) ikiye böl , olar beş . (ده را به دو تقسیم کن می شود پنج)
 ائدر edər (می شود)

ایکی ایله ایکی ائدر دؤرت . iki ilə iki edər dörd . (دو با دو می شود چهار .)
 جوت cüt جفت : من بیر جوت گؤیرچین گؤرورم . (من يك جفت كبوترمی بینم .)
 mən bir cüt qöyərçin görürəm .

قۇشا qoşa (دوتائی = برابر) : خیاباندا بیر قیز ایله بیر اۇغلان قۇشاگئدیرلر
 xıyabanda bir qız ilə bir oğlan qoşa gedirlər .
 (يك دختر و پسر در خیابان کنارهم راه می روند .)

قالماق qalmaq (ماندن) : فعل « قالماق » در زبان ترکی در موارد زیادی بکار گرفته می شود منجمله در جملات التزامی . هرچند که فعل « قالماق » فعل التزامی نیست ولی نتیجه کار آن در جمله به شکل التزامی در می آید . مثال :
 mən dünən çöldə susuz qaldım . من دونن چۆلدە سۇسوز قالدیم .

(من دیروز در بیابان تشنه [بدون آب] ماندم [اجبار بود و یا مجبور بودم])
 اۇ بۇ ایل ایشسیزقالیبیدیر . o bu il işsiz qalıbdır . (او امسال بیکار مانده است .)

حذف حرف صدا دار از چند کلمه :

در زبان ترکی چند اسمی بویژه در از اعضای بدن وجود دارد که در صرف یکی از حروف صدا دار آنها را حذف کرده و به شکل زیر بکار می گیرند :
 - کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار گرفته می شوند :

آغیز ağız در صرف به شکل : منیم آغزیم ağzım ، سنین آغزین .
 بینی، بۇرون burun در صرف به شکل : منیم بۇرنوم burnum سنین بۇرنون .
 شکم ، قارین qarın در صرف به شکل : منیم قارنیم qarnım (شکم من)
 پسر ، اۇغول oğul در صرف به شکل : منیم اۇغلوم oğlum (پسر من)

(بعبارتی از کلمات ذکر شده يك حرف صدادار حذف می شود.)

توجه : در صرف کلمات مذکور برای سوم شخص جمع (اۇنلار) حرف صدادار حذف نمی شود :

اۇنلارین آغیزلاری ، ağızları ، اۇنلارین بورونلاری burunları
 اۇنلارین اۇغول لاری oğulları ، اۇنلارین قارینلاری qarınları
 آغزینی آچیق قارنی بۇش . بۇرنو اۇجا ، اۇغلو یۇخ .

- کلمات مذکور به شکل زیر در جدول زیر نیز صرف شده اند :

ضمایر	دهان ağız	بینی burun	شکم qarın	پسر oğul
من	ağzım	burnum	qarnım	oğlum
سن	ağzın	burnum	qarnım	oğlum
او	ağzı	burnum	qarnım	oğlum
بیز	ağzımız	burnum	qarnım	oğlum
سیز	ağzınız	burnum	qarnım	oğlum

- کلمات مذکور را برای سوم شخص جمع به شکل زیر به فرم اصل خود بکار می برند :

اۇنلارین :	ağızları	burunları	qarınları	oğulları
------------	----------	-----------	-----------	----------

۱) ماضی استمراری و فرمهای مختلف آن :

ماضی استمراری بوسیله ریشه فعل و علامت ویژه زمان حال (ir,ır,ür,ur) هماهنگی بزرگ) و پسوند زمان گذشته (idi, imiş) بوجود می آید. اکنون فعل « آمدن » (گلمک) را به زمانهای مختلف گذشته استمراری صرف می کنیم. مثال :

۱-۱) گذشته استمراری

من	گلیردیم	mən gəlirdim	،	بیز	گلیردیک	biz gəlirdik
سن	گلیردین	sən gəlirdin	،	سیز	گلیردینیز	siz gəlirdiniz
اؤ	گلیردی	o gəlirdi	،	اؤنلار	گلیردیلر	onlar gəlirdilər

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیردیم ، سن آلیردین اؤ آلیردی ، بیز آلیردیق ، سیز آلیردینیز ، اؤنلار آلیردیلار.

۱-۲) گذشته دور استمراری:

من	گلیرمیشم	mən gəlirmişəm
سن	گلیرمیشسن	sən gəlirmişsən
اؤ	گلیرمیش	o gəlirmiş
بیز	گلیرمیشیک	biz gəlirmişik
سیز	گلیرمیش سینیز	siz gəlirmişsiniz (gəlirmişsiz)
اؤنلار	گلیرمیشلر	onlar gəlirmişlər

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیرمیشام ، سن آلیرمیشسان ، اؤ آلیرمیش

۱-۳) گذشته دورتر استمراری:

من	گلیرمیشدیم	mən gəlirmişdim	،	بیز	گلیرمیشدیک	biz gəlirmişdik
----	------------	-----------------	---	-----	------------	-----------------

سن گلیرمیشدین sən gəlirmişdin ، سیز گلیرمیشدینیز siz gəlirmişdiniz
 او گلیرمیشدی o gəlirmişdi ، اونلار گلیرمیشدیلر onlar gəlirmişdilər
 - افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :
 من آلیرمیشدیم ، سن آلیرمیشدین ، او آلیرمیشدین

۳-۱) گذشته دور و دور استمراری:

من گلیرمیش میشم mən gəlirmişmişəm
 سن گلیرمیش میشسن sən gəlirmişmişsən
 او گلیرمیش میش o gəlirmişmiş
 - افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :
 من آلیرمیشمیشام ، سن آلیرمیش میشسان ، او آلیرمیش میش

۲) نفی گذشته استمراری و فرمهای مختلف آن :

گذشته استمراری فعل (همانند صرف خود فعل در زمان حال) بوسیله کلمه مخفف شده
 « mir ، mır ، mür ، mur » صرف می شود.

توجه شود که قاعده مذکور برای نفی گذشته استمراری بدون استثناء در همه جا بکار
 گرفته می شود .

نفی گذشته استمراری به شکل زیر می باشد :

من گلمیردیم mən gəlmirdim (من نمی آمدم)
 سن گلمیردین sən gəlmirdin
 او گلمیردی o gəlmirdi

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :
 من آلمیردیم ، سن آلمیردین ، او آلمیردی ...

۲-۱) حالت نفی گذشته دور استمراری :

من گلمیرمیشم mən gəlmirmişəm

سن گلمیرمیش سن sən gəlmirmişsən

او گلمیرمیش o gəlmirmiş

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلمیرمیشام ، سن آلمیرمیشسان ، او آلمیرمیش و...

۲-۲) حالت نفی گذشته دورتر استمراری :

من گلمیرمیشدیم mən gəlmirmişdim

سن گلمیرمیش دین sən gəlmirmişdin

او گلمیرمیشدی o gəlmirmişdi

۳) حالت سوالی گذشته استمراری :

من گلیردیم می ؟ mən gəlirdimmi (آیا من می آمدم)

سن گلیردین می ؟ sən gəlirdinmi

او گلیردی می ؟ o gəlirdimi

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیردیم می ؟ ، سن آلیردین می ؟ ، او آلیردی می ؟ و...

۳-۱) حالت سوالی گذشته دور استمراری :

من گلیرمیشم می ؟ mən gəlirmişəmmi

سن گلیرمیش سن می ؟ sən gəlirmişsənmi

او گلیرمیش می ؟ o gəlirmişmi

۲-۳) حالت سوالی گذشته دورتر استمراری :

من گلیرمیشدیم می؟ mən gəlirmişdimmi ?
 سن گلیرمیشدین می؟ sən gəlirmişdinmi ?
 او گلیرمیشدی می؟ o gəlirmişdim ?

۴) حالت نفی سوالی گذشته استمراری:

من گلیمیردیم می؟ mən gəlmirdimmi ? (آیا من نمی آمدم)
 سن گلیمیردین می؟ sən gəlmirdinmi ?
 او گلیمیردی می؟ o gəlmirdimi ?

– افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلیمیردیم می؟ ، سن آلیمیردین می؟ ، او آلیمیردی می؟ و...

۱-۳) حالت نفی گذشته دور استمراری:

من گلیمیرمیشم می؟ mən gəlmirmişəmmi ?
 سن گلیمیرمیش سن می؟ sən gəlmirmişsənmi ?
 او گلیمیرمیش می؟ o gəlmirmişmi ?

– من آلیمیرمیش شام می؟ ، سن آلیمیرمیش سان می؟ ، او آلیمیرمیش می؟ و...

۲-۴) حالت نفی گذشته دورتر استمراری:

من گلیمیرمیشدیم می؟ mən gəlmirmişdimmi ?
 سن گلیمیرمیشدین می؟ sən gəlmirmişdinmi ?
 او گلیمیرمیشدی می؟ o gəlmirmişdinmi ?

۱) صرف فعل آینده نزدیک در گذشته و

فرمهای مختلف آن :

فعل آینده نزدیک در گذشته، فعلی است که می‌توان بوسیله آن آینده در گذشته، فرم آرزویی و شرطی را (که می‌تواند برای يك و یا هر سه مفهوم ذکر شده بکار برد.) در يك جمله بیان کرد. مثال :

سن دونن (دون) منه ده مه دین یوخسا من آخشام سیزه گلردیم . (تو دیروز به من نگفتی و گرنه من دیشب) می‌آمدم (توانائی و علاقه داشتم که به خانه شما بیایم.) در جمله مذکور سه مفهوم زیر بیان شده است :

دیشب و دیروز هر دو گذشته می‌باشد ، ولی دیشب به نسبت دیروز آینده نزدیک در گذشته محسوب می‌شود. همانطوری که از اسم فعل [آینده نزدیک در گذشته] پیدا است ، این فعل زمانی بکار گرفته می‌شود که در گذشته (دیروز) بین خواستن تا امکان عملی شدن فعل (دیشب) فرق زمانی موجود بوده باشد .

- فعل اولی به شکل گذشته (« ساده ») و فعل دومی به شکل آینده در گذشته صرف می‌شود. (سن منه دون [دونن] ده مه دین یوخسا من آخشام سیزه گلردیم .)

- با فعل « آینده نزدیک در گذشته » بیان کننده مطلب می‌تواند علاقه و میل و امکان و توان خود را که دیروز برای به انجام رساندن عملی برای دیشب داشته بیان کند (گلردیم).

- جمله مذکور به شکل شرطی در زمان گذشته بیان شده است. مثلاً تو نگفتی ، اگر تو به من گفته بودی ، من می‌توانستم و علاقه داشتم پیش تو بیایم . در مقابل فعل (گلردیم) بلا فاصله این سوال پیش می‌آید که چرا نیامدید ، در بند دیگر جمله ، جواب داده می‌شود که به من نگفتی . (بعبارتی عملکرد جمله به شکل جمله شرطی ظاهر می‌شود.)

فعل مذکور (و با علامت « ar , ar ») همانند سایر افعال با پسوندهای ماضی (دی ،

میش ، میشدی و میش میش) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود :

۱-۱) فعل آینده نزدیک در گذشته به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

men gələrdim	من گلردیم	biz gələrdik	بیز گلردیک
sən gələrdin	سن گلردین	biz gələrdik	بیز گلردیک
o gələrdi	او گلردی	onlar gələrdilər	اونلار گلردیلر

– صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دور :

mən gələrmişəm	من گلرمیشم	bız gələrmışik	بیز گلرمیشیک
sən gələrmışsən	سن گلرمیش سن	siz gələrmışsiniz	سیز گلرمیش سینیز
o gələrmış	او گلرمیش	onlar gələrmışlär	اونلار گلرمیشلر

– صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر :

mən gələrmışdim	من گلرمیشدیم	biz gələrmışdik	بیز گلرمیشدیک
sən gələrmışdin	سن گلرمیشدین	siz gələrmışdiniz	سیز گلرمیشدینیز
o gələrmışdi	او گلرمیشدی	onlar gələrmışdilär	اونلار گلرمیشدیلر

– صرف فعل آینده نزدیک در گذشته دور و دور

mən gələrmışmıřəm	من گلرمیش میشم
sən gələrmışmıřsən	سن گلرمیش میشنسن
o gələrmışmıřmıř	او گلرمیش میش

– فعل « گلرمیش میشم » به شکل زیر تجزیه می شود :

۱) گل gəl = ریشه فعل ، ۲) ار ər = علامت آینده ، ۳) میش miř = علامت

گذشته ، ۴) میش دوم miř = علامت گذشته دور و دور ، ۵) ام əm – ضمیر

شخصی متصل و یا صرف فعل « ایمک »

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با آهنگ پائینی باشد ، به شکل زیر بکار

گرفته شده و در زمانهای گذشته صرف می‌شود.

گذشته : من آلاردیم mən alardım
گذشته دور : سن آلارمیشسان sən alarmışsan
گذشته دورتر : او آلارمیشدی o alarmışdı

۲) حالت نفی فعل آینده نزدیک در گذشته و فرمهای مختلف آن:

همانطوری که در صرف فعل آینده نزدیک (در صفحه ۳۹) اشاره شده در نفی این فعل بجای کلمه نفی « مه » و « ما » (بجز برای اول شخص مفرد و جمع) از کلمه نفی « مز » استفاده می‌شود. در صرف این فعل برای زمان گذشته ، اول شخص مفرد و جمع نیز (بجز در موارد کمی) با کلمه « مز » نفی می‌شود. برای روشن شدن هر چه بهتر طریقه نفی آن اکنون فعل آینده نزدیک را بوسیله کلمه نفی « مز » و « مه » در کنار هم صرف می‌کنیم :

شکلی که امروزه (بوسیله مز) مورد استفاده قرار می‌گیرد .	حالتی که با اصول زبان ترکی (بوسیله مه) ساخته شده ولی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.
من گلمزدیم mən gəlməzdim	من گلمه یردیم mən gəlməyərdim
سن گلمزدین sən gəlməzdin	سن گلمه یردین sən gəlməyərdin
او گلمزدی o gəlməzdi	او گلمه یردی o gəlməyərdi
بیز گلمزدیک biz gəlməzdik	بیز گلمه یردیک biz gəlməyərdik
سیز گلمزدینیز siz gəlməzdiniz	سیز گلمه یردینیز siz gəlməyərdiniz
اونلار گلمزدیلر olar gəlməzdilər	اونلار گلمه یردیلر onlar gəlməyərdilər

(۲-۱) حالت نفی فعل آینده نزدیک در گذشته دور :

شکلی که امروزه صرف می شود .	شکلی که با اصول است ولی صرف نمی شود.
من گلمزمیشم mən gəlməzmişəm	من گلمه یرمیشم gəlməyərmişəm
سن گلمزمیشسن sən gəlməzmişsən	سن گلمه یرمیشسن gəlməyərmişsən
او گلمزمیش o gəlməzmiş	او گلمه یرمیش gəlməyərmiş

(۲-۲) حالت نفی فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر :

شکلی که امروزه صرف می شود.	شکلی که با اصول است ولی صرف نمی شود.
من گلمزمیشدیم mən gəlməzmişdim	من گلمه یرمیشدیم mən gəlməyərmişdim
سن گلمزمیشدین sən gəlməzmişdin	سن گلمه یرمیشدین sən gəlməyərmişdin
او گلمزمیشدی o gəlməzmişdi	او گلمه یرمیشدی o gəlməyərmişdi

(۳) حالت سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته :

من گلردیم می ؟ mən gələrdimmi ؟ ، ییز گلردیک می ؟ biz gələrdikmi ؟
 سن گلردین می ؟ sən gələrdinmi ؟ ، سیز گلردینیز می ؟ siz gələrdinizmi ؟
 او گلردی می ؟ o gələrdimi ؟ ، اونلار گلردیلر می ؟ onlar gələrdilərmi ؟

(۳-۱) حالت سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته دور :

من گلرمیشم می ؟ mən gələrmişəmmi ؟
 سن گلر میش سن می ؟ sən gələrmişsənmi ؟
 او گلرمیش می ؟ o gələrmişmi ؟

(۳-۲) حالت سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته دورتر :

من گلرمیشدیم می ؟ mən gələrmışdimmi ?
 سن گلرمیشدین می ؟ sən gələrmışdinmi ?
 او گلرمیشدی می ؟ o gələrmışdimi

۴) حالت نفی سؤالی فعل آینده نزدیک در گذشته:

شکلی که امروزه صرف می شود.	شکلی که با اصول است ولی صرف نمی شود.
من گلمزیدیم می ؟ mən gəlməzdimmī?	من گلمه یردیم می ؟ mən gəlməyərdimmī?
من گلمزدین می ؟ sən gəlməzdinmī?	سن گلمه یردین می ؟ sən gəlməyərdinmī?
او گلمزیدی می ؟ o gəlməzdimi ?	او گلمه یردی می ؟ o gəlməyərdimi ?

۱) گذشته استمراری مصدری و فرمهای مختلف آن:

همانطور که قبلاً در رابطه با فعل مصدری توضیح داده شد ، فعل مصدری بوسیله پسوندهای « ده də » ، « دا da » به شکل فعل در زمان حال در آمده و صرف می شود.

۱-۱) گذشته استمراری مصدری به شکل زیر صرف می شود :

من گل مکده یدیم mən gəlməkdəydim	بیز گل مکده یدیک gəlməkdəydik
سن گل مکده یدین sən gəlməkdəydin	سبز گل مکده یدینیز gəlməkdəydiniz
او گل مکده یدی o gəlməkdəydi	اونلار گل مکده یدیلر gəlməkdəydilər

توجه : از اینکه آخرین حرف مصدر « ق q » و یا « ك k » بوده و هر دو آنها جزو حروف بی

صدای ضعیف می باشد ، پسوند « ده də » و « دا da » در کنار حروف ضعیف تبدیل

به « ته ta » و « تا tə » می گردد . مردم آذربایجان در صرف افعال به این تغییر صدا

زیاد اهمیت نداده و عمدتاً آنها را به شکل « ده də » و یا « دا da » و فقط در

موارد کمی آن را به شکل « تە tə » و « تا ta » صرف می کنند. بنا بر این بهتر است که به

هر دو شکل آن اشاره شود. مثال : مەن گەلمەکتەیدیم mən gəlməktəydim

سەن گەلمەکتەیدین sən gəlməktəydin

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پایینی می باشد ، به شکل زیر صرف می شود:

مەن آماقدایدیم ، سەن آماقدایدین ، او آماقدایدی و...

۲-۱) گذشته دور استمراری مصدری به شکل زیر صرف می شود :

مەن گەلمەكدەيميشەم mən gəlməkdəymişəm

سەن گەلمەكدەيميشەن sən gəlməkdəymişən

او گەلمەكدەيميش o gəlməkdəymiş

۳-۱) گذشته دورتر استمراری مصدری :

مەن گەلمەكدەيميشدیم mən gəlməkdəymişdim

سەن گەلمەكدەيميشدین sən gəlməkdəymişdin

او گەلمەكدەيميشدی o gəlməkdəymişdi

۲) حالت نفی گذشته استمراری مصدری :

نفی این فعل بوسیله کلمه نفی « دئگیل » به شکل زیر صورت می گیرد :

مەن گەلمەكدە دئگیل دیم mən gəlməkdə deyildim

سەن گەلمەكدە دئگیل دین sən gəlməkdə deyildin

او گەلمەكدە دئگیل دی o gəlməkdə deyildi

بیز گەلمەكدە دئگیل دیک biz gəlməkdə deyildik

سیز گەلمەكدە دئگیل دینیز siz gəlməkdə deyildiniz

اونلار گەلمەكدە دئگیل دیلر onlar gəlməkdə deyildilər

۱-۲) حالت نفی گذشته دور استمراری مصدری :

من گلمکده دئگیل میشم mən gəlməkdə deyilmişəm
 سن گلمکده دئگیل میس سن sən gəlməkdə deyilmişsən
 او گلمکده دئگیل میس o gəlməkdə deyilmiş

۲-۲) حالت نفی گذشته دورتر استمراری مصدری :

من گلمکده دئگیل میشدیم mən gəlməkdə deyilmişdim
 سن گلمکده دئگیل میشدین sən gəlməkdə deyilmişdin
 او گلمکده دئگیل میس دی o gəlməkdə deyilmişdi

۲-۳) حالت سؤالی گذشته استمراری مصدری

من گلمکده یدیم می ؟ mən gəlməkdəydimmī ?
 سن گلمکده یدین می sən gəlməkdəydinmī ?
 او گلمکده یدی می o gəlməkdəydimi?

۲-۴) حالت نفی سؤالی گذشته استمراری مصدری بوسیله « دئگیل » :

من گلمکده دئگیل دیم می ؟ mən gəlməkdə deyildimmī ?
 سن گلمکده دئگیل دین می ؟ sən gəlməkdə deyildinmī ?
 او گلمکده دئگیل دی می ؟ o gəlməkdə deyildimi ?

۲-۵) حالت نفی سؤالی فعل گذشته دور استمراری مصدری بوسیله « دئگیل » :

من گلمکده دئگیل میشم می ؟ mən gəlməkdə deyilmişəmmī ?
 سن گلمکده دئگیل میس سن می ؟ sən gəlməkdə deyilmişsənmī ?
 او گلمکده دئگیل میس می o gəlməkdə dəyilmişmi?

۲-۶) حالت نفی سؤالی فعل گذشته دورتر استمراری مصدری بوسیله « دئگیل » :

من گل مکده دئگیل میشدیم می ؟ ؟ mən gəlməkdə deyilmişdimmi ?
 سن گل مکده دئگیل میشدین می ؟ ؟ sən gəlməkdə deyilmişdinmi ?
 این فعل می تواند به شکل ؟ « mən gəlməktə deyilmişdimmi ? »

ماضی نقلی و فرمهای مختلف آن :

فعل ماضی نقلی بوسیله ریشه فعل و پسوند « ایب » همراه پسوند صرفی و ساخته شده و صرف می شود. حرف صدadar پسوند ماضی نقلی (ای i) تابع آخرین حرف صدadar ریشه فعل می باشد و در صرف (با هماهنگی بزرگ) به شکل « ib , ıb , ایب » و « ub , üb , اوب » هنباقی مانده و یا هنوز آن عمل تکرار می شود. مثال :

او غذا نمی خورد ، زیرا غذا خورده است یعنی سیراست و اثر خوردن هنوز ادامه دارد.

(« اؤ یئمک یئیپ آج دئگیل » ، یعنی « او غذا خورده است و گرسنه نیست . »)

– امروزه فعل ماضی نقلی را برای اول شخص مفرد و جمع صرف نمی کنند و بجای آن گذشته دور ماضی ساده (میش) را بکار می گیرند. ولی در بعضی اشعار قدیمی ماضی نقلی را برای اول شخص مفرد نیز صرف کرده اند (۱) .

ماضی نقلی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من گلبیم *mən gəlibəm* ، (بیز گلبییک : گفته نمی شود .)
 سن گلب سن *sən gəlibsən* ، سیز گلب سینیز *siz gəlibsınız*
 اؤ گلب *o gəlib* ، اونلار گلب لر *onlar gəliblər*
 ماضی نقلی را برای سوم شخص مفرد و جمع به شکل « میش » و « میشدی » نیز بکار می برند:
 سن گلب میش سن *sən gəlibmişsən* ، سیز گلب میش سینیز *siz gəlibmişsiniz*
 اؤ گلب میش *o gəlibmiş* ، اونلار گلب میش لر *onlar gəlibmişlər*
توجه : علامت ماضی نقلی « ایب » (*ib , üb* ..) همشکل با حرف ربطی « و » می باشد. اگر « ایب » در وسط جمله بدون صرف ضمائر شخصی بکار رود معنی « و » را می دهد . (اؤ گلب گتدی (اؤ گلدی و گتدی) . عبارت دیگر پسوند « دی » در پسوند « ایب » منعکس می شود .)

– به شعری از فضولی توجه کنید :

یار حال دلیمی زار بیلیدیر ، بیلیم دل زاریمدا نه کیم وار بیلیدیر ، بیلیم
yar hal dilimi zar bilibdir , bilibəm dil zarımda nə kim var bilibdir , bilibəm

(۱) فعل آینده (دور) و فرمهای مختلف آن :

فعل آینده دور در زبان ترکی بوسیله پسوند « اچک » که به فعل پیوند می‌خورد ساخته می‌شود. حرف صدادار علامت فعل آینده (اچک) وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل می‌باشد. اگر آخرین حرف صدادار ریشه فعل به یکی حروف آهنگ پائینی (a, ɪ, o, u) ختم شود، پسوند فعل آینده تبدیل به « آچاق » (acaq) و اگر ریشه فعل به حروف آهنگ بالائی (ə, i, e, ö, ü) ختم شود، پسوند فعل آینده تبدیل به « اچک » ə c ə k (با هماهنگی کوچک) می‌گردد :

$$\text{ə, e, i, ö, ü} = \text{əcək}$$

$$\text{a, ɪ, o, u} = \text{acaq}$$

فعل آینده همانند افعال دیگر به زمانهای مختلف قابل صرف می‌باشد. مثال :

۱-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از حروف آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) ختم

شود، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من گله جه یم	mən gələcəyəm	(من خواهم آمد)
سن گله جکسن	sən gələcəksən	(تو خواهی آمد)
او گله جک	o gələcək	(او خواهد آمد)
بیز گله جه ییک	biz gələcəyik	(ما خواهیم آمد)
سیز گله جک سینیز	siz gələcəksiniz	(شما خواهید آمد)
اونلار گله جکلر	onlar gələcəklər	(آنها خواهند آمد)

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, ɪ, o, u)

ختم شود، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من آلاچاغام	mən alacağam	(من خواهم گرفت)
سن آلاچاقسان	sən alacaqsan	(تو خواهی گرفت)

اؤ آلاچاق (دیر)	o alacaq(dır)	(او خواهد گرفت)
بیز آلاچاقیق	biz alacağq	(ما خواهیم گرفت)
سیز آلاچاقسینیز	siz alacaqsınız	(شما خواهید گرفت)
اونلار آلاچاقلار	onlar alacaqlar	(آنها خواهند گرفت)

— حرف « ق » و « ك » در میان دو حرف صدادار به « غ » و « یه » تبدیل میشود.

(۲) حالت نفی فعل آینده :

نفی فعل آینده بوسیله حروف نفی « ما » و « مه » صورت می گیرد. فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی ختم (ə, e, i, ö, ü) شود به شکل زیر نفی می شود:

من گلمه یه جه یم	mən gəlməyəcəyəm	(من نخواهم آمدم)
سن گلمه یه جك سن	sən gəlməyəcəksən	
اؤ گلمه یه جك	o gəlməyəcək	
بیز گلمه یه جه ییک	biz gəlməyəcəyik	
سیز گلمه یه جك سینیز	siz gəlməyəcəksiniz	
اونلار گلمه یه جك لر	onlar gəlməyəcəklər	

این فعل در محاوره به شکل « mən gəlmİYəcəyəm » نیز صرف می شود.

(۲-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, ɪ, o, u) ختم شود ، به

شکل زیر نفی و برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

من آلمایاچاغام	mən almayacağam	(من نخواهم گرفت)
سن آلمایاچاقسان	sən almayacaqsan	
اؤ آلمایاچاق	o almayacaq	
بیز آلمایاچاقیق	biz almayacağq	

سيز آلماياجاقسينيز siz almayacaqsınız

اونلار آلماياجاقلار onlar almayacaqlar

اين فعل در محاور به شکل « almiyacağam » نیز صرف می شود.

۳) حالت سؤالی فعل آینده

من گله جه یم می ؟ mən gələcəyəmmi (آیا من خواهم آمد)

سن گله جک سن می ؟ sən gələcəksənmi (آیا تو خواهی آمد)

او گله جک می ؟ o gələcəkmi (آیا او خواهد آمد)

بیز گله جه ییک می ؟ biz gələcəyikmi

سيز گله جک سینیز می ؟ siz gələcəksinizmi

اونلار گله جک لرمی ؟ onlar gələcəklərmi

۴) حالت نفی سؤالی فعل آینده :

نفی سؤالی فعل آینده به شکل زیر صرف می شود: (آیا من نخواهم آمد)

من گلمه یه جه یم می ؟ mən gəlməyəcəyəmmi ?

سن گلمه یه جک سن می ؟ sən gəlməyəcəksənmi ?

او گلمه یه جک می ؟ o gəlməyəcəkmi ?

بیز گلمه یه جه ییک می ؟ biz gəlməyəcəyikmi ?

سيز گلمه یه جک سینیز می ؟ siz gəlməyəcəksinizmi ?

اونلار گلمه یه جک لرمی ؟ onlar gəlməyəcəklərmi ?

۵) صرف فعل آینده در گذشته و فرمهای مختلف آن :

فعل آینده همانند افعال دیگر به زمانهای مختلف گذشته بوسیله ماضی فعل « ايمك » قابل صرف می باشد. مثال :

من گله جه یدیم ، من گله جه یمیشدیم ...

فعل مذکور زمانی بکار گرفته می شود که کسی بخواهد تصمیم خود را که برای به انجام رساندن عملی در زمان گذشته برای آینده داشته بیان کند . مثال :

من هفته قبل تصمیم داشتم که شب جمعه هفته قبل بیدار شما بیایم ولی روز جمعه سخت مریض شدم و نیامدم .

من گئچن هفته جمعه آخشامی سیزه گله جه یدیم ، [هفته قبل ، قبل از شب جمعه تصمیم داشتم که شب جمعه به خانه شما بیایم] آما جمعه گونو مریض اولدوم گلنمه دیم . [اما روز جمعه مریض شدم و نتوانستم بیایم .] بعبارتی هفته قبل تصمیم گرفته بودم که شب جمعه بخانه شما بیایم . شب جمعه ای که به نسبت روزهای هفته گذشته ، آینده بحساب می آید و آینده ای که خود نیز امروز گذشته محسوب می شود . (آینده در گذشته) . « فعل آینده در گذشته » مفهوم دیگری نیز همانند جمله شرطی در زمان گذشته بخود می گیرد . (توجه شود که این فعل ، فعل شرطی نمی باشد) . بعبارتی اگر گفته شود که من تصمیم گرفته بودم بیایم . یعنی « من گله جه یدیم » ، بلا فاصله این سوال پیش می آید که چرا نیامدید . در جواب گفته می شود که من در روز جمعه مریض شدم . علاوه بر آن ، اگر گفته شود که من تصمیم گرفته بودم بیایم به این معنی نیز است که نتوانسته ام بیایم . بعبارتی تصمیم مذکور با عدم موفقیت روبرو بوده است . فعلی که مفاهیم فوق را بیان کند « فعل آینده در گذشته » نامیده می شود که می توان آن را در جمله برای يك و یا هر سه مفهوم ذکر شده بکار برد . این فعل به شکل زیر صرف می شود :

۵-۱) فعل آینده در گذشته

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی [ü, ö, i, e, ə] ختم شود به شکل زیر

صرف می‌شود. مثال :

mən gələcəydim	من گله جه یدیم	(تصمیم براین بود که بیایم)
sən gələcəydin	سن گله جه یدین	
o gələcəydi	او گله جه یدی	
biz gələcəydik	بیز گله جه یدیک	
siz gələcəydiniz	سیز گله جه یدینیز	
onlar gələcəydilər	اونلار گله جه یدیلر	

– حرف « ك » (gələcək) در میان دو حرف صدادار به « یه » (gələcəydim) تبدیل می‌شود .

۵-۲) صرف فعل آینده در گذشته دور

mən gələcəymişəm	من گله جه یمیشم	
sən gələcəymişsən	سن گله جه یمیش سن	
o gələcəymiş	او گله جه یمیش	
biz gələcəymişik	بیز گله جه یمیشیک	
siz gələcəymişsiniz	سیز گله جه یمیش سینیز	
onlar gələcəymişlər	اونلار گله جه یمیش لر	

۵-۳) صرف فعل آینده در گذشته دورتر

mən gələcəymişdim	من گله جه یمیشدیم	
sən gələcəymişdin	سن گله جه یمیشدین	
o gələcəymişdi	او گله جه یمیشدی	

۵-۴) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم می‌شود :

فعل آینده در گذشته :

mən ağlayacağ (ı) dım من آغلایا جاغیدیم

sən ağlayacağ (ı) dın سن آغلایا جاغیدین

o ağlayacağ (ı) dı او آغلایا جاغیدی

توجه : گذشته این فعل می تواند به شکل اصلی خود (مثل: idi) نیز صرف شود.

۵-۵) فعل آینده در گذشته دور

mən ağlayacağ (ı) mışam من آغلایا جاغیمیشام

۵-۶) فعل آینده در گذشته دورتر

mən ağlayacağ (ı) mışdım من آغلایا جاغیمیشدیم

۵-۷) حالت نفی سوالی فعل آینده در گذشته :

نفی سوالی فعل آینده در گذشته به شکل زیر صرف می شود . مثال :

mən gəlməyəcəy(i)dimmi? من گلمه یه جه یدیم می ؟

sən gəlməyəcəy(i)dinmi? سن گلمه یه جه یدین می ؟

o gəlməyəcəy(i)dimi? او گلمه یه جه یدی می ؟

۱) کلمه سازی بوسیله پسوند فعل آینده

هرگاه ریشه فعل را با پسوند آینده (« آجک » و « آجاق » با هماهنگی کوچک)

پیوند دهیم کلمه جدیدی بوجود می آید . مثال :

- گله جک gələcək (آینده)

گله جک زمان gələcəkzaman (زمان آینده)

- آلا جاق alacaq (طلب)

آلاجاغیم	alacağım (طلب من)
- وِرَجَك	verəcək (بدهی)
وئرجه ییم	verəcəyim (بدهی من)
- دوشونه جک	düşünəcək (ادراك)
دوشونه جه ییم	düşünəcəyim (فهم وادراك من)

(۱-۱) کلمه ای که بوسیله پسوند فعل آینده (اجك ، آجاق) ساخته شده (کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم می شود). به شکل زیر صرف می شود :

منیم آلاجاغیم	mənim alacağım (طلب من)
سنیین آلاجاغین	sənin alacağın (طلب تو)
اؤنون آلاجاغی	onun alacağı (طلب او)
بیزیم آلاجاغیمیز	bizim alacağımız (طلب ما)
سیزین آلاجاغینیز	sizin alacağınız (طلب شما)
اؤنلارین آلاجاقلاری	onların alacakları (طلب آنها)

حرف « ق » در میان دو حرف صدادار به « غ » تبدیل می شود .

(۱-۲) کلمه ای که بوسیله پسوند آینده (اجك) ساخته شود به شکل زیر در حالت های مختلف تصریفی صرف می شود :

حالت فاعلیت :	منیم گله جه ییم	mənim gələcəyim (آینده من)
حالت مفعول با واسطه :	منیم گله جه ییمه	mənim gələcəyimə (به آینده من)
حالت با واسطه با حرف اضافی در :	منیم گله جه ییم ده	mənim gələcəyimdə (در آینده من)
حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از :	منیم گله جه ییم دن	mənim gələcəyimdən (از آینده من)
حالت بیواسطه :	منیم گله جه ییمی	mənim gələcəyimi (آینده مرا)
حالت اضافه ملکی :	منیم گله جه ییمین	mənim gələcəyimin (مال آینده من)

فعل فاعلیت صفتی (فعل انعکاسی) و فرمهای مختلف آن :

هر وقت حروف an, ən را به ریشه فعل پیوند دهیم کلمه ترکیبی جدیدی بوجود می‌آید. اگر کلمه مذکور را برای ضمائر شخصی صرف کنیم، به شکل فعل ظاهر می‌شود و عملی را (مثل : « فاعلیت صفتی » ، « توان داشتن ») در فاعل و فاعل را در خود به شکل منعکسه بیان می‌کند. مثال :

من گلنم ، من آن هستم که می‌آیم (می‌توانم بیایم ، توان آمدن دارم) ولی اگر کلمه مذکور را به شکل فعل صرف نکنیم با مفاهیم دیگری در جمله به شکل زیر بکار گرفته می‌شود : اسم فاعلی : بیننده (گورن) ،

صفت فاعلی : رونده (گئدن) ، صفت مشبیه : شنوا (ئشیدن) و ..

کلمه انعکاسی : او گلن کیم دیر ؟ آن که می‌آید ، چه کسی است ؟

او گلن هارالی دیر ؟ آن که می‌آید ، اهل کجاست ؟ و ...

– صرف فعل فاعلیت صفتی برای ضمائر شخصی بدون قید زمانی مفهوم زمان حال و آینده نزدیک را دارد که به گذشته‌های مختلف نیز قابل صرف می‌باشد ؛ ولی صرف آن به شکل امری و ... به کمک فعل « اولماق » در جمله امکان پذیر است .

۱-۱) ریشه فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü)

ختم شود (با هماهنگی کوچک) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال:

من گلنم	mən gələnəm	(من آن هستم که می‌آیم)
سن گلن سن	sən gələnsən	(تو آن هستی که می‌آیی)
او گلن دیر	o gələndir	(او آن است که می‌آید)
بیز گلن یک	biz gələnək	(ما آنهایی هستیم که می‌آییم)
سبز گلن سینیز	siz gələnsiniz	(شما آنهایی هستید که می‌آید)
اونلار گلن دیرلر	onlar gələndirlər	(آنها آنهایی هستند که می‌آیند)

۱-۲) ریشه فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a, i, o, u = a)

ختم شود به شکل زیر صرف می شود. مثال : اگر پرسیده شود نویسنده این کتاب کیست ؟ در جواب می توان گفت: بوکیتابی یازان منم (نویسنده این کتاب من هستم).

من یازانام mən yazanam (من آن هستم که نوشته ام)
 سن یازان سان sən yazansan
 او یازان دیر o yazandır

۱-۳) حالت نفی فعل فاعلیت صفتی

نفی این فعل بوسیله کلمه « دئگیل » ، « مه » و « مز » صورت می گیرد. نفی این فعل را (برعکس خود فعل) می توان به شکل زمان حال (بوسیله پسوند ir باهماهنگی بزرگ) و به شکل آینده نزدیک (بوسیله پسوند ar و ər با هماهنگی کوچک) صرف کرد :

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ə , e , i , ö , ü) ختم شود

به شکل زیر با کلمه « دئگیل » در جمله نفی و صرف می شود:

من گلن دئگیلم mən gələn deyiləm (من آن نیستم که می آیم)
 سن گلن دئگیل سن sən gələn deyilsən (تو آن نیستی که می آیی)
 او گلن دئگیل o gələn deyil (او آن نیست که می آید)

b) نفی فعل فاعلیت صفتی بوسیله « مه » ، « مز » :

اگر این فعل بوسیله « مه » و « مز » نفی شود مفهومی همانند فعل کمکی بخود می گیرد. (فعل آینده نزدیک با هماهنگی کوچک صرف می شود) مثال :

من گلن مه رم mən gələn mərəm (من نمی توانم بیایم)
 سن گلن مه زسن sən gələn məzsən (تو نمی توانی بیایی)
 او گلن مز o gələn məz (او نمی تواند بیاید)

نفي فعل فاعليت صفتی در زمان حال به شکل زیر می باشد:

من گلن میرم mən gələnmirəm ، ییز گلن میریک biz gələnmirik
 سن گلن میرسن sən gələnmirən ، سیز گلن میرسینیز siz gələnmirsiniz
 او گلن میر o gələnmir ، اونلار گلن میرلر onlar gələnmirlər

۵-۱) صرف سؤالی فعل فاعليت صفتی بوسیله « می » به شکل زیر می باشد:

(آیا من آن هستم که می آیم)

من گلنم می mən gələnəmmi ?

سن گلن سن می sən gələnsənmi ?

او گلن (دیر) می o gələn(dir)mi ?

۶-۱) نفي سؤالی فعل فاعليت صفتی بوسیله « دئگیل » به شکل

زیر صرف می شود : (آیا من آن نیستم که می آیم)

من گلن دئگیلم می mən gələn deyiləmmi ?

سن گلن دئگیل سن می sən gələn deyilsənmi ?

او گلن دئگیل (دیر) می o gələn dəyil (dir) mi ?

۲) گذشته فعل فاعليت صفتی :

در صرف گذشته این فعل پسوند ماضی به فرم « دی » و « میش » مخفف نشده

بلکه به شکل اصلی خود (« ایدی » و « ایمیش ») بکار گرفته می شود :

من گلن ایدیم mən gələnidim

سن گلن ایدین sən gələnidin

او گلن ایدی o gələnidi

نفي گذشته استمراری فعل مذکور : من گلن میردیم mən gələnirdim

نفی فعل آینده نزدیک در گذشته : من گلن مزدیم mən gələnməzdim

(۲-۱) حالت نفی گذشته فعل فاعلیت صفتی :

گذشته : من گلن دئگیل دیم mən gələn deyildim

(۲-۲) حالت نفی سؤالی گذشته فعل فاعلیت صفتی :

گذشته : من گلن دئگیل دیم می ? mən gələn deyildimmi

(۳) صرف فعل فاعلیت صفتی به کمک « اؤلماق » در جمله :

فعل فاعلیت صفتی به تنهائی به شکل « امری » و یا به « زمان آینده » قابل صرف نمی باشد. ولی این فعل را می توان به کمک فعل « اؤلماق » (شدن) نه تنها به شکل امری و یا به زمان آینده صرف کرد بلکه به اشکال مختلف صرف شده نیز بکار گرفت. فعل فاعلیت صفتی در جملات مذکور مفاهیم « اسم فاعلی » ، « صفت فاعلی » ، « صفت مشبیه » و « کلمه انعکاسی » را نیز در خود منعکس می کند.

(۳-۱) صرف امری فعل فاعلیت صفتی بکمک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر می باشد:

(این افعال به شکل امری بندرت صرف می شوند. معنی آن یعنی

تو آن کسی باش که قادر به آمدن باشد [بتواند بیاید] .)

من گلن اولوم mən gələn olum

سن گلن اول sən gələn ol

او گلن اولسون o gələn olsun

(۳-۲) نفی امری فعل فاعلیت صفتی بوسیله « مه » و « ما » در جمله به شکل زیر

صرف می شود:

من گلن اولمایم mən gələn olmayım (olmam)

سن گلن اولما sən gələn olma

اؤ گلن اولماسین o gələn olmasın

۳-۳) گذشته های مختلف فعل فاعلیت صفتی بکَمْک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

گذشته : من گلن اولدوم mən gələn oldum
 گذشته دور : من گلن اولموشام mən gələn olmuşam
 گذشته دورتر : من گلن اولموشدوم mən gələn olmuşdum

۴) صرف فعل فاعلیت صفتی در زمان حال به کَمْک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر می باشد :

من گلن اولورام mən gələn oluram
 سن گلن اولورسان sən gələn olursan
 اؤ گلن اولور o gələn olur

۱-۴) نفی فعل فاعلیت صفتی در زمان حال به کَمْک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

من گلن اولمورام mən gələn olmuram
 سن گلن اولمورسان sən gələn olmursan
 اؤ گلن اولمور o gələn olmur

۲-۴) گذشته های مختلف استمراری فعل فاعلیت صفتی بکَمْک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود .

گذشته : من گلن اولوردوم mən gələn olurdum
 گذشته دور : من گلن اولورموشام mən gələn olurmuşam
 گذشته دورتر : من گلن اولورموشدوم mən gələn olurmuşdum

۵) صرف آینده نزدیک فعل فاعلیت صفتی به شکل زیر به

كمك « اۇلماق » در جمله بكار گرفته مى شود :

mən gələn olaram من گلن اۇلارام

sən gələn olarsan سن گلن اۇلارسان

o gələn olar اۇ گلن اۇلار

۱-۵) نفی آينده نزديك فعل فاعليت صفتى به كمك « اۇلماق » در جمله به شكل زیر

برای ضمائر شخصى صرف مى شود :

mən gələn olmaram من گلن اۇلمارام

sən gələn olmazsan سن گلن اۇلمازسان

(sən gələn olmayarsan سن گلن اۇلمايارسان)

o gələn olmaz اۇ گلن اۇلماز

۲-۵) صرف آينده نزديك فعل فاعليت صفتى در گذشته هاى مختلف به كمك

« اۇلماق » در جمله به شكل زیر مى باشد :

mən gələn olardım من گلن اۇلاردیم گذشته :

sən gələn olarmışsan سن گلن اۇلارمیشسان گذشته دور :

o gələn olarmışdı اۇ گلن اۇلارمیشدی گذشته دورتر :

۶) صرف آينده فعل فاعليت صفتى به كمك « اۇلماق »

در جمله بكار گرفته مى شود :

mən gələn olacağam من گلن اۇلاجاغام

sən gələn olacaqsan سن گلن اۇلاجاقسان

o gələn olacaq اۇ گلن اۇلاجاق

مثال : بۇ ايت قاپاغان اۇلاجاق . . bu it kapağan olacaq .

بۇ قۇزو وۇراغان اۇلاجاق . bu quzu vurağan olacaq .

۱-۶) نفی آینده (اچك) فعل فاعليت صفتى بكمك « اۇلماق » در جمله به شكل زير مى باشد :

mən gələn olmayacağam	من گلن اۇلماياجاغام
sən gələn olmayacaqsan	سن گلن اۇلماياجاقسان
o gələn olmayacaq	او گلن اۇلماياجاق

۷) صرف ماضى نقلی فعل فاعليت صفتى بكمك « اۇلماق » در جمله :

sən düşünən (adam) olubsan	سن دوشونن (آدام) اۇلوبسان
o düşünən (adam) olub	او دوشونن (آدام) اۇلوب
siz düşünən (adam) olubsunuz	سيز دوشونن (آدام) اۇلوبسونوز
onlar düşünən(adam) olublar	اۇنلار دوشونن (آدام) اۇلوبلار

کلمه سازى بوسيله فعل فاعليت صفتى

با اضافه کردن حروف « də,da » به فعل فاعليت صفتى مى توان آن را به کلمه جديدى مبدل ساخت. فعل فاعليت صفتى با پسوند də,da مفهوم همچون « در همان شروع » ، « در همان آغازين » ، « در همان لحظه اولين » کارى را بيان مى کند. مثال :

mən gələndə	من گلنده	(لحظه اى که من آمدم)
sən gələndə	سن گلنده	(لحظه اى که تو آمدی)
o gələndə	او گلنده	(لحظه اى که او آمد)
biz gələndə	بیز گلنده	(لحظه اى که ما آمدیم)
siz gələndə	سيز گلنده	(لحظه اى که شما آمدید)

اۇنلار گلندە onlar gələndə (لحظه ای که آنها آمدند)

توجه : - توجه شود که این فعل زمان مشخصی گذشته و حال آینده انعکاس نمی کند .

- کلمات مذکور در جملات مختلف به شکل زیر بکار گرفته می شوند:

- اۇشاق ایتی گۆرنده آغلادی . (در همان لحظه ای که بچه سگ را دید گریه کرد .)

uşaq iti görəndə ağladı .

به شکل زمان حال: من سنی گۆرنده سئوینیرم. mən səni görəndə sevinirəm.

به شکل آینده نزدیک: سن دئینده من گلم. sən deyəndə mən gələrəm.

به شکل ماضی: من سنی گۆرنده سئویندیم . (من وقتی که تو را دیدم خوشحال شدم .)

mən səni görəndə sevindim .

- من قاپیدان چیخاندا سنی گۆردوم . (من لحظه ای که از در بیرون آمدم تورا

مشاهده کردم .) mən qapıdan çıxanda səni gördüm .

- من گونه باخاندا گۆزلریم قاماشدی . (لحظه ای که من به خورشید نگاه کردم چشمانم

پرپرزد [سیاهی زد] .) mən günə baxanda gözlərim qamaşdı .

- به سه جمله زیر که تا حدودی به هم شبیه اند توجه کنید :

الف) گذشته استمراری : قۇش گویده اۇچوردی (دو) کی وۇرولدی (دی) .

پرنده در آسمان پرواز می کرد که زده شد. quş göydə uçurdi ki , vuruldi .

ب) گذشته به شکل مصدری : قۇش اۇچماقدایدی کی وۇرولدی (دی)

quş uçmaqdaydi ki vuruldi . پرنده در حال پرواز کردن بود که زده شد.

پ) لحظه آغازین کار : قۇش اۇچاندا وۇرولدی . guş uçanda vuruldi .

(پرنده همان لحظه ای که شروع به پرواز کرد زده شد .)

توجه: با وجودی که کلمه مذکور در جمله بوسیله فعل به زمانهای مختلف صرف شده ، ولی کلمه

قید زمانی نیز باید همراه داشته باشد. سن دونن ائوه گلنده من سنه سلام وئردیم.

۱) فعل کمکی و فرمهای مختلف آن :

فعل کمکی بوسیله ریشه فعل « بيلمك bilmək » (دانستن) همراه فعل دیگر ساخته می شود. فعل « بيلمك » (بیل) با افعال دیگر پیوند می خورد و بین آنها نیز يك حرف اضافی پیوندی « آ » یا « آ » (a , ə) افزوده می شود و برای مثال فعل « گل » به شکل « گله بیل gəl ə bil » در می آید.

در ساختن افعال کمکی (مرکب کمکی) حرف اضافی « a , ə » را به فعل اولی پیوند داده و فعل دومی را جدا (به شکل « گله بیل gəl ə bil ») می نویسند. به نظر می رسد که دلیل جدا نوشتن آن خط عربی باشد .

چرا که با خط عربی حرف « آ » آخری را به شکل « ه » نوشته و حرف « ه » (ə) و « آ a » را در آخر کلمه نمی توان به حرف بعدی پیوند داد. مثال:

گله بیل (سعی کن که بتوانی بیائی) ، دئییه بیل (سعی کن که بتوانی بگوئی) ، آلا بیل (سعی کن که بتوانی بگیری) و

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از حروف آهنگ بالائی e,ə,i,ö,ü ختم شود ، به شکل زیر به ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

۱-۱) حالت امری فعل کمکی : (سعی کن که بتوانی بیائی)

من	گله بیلیم	mən gəl ə bilim	بیز	گله بیلک	biz gəl ə bilək
سن	گله بیل	sən gəl ə bil	سیز	گله بیلین	siz gəl ə bilin
اؤ	گله بیلسین	o gəl ə bilsin	اؤنلار	گله بیلسینلر	onlar gəl ə bilsinlər

توجه : جدا نوشتن فعل مذکور (گله - بیل) ، فعل اولی (گله) را به شکل « فعل آرزوئی » در

می آورد و از این روست که فعل کمکی کمی جنبه « آرزوئی » نیز به خود می گیرد. زیرا

حرف « a , ə » در آخر فعل علامت مخصوص « فعل آرزوئی » می باشد .

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی می باشد :

من گله بیلسم ، سن گله بیلسن ، او گله بیلسه
بیز گله بیلسک ، سیز گله بیلسه نیز ، اونلار گله بیلسه لر

۱-۱) نفی فعل امری کمکی بوسیله «مه» و «ما» به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من گله بیلمه ییم mən gələ bilmim ، بیز گله بیلمه یك biz gələ bilməyək
سن گله بیلمه sən gələ bilmə ، سیز گله بیلمه یین siz gələ bilməyin
او گله بیلمه سین o gələ bilməsin ، اونلار گله بیلمه سینلر onlar gələ bilməsinlər

۱-۲) گذشته های مختلف فعل کمکی به شکل زیر می باشد : گذشته :

من گله بیلدیم mən gələ bildim
سن گله بیلدین sən gələ bildin
او گله بیلدی o gələ bildi

گذشته دور : من گله بیلmişəm mən gələ bilmişəm
گذشته دورتر: من گله بیلmişdim mən gələ bilmişdim

۲) حالت فعل کمکی در زمان حال به شکل زیر می باشد :

من گله بیلیرم mən gələ bilirəm ، بیز گله بیلیریک biz gələ bilirik
سن گله بیلیرسن sən gələ bilirsən ، سیز گله بیلیرسینیز siz gələ bilirsiniz
او گله بیلیر o gələ bilir ، اونلار گله بیلیرلر onlar gələ bilirlər

- فعلی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد :

من آلا بیلیرم ، سن آلا بیلیرسن ، او آلا بیلیر
بیز آلا بیلیریک ، سیز آلا بیلیرسینیز ، اونلار آلا بیلیرلر .

۲-۱) حالت نفی فعل کمکی در زمان حال به شکل زیر می باشد:

من گله بیلیرم mən gələ bilmirəm ، بیز گله بیلیردیک
 سن گله بیلیرسن sən gələ bilmirsən ، سیز گله بیلیردینیز
 او گله بیلیر o gələ bilmir ، اونلار گله بیلیردیلر

۲-۲) گذشته های مختلف استمراری فعل کمکی به شکل زیر می باشد:

گذشته : من گله بیلیردیم mən gələ bilirdim
 گذشته دور : من گله بیلیرمیشم mən gələ bilirmişəm
 گذشته دور تر : من گله بیلیرمیشدیم mən gələ bilirmişdim

۲-۳) حالت نفی گذشته های مختلف استمراری فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

گذشته : من گله بیلیردیم mən gələ bilmirdim
 گذشته دور : من گله بیلیرمیشم mən gələ bilmirmişəm
 گذشته دورتر : من گله بیلیرمیشدیم mən gələ bilmirmişdim

– اصل فعل: من « gələ bilmiyirdim » می باشد که آن مخفف شده است

۳) صرف آینده نزدیک فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

من گله بیلرم mən gələ bilərəm
 سن گله بیلرسن sən gələ bilərsən
 او گله بیلر o gələ bilər
 بیز گله بیلریک biz gələ bilərik
 سیز گله بیلرسینیز siz gələ bilərsiniz
 اونلار گله بیلرلر onlar gələ bilərlər

۳-۱) نفی آینده نزدیک فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

شکلی که امروزه صرف می‌شود . (فرم اصلی فعل)

mən gələ bilməyəm	من گله بیلمه رم	(gələ bilməyəm)
sən gələ bilməzsən	سن گله بیلمزسن	(gələ bilməyəsən)
o gələ bilməz	او گله بیلمز	

۲-۳) صرف آینده نزدیک فعل کمکی در گذشته های مختلف به شکل زیر می‌باشد :

mən gələ bilərdim	من گله بیلردیم	گذشته :
mən gələ bilərmişəm	من گله بیلرمیشم	گذشته دور :
mən gələ bilərmişdim	من گله بیلرمیشدیم	گذشته دورتر :

۳-۳) نفی آینده نزدیک فعل کمکی در گذشته های مختلف به شکل زیر می‌باشد:

mən gələ bilməyərdim	من گله بیلمه یه ردیم	گذشته : به جای :
mən gələ bilməzdim	من گله بیلمزیدیم	گفته میشود :
mən gələ bilməyərmışəm	من گله بیلمه یه رمیشم	گذشته دور: بجای :
mən gələ bilməzmişəm	من گله بیلمزمیشم	گفته میشود :
mən gələ bilməyərmışdim	من گله بیلمه یه رمیشدیم	گذشته دورتر: بجای :
mən gələ bilməzmişdim	من گله بیلمزمیشدیم	گفته میشود :

۴) صرف آینده فعل کمکی (با جک) به شکل زیر می‌باشد :

mən gələ biləcəyəm	من گله بیله جه یم	
sən gələ biləcəksən	سن گله بیله جک سن	
o gələ biləcək	او گله بیله جک	
biz gələ biləcəyik	بیز گله بیله جه ییک	
siz gələ biləcəksiniz	سیز گله بیله جک سینیز	
onlar gələ biləcəklər	اونلار گله بیله جکلر	

۳-۱) نفی آینده فعل کمکی به شکل زیر می باشد :

mən	gələ bilməyəcəyəm	من گله بيلمه يه جه يم
sən	gələ bilməyəcəksən	سن گله بيلمه يه جك سن
o	gələ bilməyəcək	او گله بيلمه يه جك

کلمه سازی جدید بوسیله فعل کمکی و پسوند مصدری

فعل کمکی را با پسوند مصدری می توان به شکل مصدر در آورد و در جملات مختلف با مفهوم جدیدی بکار برد. برای مثال به ترکیب کلمات زیر توجه کنید :

آلا بيلمك	ala bilmək	(بتوان گرفت)
گله بيلمك	gələ bilmək	(بتوان آمد)
ائده بيلمك	edə bilmək	(بتوان کاری را انجام داد)
يئيه بيلمك	yeyə bilmək	(بتوان خورد)
گوله بيلمك	gülə bilmək	(بتوان خندید)
اؤخويا بيلمك	oxuya bilmək	(بتوان خواند)
گۆره بيلمك	görə bilmək	(بتوان دید)

توجه : از اینکه آخر کلمات مصدری مذکور با فعل کمکی (بيلمك) ساخته شده و از اینکه آخرین

حرف صدادار فعل « بيل bil » حرف « i » می باشد ، در نتیجه کلیه پسوندهای مصدری آن

بوسیله پسوند mək بکار گرفته می شوند. مثل :

گوره بيلمك görə bilmək ، آلا بيلمك ala bilmək

کلمات مذکور به شکل زیر بکار گرفته می شوند . مثال :

منيم آلا بيلمه ييم məmim ala bilməyim (طريقه [توان] گرفتن من)

منيم گله بيلمه ييم mənim gələ bilməyim (توان [طريقه] آمدن من)

کلمه سازی تشبیهی با فعل کمکی بيلمك :

اگر ریشه فعل « بيلمك » را به همراه کلمه « ائله elə » بکار بریم . کلمه تشبیهی به شکل « ائله بيل elə bil » ساخته می شود. مثال :

- o oğlan elə bil div(dev)dir. آن پسر مثل دیو است. او اۇغلان ائله بيل دئودير.
- o qiz elə bil çiçəkdir. آن دختر مثل گل است. او قيز ائله بيل چيچکدير.
- o quzu elə bil camışdır. آن بره مثل گاومیش است. او قۇزو ائله بيل جاميشدير.
- bu ev elə bil dağdır. این خانه مثل يك کوه می ماند. بۇ ائو ائله بيل داغدير.

(۱) فعل کمکی با علامت فاعلیت صفتی :

اگر پسوند فعل فاعلیت صفتی (an , ən) را به فعل کمکی پیوند دهیم ، فعل جدیدی به نام فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر در می آید . مثال :

- گلە بيلن gələ bilən (آن کسی که توانائی آمدن دارد)
- گئده بيلن gədə bilən (آن کسی که توانائی رفتن دارد)
- يئيه بيلن yeyə bilən (آن کسی که توانائی خوردن دارد)

(۱-۱) فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

(من آن کسی هستم که می توانم بیایم .)

من گلە بيلنم mən gələ bilənəm

سن گلە بيلن سن sən gələ bilənsən

او گلە بيلن (دير) o gələ bilən (dir)

(۱-۲) نفی فعل کمکی فاعلیت صفتی بوسیله « مه » و « دئگیل » صورت می گیرد :

نفی آن بوسیله « مه » و « ما » به شکل زیر صرف می شود. مثال :

(من آن کسی هستم که نتوانستم بیایم .)

mən gələ bilməyənam من گله بيلمه يه نم
sən gələ bilməyənsən سن گله بيلمه ين سن
o gələ bilməyən (dir) او گله بيلمه يه ن (دير)

۳-۱) نفی فعل کمکی فاعلیت صفتی بوسیله کلمه « دئگیل » با مفهوم دیگر به شکل

زیر نفی و صرف می باشد : (« من آن کسی نیستم که بتوانم بیایم . »)

mən gələ bilən deyiləm من گله بیلن دئگیلم
sən gələ bilən deyilsən سن گله بیلن دئگیل سن
o gələ bilən deyil (dir) او گله بیلن دئگیل (دير)

۳-۱) گذشته های مختلف فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر است :

mən gələ bilən idim من گله بیلن یدیم گذشته .
mən gələ bilən imişəm من گله بیلن یمیشم گذشته دور :
mən gələ bilən imişdim من گله بیلن یمیشدیم گذشته دورتر :
در صرف این فعل ، حرف صدادار پسوند ماضی (i) را مخفف نمی کنند .

۵-۱) نفی گذشته های مختلف فعل کمکی فاعلیت صفتی با کلمه « دئگیل » به

شکل زیر صورت می گیرد :

mən gələ bilən deyildim من گله بیلن دئگیل دیم نفی گذشته :
sən gələ bilən deyilmişsən سن گله بیلن دئگیل میشسن نفی گذشته دور :
o gələ bilən deyilmişdi او گله بیلن دئگیل میشدی نفی گذشته دورتر :

۲) کلمه سازی بوسیله فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری:
 اگر حرف پیوندی (ə,a) فعل کمکی را حذف کرده و بجای آن يك پسوند مصدری
 (« مك» و یا « ماق ») اضافه کنیم کلمه تازه ای با مفهومی جدید بوجود می آید. مثال:
 (توانائی انجام کاری را داشتن)

اۆزمك بيلمك üzmək bilmək (شنا کردن [توانستن] بلد بودن)

يازماق بيلمك yazmaq bilmək

دانیشماق بيلمك danışmaq bilmək

کلمات مذکور در جمله به شکل زیر بکار گرفته می شوند :

بۇ زمانه ده هرکیمه يازماق بيلمك لازيم دير. (در این زمانه هرکس الزاماً باید نوشتن بلد
 باشد) بداند. bu zəmanədə hər kimə yazmaq bilmək lazımdır.

– کلمات مذکور که بوسیله فعل کمکی همراه دو پسوند مصدری بوجود می آیند ، با
 حذف آخرین پسوند مصدری به شکل ریشه فعل در آمده و به اشکال مختلف زیر
 صرف می شوند . مثال :

۳) صرف امری فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری
 به شکل زیر می باشد:

من اۇخوماق بيليم mən oxumaq bilim (من خواندن بدانم)

سن اۇخوماق بيل sən oxumaq bil (تو خواندن بدان)

او اۇخوماق بيلسين o oxumaq bilsin (او خواندن بداند)

بیز اۇخوماق بيله ك biz oxumaq bilək (ما خواندن بدانیم)

سيز اۇخوماق بيلين siz oxumaq bilin (شما خواندن بدانید)

اونلار اۇخوماق بيلسينلر onlar oxumaq bilsinlər (آنها خواندن بدانند)

۳-۱) گذشته های مختلف فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

گذشته : من اۆزمک بیلدیم mən üzmək bildim

سن اۆزمک بیلدین sən üzmək bildin

او اۆزمک بیلدی o üzmək bildi

گذشته دور : من اۆزمک بیل میشم mən üzmək bilmişəm

گذشته دورتر : من اۆزمک بیل میشدیم mən üzmək bilmişdim

۴) فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری در زمان حال به

شکل زیر صرف می‌شود : (من شنا کردن بلد هستم)

من اۆزمک بیلیرəm mən üzmək bilirəm

سن اۆزمک بیلیرسن sən üzmək bilirsən

او اۆزمک بیلیر o üzmək bilir

۱-۳) گذشته های استمراری مختلف فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری به

شکل زیر می‌باشد :

گذشته : من اۆزمک بیلیردیم mən üzmək bilirdim

گذشته دور : من اۆزمک بیلیرمیشəm mən üzmək bilirmişəm

گذشته دورتر : من اۆزمک بیلیرمیشدیم mən üzmək bilirmişdim

۵) آینده نزدیک فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری به

شکل زیر صرف می‌شود:

من اۆخوماق بیلرəm mən oxumaq bilərəm

سن اۆخوماق بیلرسən sən oxumaq bilərsən

او اۆخوماق بیلر o oxumaq bilər

۱-۵) آینده نزدیک فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری در گذشته های مختلف به

شکل زیر می باشد :

mən oxumaq bilərmid	من اؤخوماق بیلردیم	گذشته :
mən oxumaq bilərmişəm	من اؤخوماق بیلر میشم	گذشته دور :
mən oxumaq bilərmişdim	من اؤخوماق بیلر میشدیم	گذشته دورتر :

(۶) آینده فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری به شکل زیر صرف می شود : (من خواهم توانست بخوانم و یا من خواندن یاد خواهم گرفت)

mən oxumaq biləcəyəm	من اؤخوماق بیله جه یم
sən oxumaq biləcəksən	سن اؤخوماق بیله جه کسن
o oxumaq biləcək	اؤ اؤخوماق بیله جک

(۶-۱) آینده فعل کمکی با پسوند دو گانه مصدری در گذشته های مختلف به شکل زیر برای صرف می شود :

mən demək biləcəydim	من دئمک بیله جه یدیم	گذشته :
mən demək biləcəymişəm	من دئمک بیله جه یمیشم	گذشته دور :
mən demək biləcəymişdim	من دئمک بیله جه یمیشدیم	گذشته دورتر :

(۷) ماضی نقلی فعل کمکی به شکل زیر صرف می شود :
(معمولاً ماضی نقلی را برای اول شخص مفرد و جمع صرف نمی کنند.)

sən gələ bilibsen	سن گله بیلپ سن
o gələ bilib (dir)	اؤ گله بیلپ
siz gələ bilibsiniz	سبز گله بیلپ سینیز
onlar gələ biliblər	اونلار گله بیلپ لر

۱) فعل باوجه التزامی و فرمهای مختلف آن :

فعل با « وجه التزامی » در زبان ترکی بوسیله پسوند « ملی » ، « مالی » ساخته می شود. جملات التزامی نیز بوسیله کلمه « گرك » ، « زوروندا » ، « مجبور » ، « لازم » و همچنین به كمك « اولماق » (شدن) به شکلهای مختلف ساخته و صرف می شود :

۱-۱) فعل با وجه التزامی (ملی) :

این فعل بوسیله حروف اضافی « ملی » که به شکل پسوند به فعل پیوند خورده و در بین ریشه فعل و ضمیر متصل شخصی قرار می گیرد ساخته می شود. از اینکه حرف صددار پسوند التزامی تابع آخرین حرف صددار فعل است ، در نتیجه به شکل « ملی mali » و « مالی malı » (هماهنگی كوچك) در می آید. افعالی که آخرین حرف صددار آنها با آهنگ بالائی [ə,e,i,ö,ü = ə] است به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

biz gəlməliyik	بیز گلملی ییک	mən gəlməliyəm	من گلملی یم
siz gəlməlisiniz	سیز گلملی سینیز	sən gəlməlisən	سن گلملی سن
onlar gəlməlidirlər	اونلار گلملی دیرلر	o gəlməlidir	او گلملی دیر

(من گلملی یم : یعنی ، من باید بیایم و یا من مجبورم که بیایم)

۱-۲) فعلی که آخرین حرف صددار آن به آهنگ پائینی (a , ı , o , u = a) ختم

شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

biz almalıyıq	بیز آلمالی یق	mən almalıyam	من آلمالی یام
siz almalısınız	سیز آلمالی سینیز	sən almalısən	سن آلمالی سان
onlar almalıdırlar	اونلار آلمالی دیرلار	o almalıdır	او آلمالی (دیر)

۱-۳) نفی فعل باوجه التزامی بوسیله « مه » و « ما » و « دئگیل » صورت می گیرد.

a) نفی فعل باوجه التزامی بوسیله « مه » و « ما » به شکل زیر صرف می شود:

mən gəlməməliyəm	(من [مجبورم] باید نیایم)	من گلمه ملی یم
sən gəlməməlisən		سن گلمه ملی سن
o gəlməməlidir		اؤ گلمه ملی دیر
biz gəlməməliyik		بیز گلمه ملی ییک
siz gəlməməlisiniz		سیز گلمه ملی سینیز
onlar gəlməməlidirlər		اؤنلار گلمه ملی دیرلر

(b) نفی فعل باوجه التزامی بوسیله کلمه « دئگیل » به شکل زیر صرف می شود :

man gəlməli deyiləm	من گلملی دئگیلم
sən gəlməli deyilsən	سن گلملی دئگیلسن
o gəlməli deyil	اؤ گلملی دئگیل

این فعل علاوه بر التزام و اجبار به شکل زیر انجام وظیفه را نیز بیان میکند. مثال :

من باید به سرباز وظیفه بروم. من عسگر گتملی یم. . mən əsgər getməliyəm .

(c) نفی فعل مذکور بوسیله « ما » به شکل زیر می باشد .

mən almamalıyam	،	بیز آلمامالی ییق	almamalıyıq
sən almamalısan	،	سیز آلمامالی سینیز	almamalısınız
o almamalıdır	،	اؤنلار آلمامالی دیرلار	almamalıdırlar

(d) نفی فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی ختم شود بوسیله « دئگیل » به شکل زیر صورت می گیرد :

mən almalı deyiləm	،	بیز آلمالی دئگیلیک
sən almalı deyilsən	،	سیز آلمالی دئگیلسن
o almalı deyil (dir)	،	اؤنلار آلمالی دئگیل لر

۴-۱) گذشته های مختلف فعل باوجه التزامی با «ملی» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməliydim	من گلملی یدیم	گذشته :
sən gəlməliydin	سن گلملی یدین	
o gəlməliydi	او گلملی یدی	

۵-۱) گذشته دور فعل باوجه التزامی با «ملی» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməliymişəm	من گلملی یمیشم
sən gəlməliymişsən	سن گلملی یمیش سن
o gəlməliymiş	او گلملی یمیش

۶-۱) گذشته دورتر فعل با وجه التزامی با «ملی» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməliymişdim	من گلملی یمیشدیم
sən gəlməliymişdin	سن گلملی یمیش دین
o gəlməliymişdi	او گلملی یمیشدی

۷-۱) نفی فعل باوجه التزامی با «ملی» بوسیله «مه» و «دئگیل» صورت می گیرد.

a) نفی گذشته های مختلف فعل با وجه التزامی بوسیله «مه» به شکل زیر می باشد:

mən gəlməməliydim	من گلمه ملی یدیم
mən gəlməməliymişəm	من گلمه ملی یمیشم
mən gəlməməliymişdim	من گلمه ملی یمیشدیم

b) نفی گذشته های مختلف باوجه التزامی با «ملی» بوسیله «دئگیل» به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

mən gəlməli deyildim	من گلملی دئگیلدیم
mən gəlməli deyilmişəm	من گلملی دئگیلمیشم
mən gəlməli deyilmişdim	من گلملی دئگیلمیشدیم

جمله بندی التزامی با فعل « اۇلماق » :

(۲) آينده نزديك فعل باوجه التزامی بوسیله « اۇلماق »:

آينده نزديك فعل با وجه التزامی بكمك فعل « اۇلماق » در جمله به شكل زیر صرف می شود. مثال : (من مجبور می شوم كه بيايم)

mən gəlməli olaram من گلملی اۇلارام

sən gəlməli olarsan سن گلملی اۇلارسان

o gəlməli olar او گلملی اۇلار

biz gəlməli olarıq بیز گلملی اۇلاریق

siz gəlməli olarsınız سیز گلملی اۇلارسینیز

onlar gəlməli olar(lar) اۇنلار گلملی اۇلار(لار)

(۲-۱) آينده نزديك فعل با وجه التزامی با « ملی » یا « مالی » به كمك « اۇلماق »

در گذشته های مختلف به شكل زیر در جمله صرف می شود :

mən gəlməli olardım گذشته : من گلملی اۇلاردیم

mən gəlməli olarmışam گذشته دور : من گلملی اۇلارمیشام

mən gəlməli olarmışdım گذشته دورتر : من گلملی اۇلارمیشدیم

(۳) آينده فعل با وجه التزامی با « ملی » بوسیله « اۇلماق » در جمله به شكل زیر برای

ضماير شخصی صرف می شود: (من برای آمدن مجبور خواهم شد)

mən gəlməli olacağam من گلملی اۇلاجاغام

sən gəlməli olacaqsan سن گلملی اۇلاجاقسان

o gəlməli olacaq او گلملی اۇلاجاق

biz gəlməli olacağıq بیز گلملی اۇلاجاقیق

siz gəlməli olacaqsınız سیز گلملی اۇلاجاق سینیز

onlar gəlməli olacaqlar اۇنلار گلملی اۇلاجاقلار

۱-۳) آینده فعل باوجه التزامی با « ملی » در گذشته های مختلف بوسیله فعل « اؤلماق » به شکل زیر صرف می شود :

mən gəlməli olacağ (ı)dım من گلملی اؤلجاغیدیم

mən gəlməli olacağ (ı)mışam من گلملی اؤلجاغیمیشام

mən gəlməli olacağ (ı)mışdım من گلملی اؤلجاغیمیشدیم

ساواش اؤلسایدی من عسکر گئت ملی اؤلجاغیدیم

(اگر جنگ می شد ، من اجباراً باید به سربازی می رفتم .)

۲) فعل باوجه التزامی در زمان حال باکمک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

mən qaçmalı oluram من قاچمالی اؤلورام

sən qaçmalı olursan سن قاچمالی اؤلورسان

o qaçmalı olur او قاچمالی اؤلور

biz qaçmalı oluruq بیز قاچمالی اؤلوروق

siz qaçmalı olursunuz سیز قاچمالی اؤلورسونوز

onlar qaçmalı olurlar اونلار قاچمالی اؤلورلار

۱-۴) گذشته های استمراری مختلف فعل با وجه التزامی به کمک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر می باشد :

mən qaçmalı olurdum گذشته : من قاچمالی اؤلوردوم

mən qaçmalı olurmuşam گذشته دور : من قاچمالی اؤلورموشام

mən qaçmalı olurmuşdum گذشته دورتر : من قاچمالی اؤلورموشدوم

۵) فعل باوجه التزامی مصدری (زمان حال) بوسیله « مالی » ، به کمک اؤلماق در

جمله به شکل زیر صرف می شود :

mən gəlməli olmaqdayam	من گلملی اؤلماق دایام
sən gəlməli olmaqdasan	سن گلملی اؤلماق داسان
o gəlməli olmaqdadır	او گلملی اؤلماق دادیر
biz gəlməli olmaqdayıq	بیز گلملی اؤلماق داییق
siz gəlməli olmaqdasınız	سیز گلملی اؤلماق داسینیز
onlar gəlməli olmaqdadırlar	اونلار گلملی اؤلماق دادیرلار

۱- ۵) گذشته های مختلف فعل با وجه التزامی مصدری به کمک « اؤلماق » در جمله به شکل زیر صرف می شود :

mən gəlməli olmaqdaydım	گذشته : من گلملی اؤلماق دایدیم
mən gəlməli olmaqdaymışam	گذشته دور : من گلملی اؤلماق دایمیشام
mən gəlməli olmaqdaymışdım	گذشته دورتر : من گلملی اؤلماق دایمیشدیم

۶) کلمه سازی با پسوند فعل التزامی :

هر وقت ریشه فعل را با علامت التزامی پیوند دهیم کلمه جدیدی ساخته می شود :

(این کلمه معنی صفت لیاقت [مثل : رفتنی ، دیدنی] و .. را در زبان فارسی دارد.)

خوردنی	_	یعملی	yeməli	،	نوشیدنی	_	ایچملی	içməli
خنده آور	_	گولملی	gülməli	،	قابل راندن	_	سورملی	sürməli
دیدنی	_	گؤرملی	görməli	،	دانستنی	_	بیلملی	bilməli

این سیبها خوردنی هستند. بۇ آلمالار یئملی دیر. bu almalar yeməlidir.

این شربت نوشیدنی است. بۇ شربت ایچملی دیر. bu şərbət içməlidir.

این حرف (کلمه) خنده آور است. بۇ سوز گولملی دیر. bu söz gülməlidir.

این باغ دیدنی است . بۇ باغ گۆرملی دیر .
 این حرف گریه آور است . بۇ سوز آغلامالی دیر .
 bu bağ görmelidir .
 bu söz ağlamalıdır .

(۷) ماضی نقلی فعل باوجه التزامی با « ملی » بکملک « اؤلماق » :

سن گلملی اؤلوب سان sən gəlməli olubsan
 او گلملی اؤلوب (دور) o gəlməli olub(dur)
 سیز گلملی اؤلوب سونوز siz gəlməli olubsunuz
 اونلار گلملی اؤلوبلار onlar gəlməli olublar

(۸) جملات باوجه التزامی با کلمه « گرک » (باید) :

کلمه « گرک » همانند « باید » (در زبان فارسی) در جملات ظاهر شده و به اشکال مختلف زیر بکار گرفته می شود . مثال :

حالت مفعول با واسطه : من گرک تورکجه اؤره نم (من باید ترکی یاد بگیرم)

mən gərək türkcə öyrənəm.

اضافه ملکی : منیم تورکجه اؤره نمه ییم گرکدیر . (یاد گرفتن ترکی برای من اجباری است .)

mənim türkcə öyrənməyim gərəkdir.

(۸-۱) حالت نفی باوجه التزامی با کلمه « گرک » :

نفی فعل باوجه التزامی (گرک) به اشکال مختلف زیر می باشد . مثال :

من گرک تورکجه اؤره ن مه ییم . (من نباید ترکی یاد بگیرم .)

mən gərək türkcə öyrənməyəm .

گرکمز من عربجه اؤره نم . (من نباید عربی یاد بگیرم .)

gərəkməz mən ərəbcə öyrənəm .

(۸-۲) کلمه گرک به شکل زیر نیز صرف می شود .

کلمه «گړک» در « فعل آرزوئی با شک و تردید » نیز مورد استفاده قرار می گیرد :
 من گړک گله م mən gərək gələm (لطفاً به صفحه ۲.۳ مراجعه کنید)

۸-۳ (جمله باوجه التزامی بوسیله « زور » به شکل زیر می باشد :
 من زور ایله فارسجا اؤره نیرم . من با زور زبان فارسی یاد میگیرم .
 mən zor ilə farsca öyrənirəm .

بیز مدرسیه گئدمک زوروندا ییق . [با مصدر] (ما مجبور به مدرسه رفتن هستیم) .
 biz mədrəsəyə getmək zorundayıq .
 سن منه زوردئییرسن . (تو به من زور می گوئی) .
 sən mənə zor deyirsən .

۸-۴ (حالت نفی باوجه التزامی با کلمه « زور » به شکل زیر می باشد :
 a (نفی بوسیله « مه » من زور ایله فارسجا اؤرنمیرم .
 mən zor ilə farsca öyrənmirəm . (من با زور فارسی یاد نمیگیرم .)
 b (نفی بوسیله « دئگیل » : من ساواد (سواد) سیز قالماق زوروندا دئگیلم .
 mən savadsız qalmaq zorunda deyiləm .

۹ (جمله باوجه التزامی بوسیله « لازم » به شکل زیر می شود :
 منیم ائوه گئدمه ییم لازم دیر (اضافه ملکی و مصدر)
 mənim evə getməyim lazımdır .
 بیزه یئمک لازم دیر (با واسطه و مصدر)
 bizə yemək lazımdır .
 اؤشاقلارا یئمک لازم دیر
 uşaqqlara yemək lazımdır .

۹-۱ (نفی فعل باوجه التزامی « لازم » بوسیله کلمه « دئگیل » به شکل زیر بکار
 گرفته می باشد :
 بیزه ایندی یئمک لازم دئگیل
 bizə indi yemək lazım deyil .

سيزه ايش لازيم دئگيل. sizə iş lazım deyil.

ائله بيل بيزه ياشاماق لازيم دئگيل. elə bil bizə yaşamaq lazım deyil .

۱. جمله باوجه التزامی باکلمه «مجبور» به شکل زیر می باشد:
 فرم مصدری: (گلمک) من گلمه یه مجبورام. mən gəlməyə məcburam .

قالماق : ایسته مه دی ییمیز زامان (زمان) قوربت ده(غوربت) قالماغا مجبوروق .
 istəmədiyimiz zaman qürbətdə(ğürbətdə)qalmağa məcburuq.

۱.-۱) حالت نفی باوجه التزامی «مجبور» با گلمه «دئگيل»
 به شکل زیر می باشد:

من بۇرادا قالماغا مجبور دئگيلم. mən burada qalmağa məcbur deyiləm.
 سن اۇرايا گئدمه يه مجبور دئگيلسن. sən oraya getməyə məcbur deyilsən .
 او يئمە يه مجبور دئگيل o yeməyə məcbur deyil .

۱۱) جمله باوجه التزامی بوسیله «لوزوم» به شکل زیر
 می باشد:

سنین گلمه یی نه نه لوزوم(لزوم) وار. sənin gəlməyinə nə lüzum var .
 اونون گئدمه یی نه لوزوم یۇخدور. onun getməyinə lüzum yoxdur.
 اۇشاغین آغلاماغینا لوزوم یۇخدور. uşağın ağlamağına lüzum yoxdur.
 سیزین اینجیمه یی نی زه ([در محاوره] اینجی مه یی زه) هئچ بیر لوزوم یۇخدور.
 sizin inciməyinizə (inciməyizə) heç bir lüzum yoxdur .

۱۲) جمله باوجه التزامی بوسیله «احتیاج» :

منیم بیر آز پۇلا احتیاجیم وار. mənim bir az pula ehtiyacım var .

توجه: نتیجه عملی جملات زیر نیز التزامی به حساب می آیند :

اۇ اۆزۈنۈ زۇرا باسىركى بىر ائوالا. (اوخود را زير فشار ميگذارد كه يك خانه بخرد).

o özünü zora basirki bir ev ala .

اۇ بۇ ايل ايش سىز قاليدير (او امسال بيكار مانده است) . bu il işsiz qalıbdır .

اۇ چۆلدە سۇسوز قالدى. (اۇ در بيابان بدون آب] تشنه ماند). o çöldə susuz qalıbdır .

۱۳) صرف فعل باوجه التزامى كمكى به شكل زير مى باشد:

mən gələ bilməliyəm من گله بيلملى يم

sən gələ bilməlisən سن گله بيلملى سن

o gələ bilməlidir اۇ گله بيلملى دير

- کلماتى كه آخرين حرف صدا دار آنها با آهنگ بالائى مى باشند:

من آلا بيلملى يم ، سن آلا بيلملى سن ، اۇ آلا بيلملى دير . و..

۱۳-۱) نفى فعل باوجه التزامى كمكى :

- نفى فعل با وجه التزامى كمكى بوسيله « دئگيل » و « مه » صورت مى گيرد .

a) نفى فعل بوسيله « مه » به شكل زير صرف مى شود:

mən gələ bilməməliyəm من گله بيلممه ملي يم

sən gələ bilməməlisən سن گله بيلممه ملي سن

o gələ bilməməlidir اۇ گله بيلممه ملي دير

- کلماتى كه آخرين حرف صدا دار آنها با آهنگ بالائى مى باشند:

من آلا بيلممه ملي يم ، سن آلا بيلممه ملي سن ، اۇ آلا بيلممه ملي دير . و..

b) نفى فعل باوجه التزامى كمكى بوسيله « دئگيل » به شكل زير صرف مى شود :

mən gələ bilməli deyiləm من گله بيلملى دئگيلم

sən gələ bilməli deyilsən سن گله بيلملى دئگيلسن

اۇ گله بيلملى دئگيل o gələ bilməli deyil

(۱۴) آينده نزيديك فعل باوجه التزامى كمكى بوسيله «اؤلماق»:

من گله بيلملى اولارام mən gələ bilməli olaram

سن گله بيلملى اولارسان sən gələ bilməli olarsan

اۇ گله بيلملى اولار o gələ bilməli olar

(۱۵) آينده فعل باوجه التزامى كمكى به شكل زير صرف مى شود:

من گله بيلملى اولاجام mən gələ bilməli olacağam

سن گله بيلملى اولاجاقسان sən gələ bilməli olacaqsan

اۇ گله بيلملى اولاجاق o gələ bilməli olacaq

(۱۵-۱) گذشته هاى مختلف فعل باوجه التزامى كمكى به شكل زير مى باشد:

گذشته: من گله بيلملى يديم mən gələ bilməliydim

گذشته دور: سن گله بيلملى يميش سن sən gələ bilməliymişsən

گذشته دورتر: اۇ گله بيلملى يميشدى o gələ bilməliymişdi

(۱۶) فعل باوجه التزامى كمكى بوسيله «گرک» به شكل زير

صرف مى شود:

من گله بيلم گرک mən gələ biləm gərək

سن گله بيله سن گرک sən gələ biləsən gərək

اۇ گله بيله گرک o gələ bilə grək

بیز گله بيله ك ، سیز گله بيله سينیز ، اۇنلار گله بيله لر .

۱) فعل مجهول و فرمهای مختلف آن:

فعل مجهول به فعلی گفته میشود که فاعل آن مشخص نبوده و بعبارتی فاعل آن مجهول می باشد. فعل مجهول با اضافه کردن علائم مجهولی که در زبان ترکی «ن»، «ین» و «یل» (n ,in ,il) می باشد بوجود می آید. مثال :

کیتاب اؤخونور kitab oxunur کتاب خوانده میشود.

اگر کلمه مجهولی مصدر باشد و یا به شکل فعل مصدری ظاهر شود ، علامت مجهولی (n ,in ,il) بین ریشه فعل و پسوند مصدری قرار می گیرد. مثال :

کیتاب اؤخونماقدادیر. kitab oxunmaqdadır [کتاب در حال خوانده شدن است .]

۱-۱) فعلی که آخرین حرف آن صدادار (a , e , ə , i , ı , o , ö , ü , u)

باشد ، با پیوند زدن حرف « n » به فعل مجهول مبدل می گردد. مثال:

صرف فعل مجهول در زمان حال	مصدر مجهول (ترکیبی)
اؤخونور oxunur خوانده میشود	اؤخونما oxunmaq خوانده شدن
بویانیر boyanır رنگ زده میشود	بویانماق boyanmaq رنگ زده شدن
بزنیر bəzənir آرایش میشود	بزنمک bəzənmək آرایش شدن
دؤلانیر dolanır چرخانده می شود	دؤلانماق dolanmaq چرخانده شدن

- به تجزیه « دؤلانیر » توجه کنید :

dola ریشه فعل ، n پسوند مجهولی و ır علامت زمان حال می باشد.

۱-۲) فعلی که ریشه آن با حرف بی صدا (m, n, t, ğ, ş و ... بجز L)

ختم شود ، در حالت مجهولی پسوند « il » بخود می گیرد.

حرف صدادار پسوند مجهولی (i) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل می باشد که در

صرف به شکل « ایل » و « اول » (il , ul , üt , il) هماهنگی بزرگ (درمی آید. مثال :

صرف فعل مجهول در زمان حال	مصدر مجهول
قاچیلیر qaçılır فراری داده میشود	قاچیلماق qaçılmaq فراری داده شدن
ایچیلیر içilir نوشیده میشود	ایچیلماق içilmək نوشیده شدن
تیکیلیر tikilir دوخته میشود	تیکیلماق tikilmək دوخته شدن
آتیلیر atılır انداخته میشود	آتیلماق atılmaq انداخته شدن
گۆرولور görölür دیده میشود	گۆرولماق görülmək دیده شدن

— به تجزیه فعل « گۆرولور » توجه کنید :

gör ریشه فعل ، üt پسوند مجهولی و ür علامت زمان حال می باشد.

۳-۱) فعلی که آخرین حرف آن با حرف « L » ختم شود، فعل مجهول آن پسوند « in » بخود می گیرد. از اینکه حرف صدادار آن تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل است در نتیجه به شکل « این » و « اون » (in, in, un, ün) هماهنگی بزرگ (در آمده و صرف می شود. مثال :

صرف فعل مجهول در زمان حال	مصدر مجهول
آلی نیر alınır گرفته میشود	آلینماق alınmaq گرفته شدن
سیلی نیر silinir تمیز میشود	سیلینماق silinmək تمیز شدن
گولونور gülünür خندیده میشود	گولونماق gülünmək خندیده شدن
بیلینیر bilinir دانسته میشود	بیلینماق bilinmək دانسته شدن
بؤلونور bulunur پیدا میشود	بؤلونماق bulunmaq پیدا شدن

— تجزیه فعل « بؤلونور » به شکل زیر می باشد :

bul ریشه فعل ، un پسوند مجهولی و ur علامت زمان حال می باشد.

۲) صرف فعل مجهول در زمان حال به شکل زیر می باشد:
(وُورولماق - زده شدن)

من وُورولورام mən vuruluram ، بیز وُورولوروق vuruluruq
سن وُورولورسان sən vurulursan ، سیز وُورولورسونوز vurulursunuz
اؤ وُورولور o vurulur ، اونلار وُورولورلار vurulurlar
- به تجزیه فعل مذکور به شکل زیر می باشد :

vur ریشه فعل ، ul علامت مجهولی ، ur پسوند زمان حال

۳-۱) استثناء در صرف دو فعل یئمک و دئمک :

طبق دستور زبان ترکی دو فعل « دئمک » و « یئمک » در حالت مجهولی می بایستی با حرف « ن » به شکل « yenmək » و « denmək » (دئتمک و یئتمک) به حالت مجهولی در آمده و صرف شوند، چراکه آخرین حرف آنها صدادار می باشد. ولی آنها به شکل استثنائی یک حرف « Y » اضافه و تکمیلی بخود گرفته و به شکل « yey » و « dey » در آمده و همانند فعلی که آخرین حرف آن بی صدا باشد ، با حروف « il » بکار گرفته می شوند :

یئیلیر yeyilir (غذا) خورده میشود ، یئیلیمک yeyilmək خورده شدن
دئیلیر deyilir (سوز) گفته میشود ، دئیلیمک deyilmək گفته شدن

- دو فعل مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند :

در زمان حال : من دئیلیرم ، دئیلیرسن ، دئیلیر ، دئیلیریک ، دئیلیرسینیز ، دئیلیرلر
سن دیللرده دئیلیرسن ، اؤ دیللرده دئیلیر ، بیز دیللرده دئیلیریک
در زمان آینده نزدیک : من دئیلیرم ، سن دیللرده دئیلیرسن، اؤ دیللرده دئیلیر ، بیز دیللرده دئیلیرمه جه یک .
در زمان گذشته : دئیلیدی ، دئیلیمیش ، دئیلیمیشدی ...

۲-۱) حالت نفی فعل مجهول در زمان حال :

من وۇرولمورام mən vurulmuram ، بیز وۇرولموروق
 سن وۇرولمورسان sən vurulmursan ، سیز وۇرولمورسونوز
 او وۇرولمور o vurulmur ، اونلار وۇرولمورلار

توجه : اصل فعل به شکل « mən vurulmuyuram » می باشد ، که آن در صرف مخفف شده و بکار گرفته می شود.

۲-۲) گذشته های استمراری فعل مجهول به شکل زیر می باشد:

گذشته : من وۇرولوردوم mən vurulurdum
 گذشته دور : من وۇرولورموشام mən vurulurmuşam
 گذشته دورتر : من وۇرولورموشدوم mən vurulurmuşdum

۲-۳) حالت نفی گذشته های استمراری فعل مجهول:

نفی گذشته : من وۇرولموردوم mən vurulmurdum
 نفی گذشته دور : من وۇرولمورموشام mən vurulmurmuşam
 نفی گذشته دورتر : من وۇرولمورموشدوم mən vurulmurmuşdum

— به تجزیه فعل مذکور به شکل زیر می باشد :

vur ریشه فعل، ul پسوند مجهولی و mur علامت مخفف شده کلمه نفی و پسوند زمان حال و موشدوم صرف فعل « ایملک » (در گذشته) می باشد

۳) امری فعل مجهول

مثال : (سویلیمک ، دوست داشته شدن)

من سئویلیم mən sevilim ، بیز سئویلیک biz sevilək
 سن سئویل sən sevil ، سیز سئویلین siz sevilin
 او سئویل سین o sevilisin ، اونلار سئویل سینلر onlar sevilisinrlər

۳-۱) حالت نفی امری فعل مجهول :

نفی امری فعل مجهول بوسیله « مه » و « ما » به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən görülməyim گۆرولمه ییم

sən görülmə گۆرولمه

o görülməsin گۆرولمه سین

– در محاوره به شکل « من گورولموم » (görülmüm) گفته می شود.

۳-۲) گذشته فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال : (من دیده شدم)

mən görüldüm من گۆرولدوم ، بیز گۆرولدوک biz görüldük

sən görüldün سن گۆرولدون ، سیز گۆرولدونوز siz görüldünüz

o görüldü او گۆرولدو ، اونلار گۆرولدولر onlar görüldülər

۳-۳) گذشته دور فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən görülmüşəm من گۆرولموشم (من دیده شده بودم)

sən görülmüşən سن گۆرولموشسان

o görülmüşən او گۆرولموش

۳-۴) گذشته دورتر فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən görülmüşdüm من گۆرولموشدوم

sən görülmüşdün سن گۆرولموشدون

o görülmüşdü او گۆرولموشدو

۳-۵) نفی گذشته های مختلف فعل مجهول به شکل زیر می باشد :

mən görülmədim نفی گذشته : من گۆرولمه دیم

mən görülməmişəm نفی گذشته دور : من گۆرولمه میشم

mən görülməmişdim نفی گذشته دورتر : من گۆرولمه میشدیم (من دیده نشده بودم)

۳) آينده نزديك فعل مجهول به شكل زير صرف مى شود:

من وۇرولارام vurularam ، بيز وۇرولاريق biz vurularıq
 سن وۇرولارسان vurularsan ، سيز وۇرولارسينيز siz vurularsınız
 او وۇرولار vurular ، اونلار وۇرولار(لار) onlar vurular(lar)
 (او وۇرولار ، او زده مى شود)

۳-۱) حالت نفى آينده نزديك فعل مجهول به شكل زير صرف مى شود. مثال:

من وۇرولمارام mən vurulmaram
 سن وۇرولمازسان sən vurulmazsan
 او وۇرولماز o vurulmaz

۳-۲) آينده نزديك فعل مجهول در گذشته هاى مختلف به شكل زير مى باشد :

(مثال : اگر من به آنجا مى رفتم كنتك مى خوردم [زده مى شدم])

گذشته : من وۇرولاردیم mən vurulardım
 گذشته دور : من وۇرولارمیشام mən vurularmışam
 گذشته دورتر : من وۇرولارمیشدیم mən vurularmışdım

- تجزيه فعل « vurularmışdı » مذکور به شكل زير مى باشد :

vur ریشه فعل ، ul پسوند مجهولى ، ar علامت زمان آينده نزديك ميشدى

mışdı صرف فعل « ايمك » (در گذشته دور) مى باشد.

۵) آينده فعل مجهول (بوسيله اجك) به شكل زير صرف مى شود. مثال :

من وۇرولاجاغام mən vurulacağam (من زده خواهم شد)
 سن وۇرولاجاقسان sən vurulacaqсан
 او وۇرولاجاق o vurulacaq

(اگر من به اين کار ادامه دهم [ورولاجاغام] زده خواهم شدك تك خواهم خورد.)

۵-۱) حالت نفی آینده فعل مجهول به شکل زیر صرف می شود. مثال:

من وۇرولماياجام mən vurulmayacağam

سن وۇرولماياجاقسان sən vurulmayacaqsan

او وۇرولماياجاق o vurulmayacaq

۵-۲) آینده فعل مجهول در گذشته های مختلف به شکل زیر می باشد:

گذشته : من وۇرولاجاغیدیم mən vurulacağ(ı)dım

گذشته دور : من وۇرولاجاغیمیشام mən vurulacağ(ı)mışam

گذشته دورتر : من وۇرولاجاغیمیشدیم mən vurulacağ(ı)mışdım

۶) فعل مجهول مصدری

فعل مجهول مصدری فعلی است که به شکل مصدر همراه پسوند (زمان حال) « ده » و « دا »

ظاهر شده و کاری را بدون فاعل (در حال انجام عملی) بیان کند. مثال:

کیتاب او خونماقدادیر kitab oxunmaqdadır (کتاب در حال خوانده شدن است.)

۶-۱) مصدری که ریشه فعل آن به حرف بی صدا (مثل m, n, t, ğ, ş [بجز L])

ختم شود ، مصدر مجهولی آن پسوند « il » (ایل) بخود می گیرد. حرف صدادار پسوند

مجهولی، وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه مصدر می باشد که به شکل « ایل » و « اول »

(il , il , ul , ü) هماهنگی بزرگ (درآمده و صرف می شود :

(مصدر مجهول : قاچیلماق [فرار داده شدن] ، ایچیلماق [نوشیده شدن] ، تیگیلمک

[دوخته شدن] ، آتیلماق [پریدن ، انداخته شدن] ، گۆرولماق [دیده شدن]) :

صرف فعل مجهول مصدری به سوم شخص مفرد به شکل زیر است :

قاچیلماق دادیر qaçılmaqdadır در حال فراری داده شدن است

ایچیلماق ده دیر içilməkdədir در حال نوشیده شدن است

تیگیلمک ده دیر tigməkdədir در حال دوخته شدن است

در حال انداخته شدن است	atılmaqdadır	آتیلماقدادیر
در حال دیده شدن است	görülməkdədir	گۆرولمکده دیر

۶-۲) مصدری که ریشه فعل آن به حرف صدادار ختم شود با اضافه کردن حرف

« ن n » به مصدر مجهولی تبدیل و صرف می شود. مثال:

(مصدر مجهول : اؤخونماق [خوانده شدن] ، بویانماق [رنگ شدن] ، بزنمک [آرایش شدن] ، دؤلانماق [تاب خوردن ، گردش کردن])
صرف فعل مصدر مجهول به سوم شخص مفرد به شکل زیر است:

در حال خوانده شدن است	oxunmaqdadır	اؤخونماقدادیر
در حال رنگ زده شدن است	boyanmaqdadır	بویانماقدادیر
در حال آرایش شدن است	bəzənməkdədir	بزنمکده دیر
در حال چرخیده (گردش) شدن است	dolanmaqdadır	دؤلانماقدادیر

۶-۳) مصدرهایی که آخرین حرف ریشه فعل آنها به حرف « ل » (L) ختم می شود به

شکل زیر به مصدر مجهولی مبدل شده و بعد به عنوان فعل مصدری صرف می شود. مثال :
(مصدر مجهولی : آیینماق [گرفته شدن] ، سیلینمک [تمیز ، پاک شدن] ، بیلینمک [دانسته شدن])
علامت مجهولی کلمات مذکور « in » می باشد. از اینکه حرف صدادار آن تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل است در نتیجه به شکل « این » و « اون » (in , in, un, ün) درآمده و صرف می شود. (سیلین مکده ، در حال پاک شدن یا تمیز شدن)

اؤ سیلین مکده دیر o silinməkdədir

صرف فعل مجهول مصدری در زمان حال به سوم شخص مفرد به شکل زیر است :

در حال گرفته (خریده) شدن است.	alınmaqdadır	آلینماقدادیر
در حال تمیز شدن است.	silinməkdədir	سیلینمکده دیر
در حال دانسته شدن است.	bilinməkdədir	بیلینمکده دیر

۴-۶) فعل مصدر مجهولی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال:

mən bəzənməkdəyəm	من بزنمکده یم	(من در حال آرایش شدن هستم.)
sən bəzənməkdəsən	سن بزنمکده سن	
o bəzənməkdədir	او بزنمکده دیر	
biz bəzənməkdəyik	بیز بزنمکده ییک	
siz bəzənməkdəsiniz	سیز بزنمکده سینیز	
onlar bəzənməkdədirlər	اونلار بزنمکده دیرلر	

۷) فعل مجهول کمکی :

فعل مجهول کمکی همانند سایر افعال به تمام زمانهای مختلف قابل صرف می باشد.

فعل مجهول کمکی در زمان حال (گوروله بيلمك = بتوان دیده شد) به شکل زیر

صرف میشود. مثال : (من دیده می شوم ، من می توانم دیده شوم)

mən görölə bilirəm	، بیز گوروله بیلیریک	من گوروله بیلیرم
sən görölə bilirsən	، سیز گوروله بیلیر سینیز	سن گوروله بیلیر سن
o görölə bilir	، اونلار گوروله بیلیرلر	او گوروله بیلیر (لر)

۸) گذشته استمراری :

mən görölə bilirdim	من گوروله بیلیردیم .
sən görölə bilirdin	سن گوروله بیلیردین
o görölə bilirdi	او گوروله بیلیردی

۹) گذشته های مختلف فعل مجهول کمکی به شکل زیر صرف

می شود : (من توانستم دیده شوم)

mən görölə bildim	من گوروله بیلیدیم :
-------------------	---------------------

- گذشته دور : من گۆرۈلە بىلمىشەم mən görüлә bilmişəm

- گذشته دورتر : من گۆرۈلە بىلمىشىدىم mən görüлә bilmişdim

۱. آينده نىزدىك فعل مجهول كىمكى به شكل زير صرف مى شود:

من گۆرۈلە بىلەم mən görüлә bilərəm ، بىز گۆرۈلە بىلەيلىك

سەن گۆرۈلە بىلەرسەن sən görüлә bilərsən ، سىز گۆرۈلە بىلەرسىنىز

اۇ گۆرۈلە بىلەر o görüлә bilər ، اۇنلار گۆرۈلە بىلەرلەر

(من اگر از اینجا بیرون بروم می‌توانم دیده شوم [در آینده نىزدىك])

۱-۱. آينده نىزدىك فعل مجهول كىمكى در گذشته هاى مختلف به شكل زير مى‌باشد:

- گذشته : من گۆرۈلە بىلەردىم mən görüлә bilərdim

- گذشته دور : من گۆرۈلە بىلەرمىشەم mən görüлә bilərmışəm

- گذشته دورتر : من گۆرۈلە بىلەرمىشىدىم mən görüлә bilərmışdim

(من می‌توانستم [این امکان موجود بود كه] دیده شوم)

۱۱) صرف فعل مجهول باوجه التزامى (بوسيله مى)

به شكل زير مى‌باشد : (این فعل مفهوم زمان حال و آينده نىزدىك را مى‌دهد.)

من گۆرۈلمەيىم görülməliyəm ، بىز گۆرۈلمەيىك biz görülməliyik

سەن گۆرۈلمەيسەن görülməlisən ، سىز گۆرۈلمەيسىنىز siz görülməlisiniz

اۇ گۆرۈلمەيلىك (dir) görülməli ، اۇنلار گۆرۈلمەيلىك onlar görülməlidirlər

(مثال : من مجبور به دیده شدن هستم . وظیفه ایجاب می‌کند كه دیده شوم .)

۱-۱) نفى فعل مجهول باوجه التزامى بوسيله «مه» و «دئگىل» صورت مى‌گیرد.

a (نفی آن بوسیله « مه » به شکل زیر می باشد:

mən görülməməliyəm من گۆرولمە ملی یم

sən görülməməlisən سن گۆرولمە ملی سن

o görülməməli (dir) او گۆرولمە ملی (دیر)

(من مجبور هستم که دیده نشوم و یا خود را نشان ندهم)

۱۱) نفی فعل مذکور بوسیله کلمه « دئگیل » به شکل زیر صرف می شود :

mən görülməli deyiləm من گۆرولملی دئگیلم

sən görülməli deyilsən سن گۆرولملی دئگیلسن

o görülməli deyil (dir) او گۆرولملی دئگیل (دیر)

(من مجبور به دیده شدن نیستم و یا من مجبور نیستم که خود را نشان دهم.)

۱۱-۱) گذشته های فعل مجهول باوجه التزامی به شکل زیر صرف میشود :

(من گۆرولملی یدیم – من مجبور به دیده شدن بودم ، مجبور به نشان دادن خود بودم)

mən görülməliydim گذشته : من گۆرولملی یدیم

sən görülməliydin سن گۆرولملی یدین

o görülməliydi او گۆرولملی یدی

mən görülməliymişəm گذشته دور : من گۆرولملی یمیشم

mən görülməliymişdim گذشته دورتر : من گۆرولملی یمیشدیم

۱۲) صرف فعل مجهول با وجه التزامی در زمان حال به کمک

« اولماق » در جمله به شکل زیر صرف شود :

mən görülməli oluram من گۆرولملی اولورام

sən görülməli olursan سن گۆرولملی اولورسان

o görülməli olur (dur) او گۆرولملی اولور (دۇر)

(او مجبور می شود که خود را نشان دهد. [مجبور به دیده شدن می شود.])

۱-۱۲) نفی فعل مجهول باوجه التزامی در زمان حال به كمك « اۇلماق » در جمله به

شكل زیر می باشد. مثال : (من مجبور نیستم [نمی شوم] که خود را نشان دهم .)

من گۆرولملى اۆلمورام mən görülməli olmuram

سن گۆرولملى اۆلمورسان sən görülməli olmursan

او گۆرولملى اۆلمور (دور) o görülməli olmur(dur)

۲-۱۲) نفی گذشته های استمراری مختلف فعل مجهول باوجه التزامی در جمله

به شكل زیر می باشد : (من مجبور به نشان دادن خود نمی شدم .)

گذشته : من گۆرولملى اۆلموردوم mən görülməli olmurdum

گذشته دور : من گۆرولملى اۆلمورموشام mən görülməli olmurmuşam

گذشته دورتر : من گۆرولملى اۆلمورموشدوم mən görülməli olmurmuşdum

۱۳) صرف آینده نزدیک فعل مجهول باوجه التزامی به كمك

« اۇلماق » در جمله به شكل زیر صرف می شود :

(مثال : من مجبور به دیده شدن می شوم ، من مجبور می شوم که خود را نشان دهم)

من گۆرولملى اۇلارام mən görülməli olaram

سن گۆرولملى اۇلارسان sən görülməli olarsan

او گۆرولملى اۇلار o görülməli olar

۱-۱۳) نفی آینده نزدیک فعل مجهول باوجه التزامی به كمك « اۇلماق » در جمله

به شكل زیر می باشد : (من مجبور به دیده شدن نمی شوم)

من گۆرولملى اۇلمارام mən görülməli olmaram

سن گۆرۈلملى اۆلمايارسان sən görülməli olmayarsan (اۆلمازسان olmazsan)

اۆ گۆرۈلملى اۆلماز o görülməli olmaz

۱۳-۲) آينده نژديك فعل مجهول با وجه التزامى بكمك « اۆلماق » در گذشته هاى

مختلف در جمله به شكل زير مى باشد : (من مجبور به ديده شدن مى شدم)

گذشته : من گۆرۈلملى اۆلارديم mən görülməli olardım

گذشته دور : من گۆرۈلملى اۆلارميشام mən görülməli olarmışam

گذشته دورتر : من گۆرۈلملى اۆلارميشديم mən görülməli olarmışdım

۱۳) آينده فعل مجهول با وجه التزامى به كملك « اۆلماق »

در جمله به شكل زير صرف مى شود : (من مجبور به ديده شدن خواهم شد)

من گۆرۈلملى اۆلماچام. mən görülməli olacağam.

سن گۆرۈلملى اۆلماچاق سان. sən görülməli olacaqsan.

اۆ گۆرۈلملى اۆلماچاق. o görülməli olacaq.

۱۳-۱) نفى آينده فعل مجهول با وجه التزامى به كملك « اۆلماق » در

جمله به شكل زير صرف مى شود :

من گۆرۈلملى اۆلماياچام. mən görülməli olmayacağam.

سن گۆرۈلملى اۆلماياچاقسان.. sən görülməli olmayacaqsan..

اۆ گۆرۈلملى اۆلماياچاق. o görülməli olmayacaq.

۱۵) فعل مجهول كملكى با وجه التزامى در جمله به شكل زير

صرف مى شود: (من مجبور هستم كه ديده شوم [خودم را نشان دهم.])

من گۆرۈله بيلملىم. mən görülə bilməliyəm

سن گۆرۈله بيلملىسن. sən görülə bilməlisən

o	görülə bilməli(dir)	اۇ گۆرۈلە بىلەن (دیر) .
biz	görülə bilməliyik	بىز گۆرۈلە بىلەن مىلەك .
siz	görülə bilməlisiniz	سىز گۆرۈلە بىلەن مىلەك سىنىز .
onlar	görülə bilməlidirlər	اۇنلار گۆرۈلە بىلەن مىلەك دىرلەر

۱۶) نفى فعل مجهول كمكى باوجه التزامى بوسيله « مه » و
« دئگيل » صورت مى گيرد :

a	نفى فعل مذکور بوسيله « مه » به شکل زیر صرف مى شود. مثال:	
mən	görülə bilməməliyəm.	من گۆرۈلە بىلمەنەملىيەم.
sən	görülə bilməməlisən.	سن گۆرۈلە بىلمەنەملىسەن.
o	görülə bilməməli (dir).	اۇ گۆرۈلە بىلمەنەملى (دیر).

b) نفى فعل مذکور بوسيله « دئگيل » به شکل زیر صرف مى شود :

	(من مجبور به دیده شدن نیستم)	
mən	görülə bilməli deyiləm .	من گۆرۈلە بىلەن دئگىلەم .
sən	görülə bilməli deyilsən.	سن گۆرۈلە بىلەن دئگىلەسن .

۱-۱۶) گذشته های مختلف فعل مجهول كمكى باوجه التزامى به شکل زیر

مى باشد. مثال: (من مجبور به دیده شدن بودم)

mən	görülə bilməliydim	گذشته : من گۆرۈلە بىلەنملىيىدىم
sən	görülə bilməliydin	سن گۆرۈلە بىلەنملىيىدىن
o	görülə bilməliydi	اۇ گۆرۈلە بىلەنملىيىدى
mən	görülə bilməliymişəm	گذشته دور: من گۆرۈلە بىلەنملىيىمىشەم

گذشته دورتر: من گۆروله بیل ملی مییشدیم mən görölə bilməliymişdim

(۱۷) صرف فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله فعل «اؤلماق» در جمله به شکل زیر می باشد :

این فعل به کمک فعل «اؤلماق» (شدن) می تواند مجدداً به زمانهای مختلف صرف شود .

(۱۷-۱) حالت امری فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله «اؤلماق» در جمله به شکل زیر صرف می شود :

من گۆروله بیل ملی اؤلوم. mən görölə bilməli olum.

سن گۆروله بیل ملی اؤل . sən görölə bilməli ol .

او گۆروله بیل ملی اؤلسون . o görölə bilməli olsun.

(۱۷-۲) گذشته های مختلف فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله «اؤلماق»

در جمله به شکل زیر می باشد : (من مجبور شدم که خود را نشان دهم)

گذشته : من گۆروله بیل ملی اؤلدوم . mən görölə bilməli oldum .

سن گۆروله بیل ملی اؤلدون . sən görölə bilməli oldun .

گذشته دور: من گۆروله بیل ملی اؤلموشام . mən görölə bilməli olmuşam .

گذشته دورتر: من گۆروله بیل ملی اؤلموشدوم . mən görölə bilməli olmuşdum .

(۱۸) فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله «اؤلماق» در

زمان حال در جمله به شکل زیر می باشد :

(من در حال حاضر مجبور می شوم که خود را نشان دهم .)

زمان حال: من گۆروله بیل ملی اؤلورام . mən görölə bilməli oluram .

نفی زمان حال : من گۆروله بیل ملی اؤلمورام . mən görölə bilməli olmuram .

گذشته استمراری: من گۆروله بیل ملی اؤلوردوم . mən görölə bilməli olurdum .

۱۹) فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بوسیله «اؤلماق»

در آئنده نزدیک به شکل زیر می باشد :

(من می توانم به دیده شدن مجبور شوم .)

آئنده نزدیک : من گۆروله بیل ملی اۇلارام . mən görölə bilməli olaram.

گذشته : من گۆروله بیل ملی اۇلاردیم . mən görölə bilməli olardım.

۲۰) آئنده فعل مجهول کمکی با وجه التزامی بکمک « اؤلماق »

در جمله به شکل زیر می باشد : (من مجبور به دیده شدن خواهم شد.)

من گۆروله بیل ملی اۇلاجام mən görölə bilməli olacağam

سن گۆروله بیل ملی اۇلاجاق سان sən görölə bilməli olacaqsan

اۇ گۆروله بیل ملی اۇلاجاق o görölə bilməli olacaq

۲۱) فعل مجهول و مفهوم جدید آن : (پیش گوئی)

صباحا هوا یاخشی گۆرولور . ([برای] فردا هوا خوب دیده می شود.)

sabaha hava yaxşı görölür .

سنین گله جه بین آیدیم گۆرولور . (آئنده تو روشن دیده می شود.)

sənin gələcəyin aydın görölür .

۲۲) فعل مجهول با وجه التزامی و کلمه جدید :

بۇ میوه یئییلمه لی دیر . (این میوه خوردنی است.) bu meyvə yeyilməlidir.

بۇ آغاجین میوه لری دریل ملی دیر (لر). (میوه های این درخت چیدن است.)

bu ağacın meyvələri dərilməlidir (lər).

بۇ اۇتلار بیچیل ملی دیر (لر) . (این علفها درو شدنی هستند.)

bu otlar biçilməlidir (lər).

بۇ قیز ایله ، بۇ اوغلان ، ائولنیل ملی دیر لر . (این دختر و این پسر ازدواج

کردنی هستند.) bu qız ilə bu oğlan evlənilməlidirlər .

(۱) فعل باوجه آرزوئی و فرمهای مختلف آن : arzu feli

فعل آرزوئی در زبان ترکی بوسیله ریشه فعل و حرف اضافی «a» که به ریشه فعل متصل شده ساخته می‌شود. از اینکه حرف صدادار آن تابع آخرین حرف صدادار ریشه فعل هست در نتیجه پسوند آرزوئی به شکل «a» و «ə» در می‌آید. این فعل بدون قید زمانی مفهوم زمان حال و آینده نزدیک را می‌رساند.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی «ə, e, i, ö, ü» ختم شود، به شکل زیر صرف می‌شود. مثال :

biz gələk	بیز گله ک	mən gələm	من گله م
siz gələsiniz	سیز گله سینیز	sən gələsən	سن گله سن
onlar gələlər	اونلار گله لر	o gələ	او گله

او گله بیر ، نه یاخشی اولار. o gələ bir , nə yaxş olar

توجه: فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد به شکل mən gələyəm و برای اول شخص جمع به شکل biz gələyək می‌باشد که در صرف از آن حرف ə و y را حذف می‌کنند. (مخفف شده فعل

مذکور برای اول شخص جمع همشکل با فعل امری [gelek] آن می‌باشد.)

۱-۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پایینی a, i, o, u ختم شود، برای سوم شخص مفرد به شکل زیر صرف می‌شود: آلا ala، پی‌خا yıxa، دولا dola، قاچا qaça – بعبارت دیگر اگر آخرین حرف صدادار فعلی با یکی از حروف «a, i, o, u» باشد،

پسوند آرزوئی تبدیل به «a» گشته و صرف می‌شود. مثال :

biz alaq	بیز آلاق	mən alam	من آلام
siz alasınız	سیز آلا سینیز	sən alasan	سن آلا سان
onlar alalar	اونلار آلالار	o ala	او آلا

– «نه اولا، او آلا بیر». nə ola , o ala bir.

توجه: اصل فعل برای اول شخص مفرد به شکل *alayam* و برای اول شخص جمع به شکل «*alayaq*» می‌باشد که در صرف بوده *يك a* و *y* حذف شده است. (مخفف شده فعل مذکور برای اول شخص جمع همشکل با فعل امری [*alaq*] می‌باشد.)

۱-۲) فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف به خود *يك y* اضافی می‌گیرد و به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:

من دئیم <i>mən deyəyəm(deyəm)</i>	بیز دئیک <i>biz deyə (yə)k</i>
سن دئییه سن <i>sən deyəsən</i>	سیز دئییه سینیز <i>siz deyəsiniz</i>
اؤ دئییه <i>o deyə</i>	اونلار دئییه لر <i>onlar deyələr</i>

– این افعال در محاوره به شکل *diyəm*, *diyəsən*, *diyə* نیز صرف می‌شوند.

– فعلی که آخرین حرف آن با حرف صدادار ختم می‌شود:

من اؤخویام *oxuyam*، سن اؤخویاسان *oxuyasan*، اؤ اؤخویا *oxuya*
 بیز اؤخویاق *oxuyaq*، سیز اؤخویاسانیز *oxuyasınız*، اونلار اؤخویالار *oxuyalar*
 اگر آخرین حرف فعل با حرف صدادار باشد، به آن *يك y* تکمیلی افزوده می‌شود.
 (*oxuya*, *üşüyə*, *dey*، هماهنگی کوچک)

۲) کلمات مخصوصی که با « فعل آرزویی » بکار گرفته

می‌شود، به شکل زیر می‌باشد:

« نه اؤلا » *nə ola*، « نه اؤلار » *nə olar*
 « بیر » *bir*، « بیر اؤلا » *bir ola*
 « نؤلا » *nola*، « آلاہ ائلی یه » *allah eləyə*

– در مواردی هم چند کلمه مذکور را در *يك* جمله در کنار هم قرار داده و به شکل زیر بکار می‌گیرند. مثال:

« نه اؤلا بیر *nə ola bir* » و یا « نه اؤلا آل - لاه ائیلہ یه *nə ola allah eyliyə* »

۳) جملات مختلف آرزوئی: muxtəlif arzu cümlələri:

نؤلا ، او گئده بيله بير . nola , o gedə bilə bir .

نه اؤلا بير، من بيرميليون پۇل تاپام . nə ola bir, mən bir milyon pul tapam.

نه اؤلا منيم ده بير قيزيم اؤلا . nə ola mənim də bir qızım ola .

آلاه ائيله يه منيم ده بير اؤغلوم اؤلا . allah eləyə mənimdə bir oğlum ola.

او ايندى گله بير، نه ياخشى اؤلار . o indi gələ bir , nə yaxşı olar.

نه اؤلا او ايندى گله بير . nə ola o indi gələ bir .

منيم آرزوم بۇدور كى سن بۇيا - باشا چاتاسان

mənim arzum budur ki , sən boya--başə çatasan.

او ايسته بيركى بۇشهرده ياشايا . o istəyir ki , bu şəhərdə yaşaya .

او اؤغلان هميشه ايسته ير كى ، اؤخويا . o oğlan həmişə istəyər ki, oxuya.

۱-۳) نفى فعل باوجه آرزوئی بوسيله « مه » و « ما » به شكل زیر می باشد:

من گلمه يه م ، mən gəlməyəm بيز گلمه يك

سن گلمه يه سن ، sən gəlməyəsən سيز گلمه يه سينيز

او گلمه يه ، o gəlməyə اؤنلار گلمه يه لر

- او گلمه يه بير . بيز گلمه يك بير . اؤنلار گلمه يه لر بير .

اصل فعل mən gəlməyəyəm می باشد که آن را مخفف کرده و صرف می کنند :

معمولا افعال آرزوئی را همراه کلمات آرزوئی بکار بردند و یا به شكل فعل كمكى صرف

می کنند. مثال : « او گلمه يه بير gəlməyə bir » ،

او گلن مه يه (گلنمه يه) بير o gələnməyə bir ،

یا « او گله بيلمه يه بير o gələ bilməyə bir » و یا به شكل « آل لاه ائيله يه ،

او گله بيلمه يه بير allah eləyə , o gələ bilməyə bir » و... گفته می شود.

۲-۳) گذشته فعل باوجه آرزوئی :

ماضی فعل آرزوئی همانند سایر افعال بوسیله پسوند گذشته (ایدی ، ایمیش) ساخته می شود .
 فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی (ü , ö , i , e , ə) ختم شود به شکل
 زیر به زمان گذشته صرف می شود : (توجه شود که فعل آرزوئی را با کلمات آرزوئی
 مثل « بیر ... » بکار می برند .)

biz	gələydik	بیز گله یدیک	mən	gələydim	من گله یدیم
siz	gələydiniz(diz)	سیز گله یدینیز	sən	gələydin	سن گله یدین
onlar	gələydilər	اونلار گله یدیلر	o	gələydi	او گله یدی

۳-۳) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی (a , ı , o , u) ختم شود ،
 (همراه کلمه « بیر » و ..) به شکل زیر صرف می شود :

biz	alaydıq	بیز آلایدیق	mən	alaydım	من آلایدیم
siz	alaydınız	سیز آلایدینیز	sən	alaydın	سن آلایدین
onlar	alaydılar	اونلار آلایدیلا	o	alaydı	او آلایدی

– با وجودی که فعل مذکور ماضی فعل آرزوئی است می توان آن را به كمك کلمات
 « قید زمانی » برای زمان گذشته ، حال و آینده به شکل زیر بکار گرفت . مثال :

او ایندی گله یدی بیر .
 o indi gələydi bir.

او صاباح گله بیل مه یه یدی بیر .
 o sabah gələ bilməyəydi bir.

نه اولاییدی ، منیم بالام ایندی غوربت (قوربت) دن گله یدی ، من اونو باغریما
 بیر باسایدیم .

nə olaydı, mənim balam indi gürbətdən gələydi,

mən onu bağrıma bir basaydım .

۳) فعل با وجه آرزوئی کمکی

فعل آرزوئی کمکی، ترکیبی از دو فعل است که آخرین فعل آن فعل کمکی «بیل» می باشد که همراه حرف میانوندی بکار گرفته می شود. فعل آرزوئی کمکی عمدتاً با کلمه آرزوئی (مثل : «بیر» و ..) بکار گرفته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

biz gələ bil(əy)ək	بیز گله بيله يه ك	mən gələ bil(əy)əm	من گله بيله يم
siz gələ biləsiniz	سيز گله بيله سينيز	sən gələ biləsən	سن گله بيله سن
onlar gələ bilələr	اونلار گله بيله لر	o gələ bilə	او گله بيله

توجه : در صرف این فعل برای اول شخص مفرد و جمع ، يك θ و γ حذف می کنند.

۳-۱) گذشته فعل با وجه آرزوئی کمکی به شکل زیر صرف می شود:

mən (bir) gələ biləydim	من (بیر) گله بيله يديم
sən (bir) gələ biləydın	سن (بیر) گله بيله يدين
o (bir) gələ biləydi	او (بیر) گله بيله يدي
mən (bir) gələ biləymişəm	- گذشته دور : من بیر گله بيله يميشم
mən (bir) gələ biləymişdim	- گذشته دورتر : من بیر گله بيله يميشديم

- ماضی فعل آرزوئی بوسیله قید زمانی می تواند مفهوم زمان حال و آینده را بخود بگیرد.

۳-۲) فعل آرزوئی در جمله به اشکال زیر نیز صرف می شود:

فعل باوجه آرزوئی التزامی: سن بیر گلملی اولاسان. sən bir gəlməli olasan.
فعل باوجه آرزوئی کمکی التزامی: سن بیر گلملی اولایيله سن. sən bir gəlməli ola biləsən.
گذشته با وجه التزامی: او گلملی اولاییدی بیر. o gəlməli olaydi bir.
گذشته با وجه التزامی کمکی: او گلملی اولایيله يدی بیر. o gəlməli ola biləydi bir.
- فعل آرزوئی به سایر زمانهای گذشته نیز به شکل زیر قابل صرف می باشد :

گذشته دور فعل با وجه آرزوئی: من گله يميشم mən gələymişəm
گذشته دورتر: من گله يميشديم mən gələymişdim

(۱) جمله « آرزویی غیر واقعی » :

« جمله آرزوی غیر واقعی » بوسیله ماضی « فعل آرزویی » و نیز کلمه « کشکه » (کاشکی) که در اول جمله قرار می گیرد ، ساخته می شود. این جمله مفهوم زمان گذشته ، حال و آینده را دارد که بوسیله قید زمانی برای زمانهای مختلف صرف می شود. این فعل زمانی بکار گرفته می شود که به آرزوی مورد نظر امکان دسترسی موجود نباشد.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ بالائی $\ddot{u}$, $\ddot{o}$, i , e , $\ddot{a}$ ختم شود ، به شکل زیر در جملات « آرزوی غیر واقعی » بکار گرفته می شود :

جملات « آرزوی غیر واقعی » بدون قید زمانی مفهوم زمان گذشته ، حال و آینده را می دهد. مثال :

keşkə (kaş ki) mən gələydim	ککشکه (کاشکی) من گله یدیم
keşkə (kaş ki) sən gələydin	ککشکه (کاشکی) سن گله یدین
keşkə (kaş ki) o gələydi	ککشکه (کاشکی) او گله یدی
keşkə (kaş ki) biz gələydik	ککشکه (کاشکی) بیز گله یدیک
keşkə (keş ki) siz gələydiniz	ککشکه (کاشکی) سیز گله یدینیز
keşkə (kaş ki) onlar gələydilər	ککشکه (کاشکی) اونلار گله یدیلر

جملات « آرزوی غیر واقعی » دیگری که بدون قید زمانی مفهوم زمان گذشته ، حال و

آینده نزدیک را دارد به شکل زیر می باشد:

kaş ki mən uşaq olaydım .	کاشکی من اوشاق اولایدیم .
kaş ki , mən də milyonlar olaydım .	کاشکی کی من ده میلیونر اولایدیم .
kaş ki mənim on qardaşım olaydı .	کاشکی منیم اون قارداشیم اولایدی .
	ککشکه منیم آتام ، آنام ساغ اولایدی (اولایدیلار) .

keşkə mənim atam , anam sağ olaydı (olaydılar) .

ککشکه من بیر قووش اولوب ، قانات آچیب ، داغدا ، داشدا اوجایدیم .

keşkə mən bir quş olub, qanad açıb, dağda-daşda uçaydım.

۱-۱) جملات « آرزوئی غیر واقعی » در زمانهای مختلف گذشته نیز بکار گرفته می شوند. مثال :

گذشته دور : کاشکی (کَشکَه) گله یمیشم kaş ki (kəşkə) gələymişəm
گذشته دورتر : کاشکی (کَشکَه) گله یمیشدیم kaş ki (kəşkə) gələymişdin

۱-۲) فعل کمکی در «جمله آرزوئی غیرواقعی» به شکل زیر صرف می شود :

کَشکَه من گله بیله یدیم keşkə mən gələ biləydim
کَشکَه سن گله بیله یدین keşkə sən gələ biləydin
کَشکَه او گله بیله یدی keşkə o gələ biləydi

فعل مذکور به کمک « اُولماق » به شکل التزامی و کمکی التزامی نیز صرف می شود:

التزامی: کَشکَه من گلملی اُولایدیم keşkə mən gəlməli olaydım

کمکی التزامی: کَشکَه من گله بیلملی اُولایدیم.. keşkə mən gələ bilməli olaydım..

جملات آرزوئی غیر واقعی بوسیله کلمات قید زمانی در زمانهای مختلف به شکل زیر بکار گرفته می شوند. مثال :

کَشکَه من ایندی آلایدیم . keşkə mən indi alaydım.

کَشکَه سن صاباح گله یدین . keşkə sən sabah gələydin.

کَشکَه او دونن بۇرایا گله یدی . keşkə o dünən buraya gələydi.

– به جملات دیگر « آرزوی غیر واقعی » که بوسیله کلمات « قید زمانی » به زمانهای مختلف صرف می شوند توجه کنید :

کاش کی (کَشکَه) من اُون ایلدن سُونرا آنادان اُولایدیم .

[keşkə] kaş ki mən on ildən sonra anadan olaydım.

کَشکَه ایندیکی عقلیم (عغلیم) ، اُون ایلدن قاباق منده اُولایدی .

keşkə indiki əğlim ,on ildən qabaq məndə olaydi .

(۱) فعل امری آرزوئی و فرمهای مختلف :

فعل امری آرزوئی ، فعلی است که « امر » و « آرزو » را در يك كلمه بیان می کند و این فعل تنها در بین دوستان و آشنایان نزدیک بکار گرفته می شود .

فعل امری آرزوئی در زبان ترکی به دو شکل صرف شده است :

(الف) شکلی که کهنه شده و امروزه در آذربایجان بکار گرفته نمی شود.

(ب) شکلی که فرم قدیمی آن تغییر داده شده و امروزه در ابعاد وسیعتری معمول گشته و

به شکل زیر مورد استفاده قرار می گیرد :

(۱-۱) صرف فعل امری آرزوئی :

فعلی که امروزه بعنوان « فعل امری آرزوئی » در بین دوستان و اعضای فامیل بکار گرفته

می شود به دو شکل بوده و بوسیله ترکیب « فعل امری » و حروف اضافی (« ha » و

« da ») که به شکل پسوند به آخر فعل پیوند می خورد ، ساخته می شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد به شکل زیر صرف می شود. مثال :

biz	gələk hə	بیز گله ك ها	mən	gəlim hə	من گلیم ها
sin	gəlin hə	سین گلین ها	sən	gəl hə	سن گل ها
onlar	gəlsinlər hə	اونلار گلسین لره	o	gəlsin hə	او گلسین ها

– توجه شود که در صرف به هماهنگی حرف صدادار توجه نکرده و افعال مذکور با پسوند

« da » به شکل زیر نیز صرف می کنند :

biz gələk da ، mən gəlim da من گلیم ده ، بیز گله ك ده

sin gəlin da ، sən gəl da سن گل ده ، سین گلین ده

onlar gəlin da ، o gəlsin da اونلار گلین لره ، او گلسین ده

– پسوند فعل مذکور بجای də به شکل da نیز گفته می شود.

– بکار گیری افعال مذکور در جمله به شکل زیر می باشد:

عمی جان آخشام شاما بیزه «گل ها». "əmi- can, axşam şama bizə" gəlha".

عمی، عمی قیزی یا بیر آز پۇل « وئرها » .. "ver ha" bir az pul əmi, əmiqızıya

عمی، عمی قیزی یا بیر آز پۇل « وئرده » . "də" ver əmi, əmiqızıya bir az pul

– در صرف فعل مذکور در موارد زیادی حرف صدادر پسوند (ha , da) را با حرف صدادر ریشه فعل هماهنگ نمی سازند و عمدتاً آنها را به شکل (ha , da) و در موارد کمی هم به شکل (də , hə) با هماهنگی کوچک بکار می برند. از این روست که پسوندهای مذکور در این کتاب جدا از فعل نوشته شده است . مثال :

سن بۇ کیتابی اؤخو ها . sən bu kitabı oxu ha .

عمی، عمی قیزی یا بیر آز پۇل وئردا . "da" ver əmi, əmiqızıya bir az pul

سن بۇ کیتابی « یاز ها » . sən bu kitabı " yaz ha " .

سن اؤنون پۇللارینی خرج « ائدمه دا » (ده)

sən onun pullarını xərc "edmə da" (də) .

توجه : فعل مذکور علاوه بر بیان « امر و آرزو » مفاهیم دیگری را نیز در

جمله می تواند به شکل زیر بیان کند :

– پسوند « ها ha » را می توان در زمانی بکار گرفت که همراه « امر و آرزو » تذکر نیز داده می شود. مثال: عمی جان، عمی اؤغلونون پۇلا برك احتیاجی وار اؤنا بیر آز پۇل « وئرها » .

əmi - can, əmi-oğlunun pula bərk ehtiyacı var, ona bir az pul"ver hə".

– پسوند « دا » زمانی بکار گرفته می شود که کسی قبلاً در رابطه با کاری به شخصی تذکر داده و اکنون نه تنها گفته خود را تکرار می کند بلکه به انتقاد دوستانه ای نیز

که منظور از آن اصلاح اشتباه طرف مقابل است دست می زند. مثال :

عمی جان ، سنه بیر دفعه دئدیم ها ، عمی اؤغلونون پۇلا برك احتیاجی وار ، اؤنا بیر آز

پول « وئردا » (ده) . əmi- can, sənə bir dəfə dedim ha ,əmi- oğlunun.

pula bərk ehtiyacı var , ona bir az pul " vər də"(da).

(۱-۱) اگر شخصی بخواهد در رابطه با کار زشت و یا خطرناکی به دوست و

آشنای خود اخطار و تذکر دهد به فعل « امری آرزوئی » کلمه « آمان » (آمان) یا « یامان » و پیسیدی (زشت) را می افزاید. مثال :

yalan demə amandır ha . یالان دئمه آمان دیر ها
oğurluq eləmə amandır ha. اوغورلوق ائله مه آمان دیر ها .
oğurluq eləmə ha, amandır . اوغورلوق ائله مه ها آماندیر .
adamlara toxunma da pisdir . آدمالارا « توخونما دا » پیسیدیر.

- « یامان » در جاهای دیگر نیز بکار می رود. مثال :

heç kimə yaman demə (به کسی بدنگو و یا فحش نده)
yaman iş görmə (کار زشت انجام نده) یامان ایش گؤرمه

(۱) فعل « امری آرزوئی » به فرم قدیمی :

این فعل امروزه بکار گرفته نمی شود ولی آن در اشعار قدیم صرف شده است و به این دلیل آموختن آن لازم است.

(۱-۱) پسوند « آ » در بعضی کتب و اشعار قدیمی به شکل زیر صرف شده است :

وئر منا ver mən a (بده به من) امروزه گفته می شود :

منه وئر ها mənə ver ha آل سنا alsən a (خودت بگیر) امروزه گفته می شود :
سن آل ها sən al ha

برای مثال به شعری از فضولی توجه کنید :

« .. منع ایله ، ورمه هر نه گر کمز سنا منا یارب ، هدایت ایله طریق فنا منا »

mən,ı eylə,vermə hər nə gərəkməz səna - mənə

yarəb , hedayət eylə təriq fəna mən

افعال در شعر مذکور بدین شکل می باشند: منع « ایله » فعل امری ، « ورمه » به شکل نفی فعل امری ، « گر کمز » نفی و کلمه التزامی که در جمله آرزوئی با شک و تردید نیز بکار

گرفته می‌شود و « سنا منا » تو و من با علامت فعل امری آرزوئی می‌باشد که آنها را می‌توان در شعر مذکور به شکل منع ایغله آ ، ورمه آ ، گر کمز آ نیز به حساب آورد.

۱-۲) فعل امری آرزوئی دیگری در رابطه با اول شخص جمع به شکل « بیز گله لیم » (biz gələ-lim) در اشعار قدیمی کم و بیش مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال به شعری از فضولی توجه کنید :

« گل ای اهل حقیقت چیخالیم دنیادن غیر یرلر گزلیم ، اؤزگه سفالر گۆره لیم »
 « gəl ey əhl həqiqət çıxalım dünyadən ğeyr yerlər gəzəlim, özgə səfalər görəlim »
 در شعر مذکور افعال « چیخالیم çıxalım » ، « گزلیم gəzəlim » و « گۆره لیم görəlim » به شکل « فعل امری آرزوئی » هستند .

- در کتاب شعر « هپ هپ نامه » از صابر طاهر زاده چنین می‌خوانیم :

« بیزه لازیمه حقّه قۇل اۇلالیم والدینه مطیع اۇغول اۇلالیم »

« bizə lazımə həqqə qul olalım valıdeynə möti oğul olalım »

امروزه در محاوره در موارد کمی فعل در رابطه با اول شخص مفرد به شکل « گل لم » (gəl-ləm) و یا به شکل « آل - لام (al-lam) در رابطه با سوم شخص جمع به شکل « اۇلار گله ل لر (olar gəl-əl-lər » و یا به شکل « آلا - للار » (alal-lar) صرف می‌شود (مثال : به شعری از « واحد » توجه شود : « طالع منه یار لماسا من ئییلیه بیللم ») که شاید از همان فعلی باشد که در اشعار قدیمی بعنوان فعل امری آرزوئی برای دوم شخص جمع بکار برده شده است.

توجه : فعل « امری آرزوئی » مذکور در لهجه ترکی استانبول امروزه به این شکل

(geleyim, gelesin, gelsin, gelelim , gelesiniz, gelsinler)

صرف می‌شود که تنها تشابه آن با افعال مذکور همان فرم اول شخصی

جمع (به شکل من گله لیم mən gələlim) می‌باشد.

(۱) فعل شرطی و فرمهای مختلف آن :

فعل شرطی بوسیله ریشه فعل و پسوند « ایسه » (*isə*) و « ایسا » (*isa*) که مخفف شده آن به شکل « سه » (*sə*) ، « سا » (*sa*) می باشد ساخته میشود .

حرف صدادار پسوند شرطی وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است که در نتیجه اگر آخرین حرف صدادار فعل به آهنگ پائینی (*a, i, o, u*) ختم شود ، علامت پسوند شرطی به شکل *sa* (*isa*) [مثل: آلسا، اگر بگیرد] و اگر آخرین حرف صدادار فعل به آهنگ بالائی (*ə, e, i, ö, ü*) ختم شود علامت پسوند شرطی به شکل *sə* (*isə*) در می آید . (مثل : گلسه ، اگر می آمد) :

در زبان ترکی دو نوع « فعل شرطی » وجود دارد که به سه شکل زیر صرف می شود :

الف) « فعل شرطی غیر واقعی » که بوسیله ریشه فعل (مثل : گل) و پسوند « سه » (مثل : گلسم ، اگر می آمدم) ، بیلسم (اگر می دانستم) ساخته می شود.

ب : ۱) فعل شرطی واقعی در زمان حال که بوسیله ریشه فعل و علامت زمان حال (مثل : *ir, ur, ür, ir*) همراه علامت شرطی (سه و سا) بوجود می آید. مثال :

گلیرسم (اگر می آیم بعبارتی وقتی، هنگامی که همانکه می آیم) ، بیلیرسم (اگر می دانم و یا هنگامی و وقتی که میدانم) ، گولورسم (اگر می خندم و یا وقتی و هنگامی که می خندم)

ب-۲) « فعل شرطی واقعی » که بوسیله ریشه فعل و علامت فعل آینده نزدیک (*ər, ar*) همراه پسوند شرطی « سه » ساخته می شود. مثل :

گلرسم (اگر بیایم در آینده نزدیک بعبارتی هنگامی که بیایم) بیلرسم (اگر بدانم و یا هنگامی که دانستم) ، گولرسم (اگر به خندم و یا هنگامی که خندیدم) متأسفانه به علت عدم آموزش زبان ترکی و تأثیرات نواقص (فعل شرطی و آرزویی..) موجوده در زبان فارسی بعنوان زبان رسمی و آموزشی کشور ، باعث شده که مردم در محاوره افعال شرطی را به شکل صحیح خود بکار نبرند.

واضح است هر فعلی که در زبان رسمی شده کشور موجود نباشد در زبانهای « محلی » غیر رسمی اضافی تلقی شده [بجای آموختن و تکامل متقابل زبانهای موجوده آن را ابتدائی و مبتذل خوانده] و اجباراً به مرور زمان کنار گذاشته می شود ، چرا که این افعال با زبان رسمی و آموزشی کشور قابل توضیح و هضم نمی باشد. در نتیجه امروزه مردم تفاوت چندانی بین « فعل شرطی واقعی » و « فعل شرطی غیر واقعی » قائل نمی شوند و « فعل شرطی غیر واقعی » (گلسم gəlsəm) را بجای « فعل شرطی واقعی » (گلرسم gələrsəm) و یا گلیرسم (gəlirsəm) بکار می برند و به آن کلمه « اگر » را نیز می افزایند. مثلاً :

اگر من فردا بخانه شما بیایم ، شام را ساعت هفت می خوریم . (من صاباح سیزه گلسم gəlsəm [بجای گلرسم gələrsəm به مفهوم : همانکه ، وقتی که رسیدم] شامی ساعات یتدیده بییه ریک.)

(۱-۱) فعل شرطی غیر واقعی بوسیله ریشه فعل و پسوند شرطی (« sə » و « sa ») به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

men gəlsəm	من گلسم	biz gəlsək	بیز گلسک
sən gəlsən	سن گلسن	siz gəlsəniz	سبز گلسنه نیز
o gəlsə	او گلسه	onlar gəlsələr	اونلار گلسه لر

(۱-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به آهنگ پائینی ختم شود به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

men alsam	من آلسام	biz alsaq	بیز آلساق
sən alsan	سن آلسان	siz alsanız	سبز آلسانیز
o alsa	او آلسا	onlar alsalar	اونلار آلسالار

(۱-۳) نفی فعل شرطی غیر واقعی بوسیله کلمه « مه » و « ما » که به ریشه فعل پیوند

می‌خورد ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

من گلمه سم mən gəlməsəm ، بیز گلمه سه ك biz gəlməsək
 سن گلمه سن sən gəlməsən ، سیز گلمه سه نیز siz gəlməsəniz
 او گلمه سه o gəlməsə ، اونلار گلمه سه لر onlar gəlməsələr

۳-۱) گذشته فعل شرطی غیر واقعی همانند افعال دیگر بوسیله پسوندهای ماضی

(idi ، imiş و..) به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

من گلسه یدییم mən gəlsəydim ، بیز گلسه یدیک biz gəlsəydik
 سن گلسه یدین sən gəlsəydin ، سیز گلسه یدینیز siz gəlsəydiniz
 او گلسه یدی o gəlsəydi ، اونلار گلسه یدیلر onlar gəlsəydilər

۶-۱) نفی گذشته فعل شرطی غیر واقعی به شکل زیر برای ضمایر شخصی می‌باشد :

من گلمه سه یدییم mən gəlməsəydim ، بیز گلمه سه یدیک biz gəlməsəydik
 سن گلمه سه یدین sən gəlməsəydin ، سیز گلمه سه یدینیز siz gəlməsəydiniz
 او گلمه سه یدی o gəlməsəydi ، اونلار گلمه سه یدیلر onlar gəlməsəydilər

– « فعل شرطی غیر واقعی » زمانی بکار گرفته می‌شود که شرط مطروحه واقعیت نداشته باشد و یا امکان دسترسی به آن موجود نباشد. مثال :

پۇلوم اۆلسایدی بورادا بیر ائو آلااردیم . یعنی : اگر من پول داشتم در اینجا يك خانه می‌خریدم . این جمله شرطی است به این مضمون که من اگر پول داشتم کاری را انجام می‌دادم . یعنی خانه می‌خریدم ، غیر واقعی است زیرا که پول نداشتم و در نتیجه خانه هم نمی‌توانستم بخرم .

(۲) « افعال شرطی واقعی » :

فعل « شرطی واقعی » در زبان ترکی به دو شکل زیر ساخته می شود :

(a) فعلی که بوسیله ریشه فعل و علامت زمان حال « ir,ur , ır , ür » همراه پسوند شرطی (sa , sə [isə , isa]) بوجود می آید .

(b) فعلی که بوسیله ریشه فعل و علامت آینده نزدیک (ar , ər) همراه پسوند شرطی (se , sa [isə , isa]) ساخته می شود.

فعل « شرطی واقعی » زمانی بکار گرفته می شود که گوینده مطلب بخواهد واقعیت عملی را که شرطی بوده و بوقوع پیوستن آن را نیز حتمی می پندارد بیان کند. مثال :

احمد ائوه گلر سه یئمک یئییه ریک .
əhməd evə gələrsə,yemək yeyərik .

اگر احمد به خانه بیاید غذا می خوریم (بعبارتی وقتی که احمد به خانه آمد [رسید] غذا

می خوریم). صرف افعال شرطی واقعی (در زمان حال و آینده نزدیک) در رابطه با دوم

شخصی مفرد حتماً باید بوسیله علامت شرطی « ایسه » (isə , isa) به شکل « سن

گلیرایسن sən gəlirisən » و « سن آلارایسان sən alarisan » و .. (بدون حذف [i])

بکار رود. اگر به شکل مخفف شده (« سه ، سا sa,sə) صرف شود همشکل با

فعل زمان حال و آینده نزدیک می شود. فعل شرطی واقعی در قدیم نیز برای دوم

شخص مفرد به شکل « ایسه ، ایسا » (بدون حذف « i ») صرف شده است.

– برای مثال به شعری از فضولی توجه کنید :

« فضولی ایسترایسن از دیاد رتبه فضل دیار روم گوزت ، ترک خاک بغداد ائت »

(fezüli istərisən ezdiyad rotbeye fəzl diyar rom göz et ,....)

(۲-۱) فعل شرطی واقعی با پسوند زمان حال (ir,ır,ür,ur) به شکل زیر صرف می شود :

در صرف این فعل برای دوم شخص مفرد (سن) علامت شرطی نباید مخفف شود بلکه

باید به شکل « isə , isa » بکار گرفته شود :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد به شکل زیر صرف شود :

men gəlirsəm	من گلیرسم	،	biz gəlirsək	بیز گلیرسک
sən gəlirisən	سن گلیرایسن	،	siz gəlirsəniz	سیز گلیرسه نیز
o gəlirsə	او گلیرسه	،	onlar gəlirsələr	اونلار گلیرسه لر

۲-۲) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی است ، به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən alırsam	من آلیرسالم	،	biz alırsək	بیز آلیرسک
sən alırsan	سن آلیرایسان	،	siz alırsəniz	سیز آلیرسانیز
o alırsa	او آلیرسا	،	onlar alırsələr	اونلار آلیرسالار

۳-۳) فعل شرطی واقعی بوسیله فعل آینده نزدیک (er, ar) به شکل زیر صرف می شود :

(این فعل در رابطه با دوم شخص مفرد نباید مخفف شود بلکه باید بوسیله علامت

شرطی « ایسه ، ایسا » [sən gələrisən : مثل : بکار رود ، در غیر اینصورت

همشکل فعل آینده نزدیک در می آید).

mən gələrsəm	من گلیرسم	،	biz gələrsək	بیز گلیرسک
sən gələrisən	سن گلیرایسن	،	siz gələrsəniz	سیز گلیرسه نیز
o gələrsə	او گلیرسه	،	onlar gələrsələr	اونلار گلیرسه لر

۳-۴) نفی « فعل شرطی واقعی » بوسیله کلمه نفی « مز » به شکل زیر صرف می شود. مثال :

mən gəlməzsəm	من گلمزسم	،	biz gəlməzsək	بیز گلمزسک
sən gəlməzisən	سن گلمزایسن	،	siz gəlməzsəniz	سیز گلمزسه نیز
o gəlməzsə	او گلمزسه	،	onlar gəlməzsələr	اونلار گلمزسه لر

۱) جمله شك و تردید

فعل زمانی فرم « شك و تردید» بخود می‌گیرد که در جمله با کلمه « به یه bəyə » و « شاید şayəd » بلکه bəlkə ، اگر (əyər , əgər) و.. بکار گرفته شود. تمام فرمها و اشکال افعال در زبان ترکی می‌توانند با کلمات مذکور به شکل « شك و تردید » مبدل شده و صرف شوند. (مبحث کلمه اگر و.. در صفحه ۲۰۳ می‌باشد)

« جمله شك و تردید» زمانی بکار گرفته می‌شود که بیان کننده مطلب برای بوقوع پیوستن عمل مطروحه اطمینان کامل نداشته و برای فهماندن نظر خود جمله را با کلمات « شك و تردید » بیان می‌کند. مثال :

- | | | | |
|--------------------------|------------------------|------------------------|---------------------------|
| زمان حال : | دئییه سن گلیر | deyəsan gəlir | (گو اینکه می‌آید.) |
| آینده نزدیک : | دئییه سن گلر | deyəsan gələr | (گویا اینکه می‌آید) |
| آینده : | دئییه سن گله جک | deyəsan gələcək | (گویا خواهد آمد) |
| گذشته استمراری : | حتماً گلیردی | hətmən gəlirdi | (حتماً می‌آمد) . |
| احتمال وارکی، گلیر | ehtimal var ki , gəlir | | (احتمال دارد که می‌آید) |
| - زمان حال : | بئییه (شاید) گلیر | bəyə (şayəd) gəlir | |
| - گذشته استمراری : | بئییه گلیردی | bəyə (şayəd) gəlirdi | |
| - آینده نزدیک : | اگر گلر | əgər gələr | |
| - آینده نزدیک در گذشته : | اگر گلردی | əgər gələrdi | |
| - آینده : | اگر من گله جه یم | əgər mən gələcəyəm | |
| - آینده در گذشته : | اگر من گله جه یدیم | əgər mən gələcəydim | |
| - زمان حال مصدری: | بلکه او گلمکده دیر | bəlkə o gəlməkdədir | |
| - ماضی استمراری مصدری: | بئییه او گلمکده ید | bəyə o gəlməgdəydi | |

۱-۱) در مواردی جمله « شك و تردید » را به وسیله « فعل آرزوئی» که مفهوم

آینده نزدیک را می‌دهد به شکل زیر صرف می‌کنند :

mən bəyə (şayəd) gələyəm (gələm)	من به یه (شاید) گلم
sən bəyə (şayəd) gələsən	سن به یه (شاید) گله سن
o bəyə (şayəd) gələ	او به یه (شاید) گله
biz bəyə (şayəd) gələk	بیز به یه (شاید) گله ک
siz bəyə (şayəd) gələsiniz	سیز به یه (شاید) گله سینیز
onlar bəyə (şayəd) gələlər	اونلار بیه (شاید) گله لر

– و یا بلکه گلم bəlkə gələm ، بلکه گله سن bəlkə gələsən
کلمات مذکور زمانی بکار گرفته می‌شوند که کسی از خوشحالی یا از ترس هیجان خود را بزبان بیاورد : بیه او گله آلاه نه اولار. (بلکه او بیاید ، خدا چه می‌شود) و یا ، بیه ایندی زلزله اولا آلاه نه اولار. (شاید الان زلزله رخ دهد خدا چه می‌شود).

کلمه التزامی « گَرک » (باید) و « جمله آرزویی غیر واقعی » :
کلمه گَرک (باید) را می‌توان بوسیله فعل « ایملک » (بودن) به زمان گذشته صرف کرد:

gərək	گَرک	،	gəräydi	گَریدی
gəräymiş	گَریمیش	،	gəräymişdi	گَریمیشدی

در مواردی ماضی گَرک (گَریدی و ..) را همراه ماضی فعل آرزویی برای بیان « پشیمانی » از کاری که به عللی در زمان گذشته به سرانجام نرسیده است بکار می‌برند. (ای کاش می‌آمدم ، پشیمانم که نیامدم ، حیف شد که نیامدم) مثال :

mən gəräydi gələydim	من گَریدی گله یدیم	(گَریدی من گله یدیم)
sən gəräydi gələydin	سن گَریدی گله یدین	(گَریدی سن گله یدین)

- o gəräydi gäläydi (گَریدی اؤ گله یدی)
 توجه : کلمه « گَریدی » و « گله یدیم » هر دو در جمله به شکل ماضی بکار رفته
 است که می توان با يك ماضی نیز صرف کرد. مثال :
 mən gərək gäläydim (گَرک من گله یدیم)
 sən gərək gäläydin (گَرک سن گله یدین)
 o gərək gäläydi (گَرک اؤ گله یدی)

آرزوی از دست رفته و پشیمانی از عمل انجام نیافته را می توان بوسیله
 ماضی التزامی کلمه « گَرک » (گَریدی) همراه فعل آرزویی به شکل زیر بیان کرد :
 (ای کاش که [می بایستی] می آمدم [حیف شد که نیامدم])
 gəräydi mən gäləm (gäläyäm) (من گریدی گلم)
 gəräydi sən gäläsən (سن گریدی گله سن)
 gəräydi o gälə (اؤ گریدی گله)
 کلمه « گَرک » را همراه فعل آرزویی برای زمان آینده که مفهوم التزامی و یا آرزویی دارد به
 شکل زیر نیز می توان صرف کرد :

من گَرک گلم ، سن گَرک گله سن ، اؤ گَرک گله ، بیز گَرک گله ک ،
 سیز گَرک گله سینیز ، اؤنلار گَرک گله لر و...

.

.

.

.

.

جدول مقایسه افعال مختلف

برای شناخت بهتر فرمهای افعال به جدول زیر که در آن ریشه مصدر گلمک (آمدن) با پسوندهای مختلف برای دوم شخص مفرد صرف شده توجه کنید :

sən	gəl,ir,sən	سن گلیرسن	حال حاضر :
sən	gəl,ər, sən	سن گلرسن	آینده نزدیک :
sən	gəl	سن گل	فعل امری :
sən	gəl,mək,də,sən	سن گلمکده سن	مصدری (در زمان حال) :
sən	gəl,ən,sən	سن گلن سن	فاعلیت صفتی :
sən	gəl,ə,bil,ir,sən	سن گله بیلیر سن	فعل کمکی (زمان حال) :
sən	gəl,məli,sən	سن گلملی سن	فعل باوجه التزامی :
sən	gəl,əcək,sən	سن گله جک سن	آینده :
sən	gəl,ə,sən	سن گله سن	آرزوی واقعی :
kaş ki	gəl,ə,y,din	سن کشکه سن گله دین	جمله آرزویی غیر واقعی :
sən	gəl,din	سن گلدین	فعل ماضی :
sən	gəl,ir,din	سن گلیردین	ماضی استمراری :
sən	gəl,ər,din	سن گلردین	ماضی آینده نزدیک :
sən	gəl,ib, sən	سن گلیب سن	ماضی نقلی :
sən	gəl,isən		شرطی غیر واقعی :
sən	gə,lir,sən		شرطی واقعی :

عملکرد کلمه « اگر » و .. در جملات شك و تردید :

کلمه « اگر » در زبان ترکی یکی از علائم شك و تردید می باشد. در مواردی کلمه « اگر » را (همچون در زبان فارسی) علامت فعل شرطی می پنداشته اند. (بنظر می رسد که آن تاثیر زبان فارسی باشد) کلمه « اگر » می تواند با تمام فرمهای افعال [بجز امری] ترکی بکار گرفته شود. مثال :

اگر گلرم (صرف فعل به شکل آینده نزدیک) ، اگر گلیرم (زمان حال) ، اگر او گله (آرزویی) ، اگر او گلسه (شرطی) . اگر او گلملی دیر (التزامی) ، اگر او گلملی اولاً بیله و ... برای روشن شدن عمل کرد کلمات شك و تردید به مبحث زیر (منجمله در رابطه با کلمه « اگر » که همراه فعل شرطی است) توجه کنید. مثال :

« اگر کار نکنم ، بی پول می مانم » .

در مقابل بند اول جمله مذکور، این سوال پیش می آید که اگر کار نکنم چه می شود ؟ در جواب آن در بند دوم جمله گفته می شود بی پول می مانم . این نوع جمله را می توان در زبان ترکی یکی از انواع مختلف جمله بندیهای شرطی مثل « فعل آینده در گذشته » و « آینده نزدیک در گذشته » بحساب آورد.

« اگر کار نکنم ، بی پول می مانم » در زبان فارسی به شکل وجه شرطی می باشد. زیرا کلمه « اگر » در زبان فارسی علامتی است که با آن جمله شرطی (بجای فعل شرطی) ساخته می شود. اگر دقت نشود جمله مذکور می تواند در زبان ترکی به مفاهیم مختلف بکار گرفته شود زیرا جمله مذکور نا مفهوم و چند پهلوی می باشد . بعبارتی جمله شرطی مذکور (« اگر کار نکنم ، بی پول می مانم ») روشن نمی کند که من اکنون مشغول کار هستم یا نیستم و یا من اکنون پول دارم و یا ندارم. در زبان ترکی برای بیان عمل مطروحه ، فعل شرطی به دو نوع بکار گرفته می شود که یکی واقعیت عملی و دیگری کار غیرعملی را در جمله بوسیله فعل شرطی بیان می کند . ولی جمله شرطی « اگر کار نکنم ، بی پول می مانم » واقعیت عملی و غیر عملی فعل را روشن نمی کند. برای روشن شدن هرچه بهتر مطلب به مثالهای دیگری به زبان ترکی توجه کنید :

(۱) « ایشله مزسم پؤلسوز قالارام » . به این معنی که اگر من کار نکنم بی پول می مانم.

ایشله مزسم : (اگر کار نکنم) نفی فعل آینده نزدیک همراه علامت فعل شرطی (سه) می باشد. ایشله مزسم (اگر کار نکنم) فعلی است که واقعیت را بیان کرده است . به این معنی که من بعنوان کارگر ، اگر کار نکنم واضح است که بی پول می مانم .

(۲) « ایشله مه سم پۇلسوز قالارام » . (اگر کار نکنم و ..) در فعل « ایشله مه سم » ریشه فعل همراه کلمه نفی با علامت شرطی (سه) بکار رفته است . بعبارتی جمله مذکور با « فعل شرطی غیر واقعی » ساخته شده و از جمله چنین فهمیده می شود که من مشغول کار هستم و پول هم دارم و عمل مطروحه غیر واقعی می باشد .

(۳) « [اگر] ایشله مه یم پۇلسوز قالارام » (اگر کار نکنم و ..) . این جمله بندی با فعل شرطی نبوده بلکه با « فعل آرزویی » ساخته شده و جمله به شکل « آرزویی با شك و تردید » فهمیده می شود .

برای روشن شدن عملکرد کلمه « اگر » در زبان ترکی به مثالهای زیر ترکی نیز توجه کنید : « شاید صاباح قار یاغاجاق » . (شاید فردا برف خواهد بارید [بیارد] .) یعنی با گفتن « شاید » بیان کننده مطلب در باریدن برف شك دارد و امکان باریدن برف را کمتر از پنجاه در صد می پندارد . « احتمالاً صاباح قار یاغاجاق » . (احتمالاً فردا برف خواهد بارید .) یعنی امکان باریدن برف بیشتر از پنجاه درصد می باشد .

« اگر صاباح قار یاغاجاق » . (اگر فردا برف خواهد بارید [بیارد] .) به این معنی فهمیده می شود که گوینده جمله مذکور با « شك و تردید » آمدن برف را بیان کرده ولی اشاره ای به چند در صد باریدن برف نکرده است . علاوه بر مفاهیم فوق ، اگر بر روی کلمه « اگر » تکیه شود و آخر فعل جمله نیز کشیده بیان شود (مثل : « اگر صاباح قار یاغاجاق ») . جمله به شکل طنز آمیز نیز به حساب می آید .

با توضیحات مذکور روشن می شود که عملکرد کلمه « اگر » در جملات ترکی همچون کلمه « شاید » (به یه) ، « احتمالاً » (إله بیل) می باشد . بعبارتی کلمه « اگر » یکی از علائم « شك و تردید » در زبان ترکی است که بر عکس سایر کلمات « شك و تردید » به مقدار و کمیت امکان عملی شدن فعل در جمله اشاره ای نمی کند .

نظر تشويقي و انتقادى دكتور زهتابى در رابطه با چاپ اول اين كتاب :

حۆرمەتلى ھەم يۇرتلىم - گونئىلىم دىلچى عالمى على محمدى جنابلارى !

عزيز دوست! تانىمادىغىم غەربىدە ياشايان بىر گونئىلىمىن دۇغما ئانا دىلىمىزى بۇ اندازە دە اوركدن سئومەسى، قايدا - قانۇنلارنى يازماغا جان آتماسى و ئانا دىلىنى بۇتۇن دۇنيا خەلقلىرى و اۆز مىلەتىنە تانىتىدىرماغا چالیشاماسىنى ئىشیتىدىب بىلدىكدە او قدر سئوینیب گونندىم كى، شادلىقدان گۆزلىرىم سۇلاندى. آخى گونئى قەدىم زامانلاردان دۇنيا شۆھرتلى شەخەسلەرنى : شەيخ مەھمۇد ، مىرزا فەتەلى آخۇدزادە ، خەيابانى ، مەجىز ، وايقانلى آدام ، كوزە كونانلى حاجى مەھدى ، شەبەستەلى سەید مەھمۇد ابوالضیاء ، خومەنالى مىرزا جەفەر ، بىنەسلى شەيخ مەھمۇد حەسەن ، چەنە وانلى وائىقى ، عاشىق قەشەم ، دريانلى حاجى مەھدى ، شەرفخەنالى نەزەر ، و... ین وەتەننى ، دۇغولوب ، بۇيا باشا چاتدیغى ديار اۆلموشدور. ئىشیتىدىب بىلدىكدە كى ، گونئىن « كەلمۆلك » كەندىندەن دانىشگەھ اوستادى « آقاي انزابى » ایلە عەئىنى زاماندا بىر دىلچى عالمى دە وارىدیر ، ھەم سئویندىم ، ھەمدە فەخر ئىتدیم .

عزيز دوست ! لطف ائەب گۆندەردىيىنىز « دىستور زبەن تەركى آذربەيجان با تەوضیحات فارسى جلد ۱ » كىتابىنىز ۷ ، ۱۲ ، ۱۹۹۸ تارىخەدە الیمە چاتدی ، اۇنو سەرتلە گۆزدەن كەچىرتدیم . سىزىن تەبىئى اولاراق بۇ اندازە دە دۇغما ئانا دىلىنىزە وۇرغون و علاقە مەند اۆلدوغونوز ، دىلىمىزىن يوزلەرچە دىلچىلىك اثرلىلە تانىش اۆلمەدان ، اۇنو بو قدر سئویب اوزە ریندە دوشونوب ، چالیشماغىنىز مەن ھەم تەجەلەندىردى ، ھەمدە برك سئویندىردى. چۆن گۆردۆم كى ، سىز دۇنیانین ان قەدىم و زەنگىن دىللەرىندەن اۆلان آدرى تۆركچە سەنەن دە رین ، گەئیش و زەنگىن خەسەسلەرنى و اینجە لىكەلرینى دۇیموش و اونلارى علمى باخیمەدان یازىپ تانىتىدىرماغا چالیش مەش سەنەن . بۇ مەقسەش و دۇیغونوز تەقدیر و تشویقە لایىقەدیر و یقین بىلەن كى ، سىزىن قەدرىلەن خەلقىنىز ھەچ ەقت سىزىن زەھمەتلىرىنى اۆنۆتمەز .

حۆرمەتلى عالمى دوست ! وەتەنمىزىن مەنەبە كەچمەش خەكىم دایرە لرى و پەھلوى ظلمو

خلقىمىزىن اۋز آنا دىلىنى اۋىرنىمە سىنە مانع اۆلموشدور. بونا گۆرە دە ، بوتون ضىاليلارىمىز كىمى ، سىزە دە آنادىلىمىزى علمى باخىمدان اۋرنىمك ايمكانى اۆلمايمىشىدور. بۇسىبدن دە ، سىزە ھىچ بىر تەقىسىر اولمادان ، يازدىقلارنىز آنجاق اۋز شەخسى آراشدىرمالارىنىز و اۋز اسلوبونوزدا اۆلموشدور ، خالبوكى ، بۇگون باكى بوتون تورك دۇنياسىنىن تورك دىلچىلىكى مركزىدىر و نىچە يوز ايلدىن بىرى اۆزى عالملىرى دىلىمىزىن مەختەلف جەھەتلىرىدە يوزلرچە دە رىن دىلچىلىك اثرلىرى قلمە آلمىش و دىلىمىزىن سىس قۇرولوشو ، صرف و نەوىنى اۋىرنىمك اوچون آيرى - آيرى ائەلە اثرلىرى ياراتمىشلاركى ، بوتون دۇنيا دىلچىلىكىگىنە اۋرنىك اۆلموشدور. آذربايجانىن بوتون معاصىر عالملىرى ھىمىن دىلچىلىك مەكتىبى اصولوندا يازىپ يارادىر و ايرە لى گەدىرلر . جنوبى آذربايجان و عموم ايران توركلرىنىن دىلچىلىرى دە بۇ مەكتىبىن آردىنجا گەتمەكە دىرلر. مەن دە بىر شەبىستىلى كىمى ، چوخلو زەمتلر و اوزون مەرومىتلىردىن سۇنرا نەھىت باكى دانىشگاھىنىن « اۆزى دىل و ادبىياتى دانىشكە سىندە » ھىمىن مەكتىبىن آدلىم اۋستادلارى ، پروفىسورلارى و آكادەمىك - لرىنىن كىلاسلىرىندا آنا دىلىمىزى اۋىرە نىب ، اۋنلارنىن اثرلىرى ايلە بىلگىمى تەكمىل لىشىدىرمىش و عۇمرومون سۇنونا قەدر دە بۇ سەھدە چالىشاجام .

عالمىم دوست ! بۇگونە قەدر بۇ سەھدە دە چالىشمالارىم و اۋستادلارىمدان اۋىرنىدىكلىرىمى ، وىطنە دۇندوكدن سۇنرا ، باجاردىغىم قەدر قلمە آلمىش ، چاپ ائىدىرمەكە ىم .

بۇگونە قەدر چاپ ائىدىردىگىم آنا دىلىمىزىن سىس و صرف بۇلوملىرىنى احاطە ائىدىن ايكى كىتابى بۇ مەكتوبلا سىزە گۇندىرىم و اومودوم واركى ، آلاھ عۇمور وئرسە ، ياخىن آيلاردا دىلىمىزىن چاپ اۆلماقدا اۋلان نەھو كىتابىنى دا سىزە گۇندە رم .

عزىز دوست ! بۇگون بوتون دىرى دۇنيا دىللىرىنى اۋىرنىن دىلچى عالملىرى بۇ دىللىرى اولجە سىس قۇرولوشونو ، فۇنتىك ، سۇنرا كەلمە لرىن دە بىشىلە ، اىشتىق ، حاللانما و تەصرىف

قايدا قانونلارنى احاطە ئىدىن صرف ، مورفولوژى قورولوشونو ئۆزىگە نىسبەتەن خىلقلىرىگە ۋە مەكتەپلەردە ئۇشاقلىرىغا ئۆزىگە نىسبەتەن دىرلەر ۋە نەھىيە دىللىرىنى نەھىيە ، سىنتاكس ، ئۆزىگە نىسبەتەن نەھىيە . نەھىيە بۇلومۇندە كەلمەلەر ۋە سۆزلەرنى جەملەدە ئۇشاقلىقلارنى رۇللارنىدىن ، ئۇلارنى دوزۇلمە قانونلارنىدىن ، جەملەلەرنى قۇرۇلۇش ۋە نۇقلارنىدىن ۋە ئۇلارنى قانونلارنىدىن بىر ئۆلۈم .

سەس قۇرۇلۇش ياكى قونۇش بۇلومۇندە سەسلى ۋە سەس سەزىملىرى ، ئۇلارنى يازىلماسى ، علامەتلىرى ، ئاھىگە قانۇن ، ئارزۇچىلىق قۇرۇلۇشلىرى ، خەتلىرىدە يېزىلمەسى ۋە سەزىملىرى سەسلىككە دائىر مەسىلەلەردىن بىر ئۆلۈم . سەزىملىرى ئۆزىگە نىسبەتەن بۇ مەسىلەلەردىن مەخلىف يەرلەردە دائىرىسىگە سەزىملىرى ، لېكىن ئۇلارنى بىرىنچى قىسىمدا مەزىن سەزىملىرى تۇپلاملىرى ۋە مەخلىف لارلا ئۇلارنى دائىرىسىگە سەزىملىرى ۋە دىلچىلىك ئىلمىمىز ئاساسىدا چۇخ دوزگۇن ، ئاشلىقلار ، يادداقلا ۋە ئۇشاقلىقلارنى دىققەتلىرىگە ئۇلار ۋە دىلچىلىكى ئۇشاقلىقلىرىمىز ئۆزىگە نىسبەتەن ئاسان ۋە مەخلىفلىرى .

صرف ۋە ياكى مورفولوژى بۇلومۇندە سۆزلەرنى قۇرۇلۇش ۋە تەركىبى ۋە خەسەلەرنى دائىرىسىگە ۋە سۆزلەر مەنالىرى ۋە جەملەدە ئۇشاقلىقلارنى رۇللارنى ئاساساً ئۇن ئۆزىگە نىسبەتەن بۇلۇمۇر ۋە ھەر بىرىدىن ئۆزى - ئۆزى قىسىملىرىدە بىر ئۆلۈم ۋە قايدا لارنى گۇستىرلىرى . ھەر بىرىدىلە مەخلىف سۆزلەر ئىككى ئاساس دەستەيە بۇلۇمۇر :

(۱) ئاساس نطق خەسەلەرى . (۲) گۇمكىچى نطق خەسەلەرى .

— ئاساس نطق خەسەلەرى ئىدىدىر ۋە گراممىمىزدە بۇ تەرتىپلە ئۆزىگە نىسبەتەن :

(۱) ئىسىم . (۲) خەسەت . (۳) سەزىم . (۴) خەسەتلىك ، خەسەت .

(۵) خەسەت . (۶) خەسەت . (۷) ئىدى .

— گۇمكىچى نطق خەسەلەرى ئىسىم بۇنلاردىر :

(۱) قۇشمالار . (۲) باغلايىچىلار . (۳) ئادەتلەر .

مەنجا بىرى - بىرىدىن خەسەت بۇ ئۇن نطق سۆزۈن ھەر بىرىدىن خەسەتلىككە بىر ئۆلۈم ۋە ئۇلارنى دە يېزىلمەسى ، خەسەتلىكى ، تەسەبى ۋە سەزىملىرى قانونلارنى

گۆستريلير و ميثال لارلا شرح و ايضاح اولونور .

سيزه گۆندردىگيم ايكي كيتابدا ديليميزين بۇ ايكي موضوعوندان دانىشيلير و سيز كيتايبينيزين اكثر يئرلرينده بۇ مسئله لردن ، آيرى - آيرى يئرلرده ، قاريشيق و بيرى - بيريله علاقه سيز شكيلده بحث ائتميش سيز . اگر يازديقلارينيزين ، عاليملريميزين گۆستردىگي شكيلده اولماسيني ايسته سه نيز ، يالنيز اولنلاري دال - قاباق ائتمه لي و گۆستريلن سيرا ايله دوزمه لي و آرتيقلاريني حذف ائتمه ليسينيز .

سيزه گۆنده ره جگيم كيتاب ديليميزين نحوينه عايددير. نحو علمينده كلمه لرین جمله ده كي روللاري، وظيفه لري، يئرلري، اولنلارين آدلاري و جمله لرین ايسمي، فعلی، ساده و مركب اولمالارينا اساسا تقسيماتي گئنيش شكيلده ، ادبياتيميزدان چوخلو ميثال لارلا وئريلير. اختصار شكيلده يازديغيم نحو كيتابي تقريباً ۷۰۰ صحيفه دير و ايندى « فجر آذربايجان » غزئتينده تبريزده چاپ اولونور و سؤنرا كيتاب كي مي چاپ اولاجاقدير. سيز كيتايبينيزين بعضي يئرلرينده ، نحوه ايشاره ائتمه ده ، بعضي نحو مسئله لرینی يازميش - سينيز ، اولنلاري ساخلايب و كيتايبين ايكينجي جيلدينده ، نحو حيصه سينده وئرمه يينيز علمي اولار .

كيتايبين تازا چاپينين ايضاحلاري دۇغما آنا ديليميزده اولماسي لازيم و ياخشيدير ، چونكي ، هم خلقيميز آنا ديليميزده اولخويار ، همده ديليميزين بير سيرا قايدا - قانونلاريني فارسجا ايضاح ائتمك و فارسجا وئرمك غئير مومكوندور ، هر بير ديلين اؤز خصوصيتي واردير. عزيز هم يئرلیم ! بو شرفلى ميللى و ايسلامى ايشينيزده سيزه بؤيوك موفقيتلر و باجاريلار ديله ييب ، آرزو ائديرم كي ، بئرلينده كي دوستلارلا علاقه و رابطه نيز محكم اولسون ، تا اولنلارين واسيطه سيله علمي علاقه ميز داوام ائتسين و نحو كيتايبيني اولنلارين واسيطه سيله سيزه گۆندرمه ييم مومكو اولسون . ساغ اولون . سيزه باجاريلار آرزولاريا :

دوقتور محمد تقى زهتابى ، كيريشچى ،

بئرلين ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۹۹۸